

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال اول، شماره اول / بهار و تابستان ۱۳۹۷ش - ۱۴۳۹ق

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی غضنفری

سرمدبیر: آیت الله احمد عابدی

اعضای هیأت تحریریه

آیات عظام و حجج اسلام آقایان: عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، سید اسمعیل حسینی مقدم، حسین رحیم زاده خراسانی، داوود کمیجانی، امرالله گیوی، سید مرتضی موسوی خراسانی، سید محمد تقیب، محمد حسین واتقی. خانم‌ها: خدیجه احمدی بیغش، اکرم اسمعیلی، خدیجه جلالی، ناجحه سعیدی، فریبا صدارت، طاهره سادات طباطبائی، راضیه عراقی، قدسیه علی اوسط، زینب قاسمیور، راضیه کاظمی، فاطمه کاظم‌زاده، نرگس کریم‌زاده، فاطمه محرمی، سهیلا میرزازضائی، نیره نصرالله، اعظم نیکبخت، زینت نوروزی، معصومه یوسفی.

ویراستار فارسی: کوکب صابری

کارشناس اجرایی: مریم جعفریان

حروف چینی و صفحه آرایی: حمید حیدری

نشانی مجله: www.qazamfari.net

پست الکترونیکی: fasname@quransonnat.net

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ نسیم

شیوه‌نامه نگارش مقالات

دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، مقالات ارائه شده مطابق شیوه‌نامه را بررسی و نتیجه را پس از از طریق پست الکترونیکی نویسنده مسئول، منعکس می‌نماید.

لطفاً قبل از ارسال مقاله به نکات نگارش توجه و مقاله خود را بر طبق آن تنظیم فرمائید:

■ شیوه تنظیم چکیده مقاله:

- چکیده حداکثر دارای حدود ۱۵۰ واژه (بین ۱۰ تا ۱۲ سطر) و منعکس کننده روش تحقیق، متن و نتیجه بوده و بعد از عنوان آورده شود.

- کلیدواژه‌ها: حداقل ۳ و حداکثر تا ۷ واژه از میان کلماتی که نقش نمایه و فهرست را ایفا می‌کنند و کار جستجوی الکترونیکی را آسان می‌سازند، انتخاب شود.

■ شیوه تنظیم متن مقاله:

- در آغاز مقاله بعد از بسمله، به ترتیب عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان آورده شود. لازم است تحصیلات، عنوان علمی و تخصص نویسنده یا نویسندگان و آدرس الکترونیکی آنان و شماره تماس ذیل عنوان ذکر شود.

- عنوان مقاله کوتاه، گویا و بیان کننده محتویات مقاله باشد.

- متن مقاله حدود ۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰ کلمه و حدود حداقل ۱۵ و حداکثر ۲۰ صفحه A۴ باشد.

- مقاله در کاغذ A۴ با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط ورد ۲۰۰۷ و با فونت (متن

مقاله با قلم ۱۲ B Lotus (عربی ۱۲ B, Badr, لاتین ۱۰ TimesNewRoman) و یادداشت‌ها و منابع ۱۱ B Lotus

حروفچینی شود.

- تیتراها بر اساس اعداد و حروف ابجدی شماره گذاری و راست چین شوند.

- مقدمه در حدود ۲۰۰ کلمه شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، سؤالات، فرضیات، پیشینه، روش و نتایج تحقیق بوده و خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده سازد.

- ارجاعات متن بعد اتمام نقل قول در متن آورده شود. لطفاً (نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، جلد و صفحه

کتاب یا شماره و صفحه مجله) و (آدرس سایت به لاتین) آورده شود.

- اگر ارجاع بعدی بلافاصله به همان مأخذ باشد از (همان: شماره جلد / صفحه) استفاده شود.

- نتیجه حداکثر ۲۵۰ کلمه و بیان‌کننده مبحث، اثبات یا رد نظریه و ارائه یافته‌های تحقیق باشد.

■ شیوه تنظیم منابع:

■ منابع مورد استفاده در متن، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی و نام نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:

کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح یا محقق، محل انتشار، نام ناشر، نوبت چاپ، سال نشر.
مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره نشریه، سال انتشار، شماره صفحات مقاله.
مجموعه مقالات یا دایره المعارف‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، نام کتاب، نام ویراستار، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد، شماره صفحات مقاله.
سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی و نام نویسنده، عنوان و موضوع، نام و آدرس سایت اینترنتی.
در نگارش فهرست منابع در آخر مقاله به تذکرات ذیل توجه شود:

در انتهای مقاله، ترجمه عربی روان چکیده که از سوی مترجم حاذق تهیه شده است، آورده شود.

توجه: حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات و چاپ آن برای مجله محفوظ و مقالات دریافتی مسترد نمی شود. نیز چنانچه مقاله‌ای خارج از ضوابط باشد، قابل بررسی نخواهد بود.
جهت ارتباط مستقیم با مدیر مسؤول می توانید از قسمت تماس با استاد استفاده نمایید.
در صورتی که قبل از چاپ به پذیره مقاله نیاز دارید از همان طریق که مقاله ارسال کرده اید، پیام دهید.

محورهای مورد پذیرش

محور اصلی مقالات پذیرفته شده آموزه های قرآنی و حدیثی خواهد بود و بنابراین کلیه مباحث حوزه مسائل قرآن و حدیث که بتواند در ارائه مناسب نظر صحیح دین در مسائل مبتلابه مانند الگو سازی زندگی، ارائه سبک زندگی دینی، تحلیل و پاسخ به شبهات قرآنی و حدیثی و ... مؤثر باشد پذیرفته می شود.

فهرست مقاله‌ها

سخن مدیر مسؤول..... ۵

نقش رزق طیب در شکل‌گیری حیات طیب (متین رضانی)..... ۹

ارتباط انسان با خویش در سبک زندگی ایمانی در فرهنگ قرآنی (علی غضنفری، محمد ضرغام)..... ۳۱

زن در اسلام، رکن هسته خانواده ی توحیدی (طاهره سادات طباطبائی، اسماء حمیدانیپور) خطا محل یاب تعریف نشده.

تهدیدات تربیت دینی کودک و ارائه راهکارهای قرآنی و روایی (علی رجبی، سمیرا احمدی نیاسر)..... ۷۵

بررسی و تحلیل تسلی‌های قرآن بر مصائب مؤمنان (ملیحه بهرامفر)..... ۱۰۷

مهارت‌های تدریس با اقتباس از قرآن کریم (علی غضنفری، محمد مهدی خیر)..... ۱۳۹

جاذبه قرآن با تاکید بر پاسخ به نیازهای بشر (محمد مهدی عساریان)..... ۱۶۷

بررسی پیوندان عطف پذیری احکام و جامعیت قرآن (مجتبی نم‌نیات)..... ۱۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ.^۱

قرآن کریم، معجزه باقیه پیامبر اسلام است. تنها کتاب سماوی مصون مانده و برترین هستی است.^۲ زمانش نامحدود است.^۳ محتوایش بینهایت است.^۴ مأنوس مؤمنین است.^۵ تلاوتش برترین عبادت^۶ و کفاره گناهان است.^۷ و خداوند درجات بهشت را به اندازه آیات قرآن قرار داده است.^۸

بر این اساس تدبیر در آیات آن ضروری بوده و عمل به مقتضای آن واجب. چه اینکه قرآن کتاب اندیشه و تفکر و سپس عمل است. اندیشیدن در حروف و کلمات و آیات، تفکری عمیق در شناسایی بینش قرآن نسبت به مبدأ و معاد و جایگاه انسان از پیدایش تا قیامت و در پی آن حرکت و جوشش برای رسیدن به منزلتی که قرآن به انسان داده است. اما متأسفانه بعد از قرن‌ها از نزول این مائده سماوی که دل‌های بشر سخت محتاج به آن است، هنوز هم انسان قدر قرآن را نشناخته و پی به عظمت آن نبرده است و حتی بسیاری از مسلمانان به قرائت ظاهری اکتفا کرده و خود را در حجاب مخارج و صفات و دیگر محسنات تجویدی و نیز لحنی صحیح و صدایی خوش که البته آنهم در جای خود و به اندازه خویش لازم است، محصور ساخته‌اند و با قرآن و به وسیله آن، قرآن را مهجور نموده‌اند؛^۹ که مهجوریت در تعلّم، تلاوت،

^۱ - (یونس/ ۵۷) ای مردم موعظه‌ای از سوی خداوند و درمانی برای سینه‌ها و دلها و هدایتی برای مؤمنان، بسوی شما آمده است.

^۲ - قال ﷺ: الْقُرْآنُ أَفْضَلُ كُلِّ شَيْءٍ ذُوْنَ اللّٰهِ قرآن از هر چه هست غیر از خداوند، برتر می‌باشد. بحارالأنوار، ج ۹۲، ص ۱۹.

^۳ - امام رضا علیه السلام می‌فرماید: فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَهُ كُلُّ قَوْمٍ غَضُّوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ. قرآن در هر زمان جدید و نزد هر ملتی تا روز قیامت تازه است. بحارالأنوار، ج ۹۲، ص ۱۵.

^۴ - قال علی علیه السلام: ... يَخْرَأُ لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ قرآن دریایی است که عمق آن را نتوان درک کرد. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹ به ترتیب فیض الاسلام و ۱۹۸ به ترتیب صبحی صالح.

^۵ - قال علی بن الحسین علیه السلام: لَوْ مَاتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ اگر همه خلایق روی زمین بمیرند وحشتی نخواهم داشت وقتی که قرآن با من باشد. بحارالأنوار، ج ۴۶، ص ۱۰۷، ج ۸۵ ص ۶۶، ج ۹۲، ص ۲۳۹.

^۶ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ بِالْأَتْرَنِ عِبَادَتَهَا قِرَاءَتُ الْقُرْآنِ است. تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵.

^۷ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَسَيِّئَةٌ فِي النَّارِ وَأَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ بر تو باد قرائت قرآن که قرائت آن کفاره گناهان و موجب پوشیده شدن از آتش و امان از عذاب الهی است. بحارالأنوار، ج ۹۲، ص ۱۷.

^۸ - قال الکاظم علیه السلام: إِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدَرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ يُقَالُ لَهُ: إِفْرَاءٌ وَارْفَاقٌ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرْقَى بِهَيْبَتِ دَرَجَاتِ الْقُرْآنِ است، و به قاری قرآن گفته می‌شود بخوان و بالا رو، او می‌خواند و بالا می‌رود. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۰.

^۹ - وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا. (فرقان/ ۳۰) پیامبر گفت، پروردگارا قوم من، قرآن را رها کردند.

تدبّر و عمل^۱ از انواع آن است.

و این گذشته از تفاسیر ناروایی است که گاه برخی که نگاه خود را برتر از قرآن می‌دانند، بر قرآن تحمیل کرده‌اند. مع الاسف انواع مهجوریت‌ها در زمانه‌ی ما در سطح وسیعی رایج شده است. بسیاری که سالیان سال مسلمان بوده‌اند توان خواندن ظاهری آیه‌ای از قرآن را ندارند! و جمع کثیری از این عده متأسفانه تحصیل کرده‌های علوم روز می‌باشند! رواج انواع گناهان به شکلهای مختلف و شکستن قبح آنها نیز از مظاهر بی‌توجهی به آخرین کتاب آسمانی است. قرآن که قدرت ساختن انسان کامل و خلیفه الله را دارد، اکنون مایه گدایی برخی و یا زینت قنداق بچه و سفره عقد و عروسی و یا مقدمه انتقال اثاثیه منزل شده است! موارد تفسیر برای قرآن خود با خرواری از آه دل و سوز قلب همراه است. تفسیر به‌رأی آیاتی چون آیه قوام مرد بر زن در خانواده، آیات حجاب، آیات حرمت نگاه به نامحرم، آیات ربا و... برای انسان پیراسته از وسوسه‌ها، جز اشک ماتم برای تباه نمودن دین پیامبر به همراه ندارد.^۲

از دگر سو نمی‌توان انکار کرد که قرآن که حاوی اصول کلی در بیان مقررات مورد نیاز انسان می‌باشد و دستورات نبی مکرم ﷺ و نیز امام معصوم علیه السلام که آنهم متصل به فرامین پیامبر اطهر است، مفسر قرآن کریم است. قرآن خود به حدیث جایگاه ویژه‌ای بخشیده^۳ و پیامبرش را مأمور تبیین آن نموده است^۴ و فرمان داده که از آن دستورات پیروی شود.^۵ بنابراین هرآنچه که در تعلیم و تعلم قرآن بیان شده به گونه‌ای در باره حدیث نیز وارد شده است. چنانچه کسی که دو حدیث پیاموز که خود از آن بهره برد یا به دیگری پیاموز، از عبادت شصت سال برای او برتر است.^۶ و یک حدیث

۱ - مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ حَشْرَةَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى. آنکه قرآن بخواند و بدان عمل نکند، روز قیامت کور محشور می‌شود. همان، ج ۷، ص ۲۱۵.

۲ - قال الحسين السيد الشهيد عليه السلام: لا أفلح قومٌ اشتروا مِرْضَاءَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ. رستگار نشدند مردمی که رضایت خدای را به رضایت خلائق فروختند. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳.

۳ - وَمَا آتَيْكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَيْكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا. حشر/۷ آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید.

۴ - وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ. نحل/۴۴ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی.

۵ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. نساء/۵۹ ای مؤمنان اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اوصیای پیامبر را.

۶ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ تَعَلَّمَ حَدِيثَيْنِ اثْنَيْنِ يَنْفَعُ بِهِمَا نَفْسَهُ أَوْ يُعَلِّمُهُمَا غَيْرَهُ فَيَنْتَفِعَ بِهِمَا كَانَ خَيْرًا مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۲.

که از انسانی صادق اخذ شود، برای انسان از دنیا و آنچه در آن بهتر است.^۱ و نیز معیار تعیین شخصیت انسان‌ها به قدر نقل روایات دانسته شده است.^۲

• این دو فصلنامه می‌کوشد تا با همراهی اندیشمندان اسلامی، بخشی از این خلاء را پوشش داده و فصلی جدید را در تبیین آیات قرآن و روایات آل‌البیت علیهم‌السلام گشوده و آنچه که بتواند در تحقق جامعه قرآنی یاریمان دهد به مخاطبان خود عرضه دارد. امیدوارم خداوند این جهد ناچیز را از همکاران پذیرفته و ما را در مسیر ترویج مکتب اسلام یاری رساند و زمینه ای برای بیان معارف دینی به فرهیختگان اهداء نماید. بی تردید این نشریه از تبیین نگاه زیباییاتان در نشر معارف آل رسول استقبال می‌نماید.

مدیرمسؤل

۱. امام باقر علیه‌السلام نیز خطاب به جابر می‌فرمایند: يَا جَابِرُ كَحَدِيثٍ وَاجِدْهُ تَأْخُذُهُ عَنْ صَادِقٍ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. بحار الأنوار،

ج ۲، ص ۱۴۸.

۲. عن الصادق علیه‌السلام: اعْرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ عَنَّا. همان، ص ۱۵۰.



دفتر مطالعات پژوهشی علوم قرآنی و حدیثی
موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

نقش رزق طیب در شکل‌گیری حیات طیبه

متین رهمزانی^۱

تاریخ دریافت ۹۶/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۱۵

صص ۲۹-۹

چکیده

قرآن کریم در ۴۶ آیه و ۵۰ بار از واژه طیب استفاده کرده است. در این آیات واژه طیب در موضوعات مختلف و گاهی به صورت مشتقات مختلفی بکار رفته است. به نظر می‌رسد که این تعداد فراوانی از یک واژه نمی‌تواند بدون ارتباط با یکدیگر باشند. بیشترین موضوعی که واژه طیب در آن دیده می‌شود موضوع رزق است. رزق در فرهنگ قرآن و روایات به معنای تأمین‌کننده حیات است و بسته به نوع حیات جنس رزق نیز متفاوت است. به عبارت دیگر حیات از جانب خداوند به همه موجودات داده شده است بنابراین در تداوم آن نیازمند اسبابی هستند. مطلق اسبابی که موجودند و به تبع آن انسان، برای ادامه حیات به آنها محتاج است به نام رزق شناخته می‌شوند.

حیات طیبه نیز از عبارات مهم و کلیدی قرآن است که در این زمینه مفسران و عالمان بسیاری به بحث و تحقیق پرداخته‌اند.

^۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن @matin_ramezani@yahoo.com



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی

در این مقاله سعی شده است تا به نقش رزق طیب در به تحقق پیوستن حیات طیبه تأکید کند و رزق طیب را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری حیات طیبه قلمداد نماید.

کلید واژه‌ها: قرآن، طیب، رزق، حیات طیبه

مقدمه

در جریان رشد و هدایت انسان یکی از موضوعات اساسی موضوع طیب است. در معرفی طیب، بیان شده است که طیب به عنوان قابلیت همراهی با فطرت و مطلوب با حقیقت است، بر این اساس می‌توان پایه‌ای‌ترین مفهوم در فرایند رشد انسان را تحقق معنای طیب و پاک شدن از مفاهیم مقابل آن دانست. به عبارت دیگر مفهوم طیب، اولین مفهومی است که با انسان نازل می‌شود و هدایتش در گرو آن است.

بنابراین در قرآن مشاهده می‌شود که در موضوعات مختلفی واژه طیب بکار رفته است و طیب بودن آنها به این معناست که همگی با ساختار هستی هماهنگ و در یک راستا می‌باشند و در نهایت این انسان است که باید بتواند خود را همسو با آن سازد و از این نظام هماهنگ بهره ببرد.

به همین دلیل در سوره مبارکه اعراف که می‌توان آن را با نام ملکوت شناخت وقتی از هبوط انسان صحبت می‌کند این موضوع را با «بلد طیب» مرتبط می‌نماید.

همچنین در این سوره از «طیبات در رزق» سخن گفته و آن را به عنوان ضرورت زندگی مادی و معنوی انسان معرفی می‌کند.



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های قرآن و حدیث

قرآن انسانی را که در فرایند طیب قرار می‌گیرد به «طیبات» و «طیبین» خطاب کرده است، نیز اعتقادات پاک او را به عنوان «کلمه طیبه» شناخته است، همچنین خداوند حاکمیت طیبات در نظام انسانی را به درختی که اصل آن ثابت و فرعش در آسمان و پر محصول است تشبیه کرده است.

بر این اساس فرایند و ساختار طیب در انسان با بلد طیب و رزق طیب گره خورده و در یک راستا قرار می‌گیرد.

همچنین برای رسیدن به نتیجه، اعتقاد باید به عمل هم کشیده شود که این با «قول طیب» در ارتباط است و در صورت حاکمیت طیبات در زندگی انسان به «حیات طیبه» که غایت زندگی اوست، دست می‌یابد. این مقاله به بررسی موضوع رزق طیب به عنوان یکی از موضوعات مهم برای دستیابی به حیات طیبه می‌پردازد.

معنای رزق طیب و ارکان آن

خداوند همان‌طور که انسان‌ها را به زیباترین وجهی خلق کرده است آنها را برای استمرار حیاتشان از طیبات روزی فرموده است.

«اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَتَكُمْ وَ رَزَقَكُم مِّنَ
الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (غافر / ۶۴)

خداوند کسی است که زمین را برای شما جایگاه امن و آرامش قرار داد و آسمان را همچون سقفی (بالای سرتان)؛ و شما را صورتگری کرد، و صورتتان را نیکو آفرید؛ و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی داد؛ این است خداوند پروردگار شما! جاوید و پربرکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است!



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌های قرآن و حدیث

از آنجایی که انسان با توجه به توان گزینشی که خداوند به او عطا کرده است می‌تواند خود را از رحمت خدا محروم نماید و باب خیر را بر روی خود مسدود ساخته، نعمت‌های الهی را به نعمت تبدیل کند و رزق الهی را که سراسر خیر و رحمت و نعمت است با انواع آلودگی‌های خود هدر داده و موجبات خسران خود را فراهم نماید.

بر اساس آیه فوق به رزقی که برای انسان بهره‌مندی از خیر و رحمت و نعمت حقیقی را فراهم می‌سازد «رزق طیب» گفته می‌شود. چنین رزقی در راستای نظام فطری انسان باعث دریافت‌های معنوی در او می‌شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُتُمَ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»

(بقره/۱۷۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پاکیزه‌ها هر چه که ما روزیتان کرده‌ایم بخورید و شکر خدا بگزارید اگر تنها او را می‌پرستید.

بنابراین رزق طیب، به مجموعه دریافت‌های آسمانی انسان گفته می‌شود که به واسطه آن زندگی طیب برای انسان حاصل می‌شود و حقایق طیب برای او آشکار شده، به حیات طیبه سوق می‌یابد.

با توجه به کارکرد حقیقی رزق که رساندن خیر و رحمت و نعمت به انسان است، می‌توان ارکان رزق طیب را به صورت زیر معرفی نمود:

۱. رازق: تنها خداوند متعال است و غیر او در شأنی نیست که بتواند حیات‌آفرینی کند.
۲. مرزوق: بخشی از طیبات موهبتی و بخشی اکتسابی و در اثر فعالیت‌های از روی اختیار است.



دوفصلنامه پژوهشی (در آموخته‌ها و دوران سنت

۳. رزق: عامل حیات که بنا به جنس حیات ارزش و کیفیت آنها متفاوت خواهد بود.
۴. شکر: راه دریافت رزق، رسیدن انسان به مقام شکر است. شکر اتصالی با مبدأ غیب (چون رزق از آسمان است) و برخورداری از علم و توان اوست.
۵. حیات طیبه: نهایت دریافت رزق برخورداری از حیات طیبه در دنیا و آخرت است. بر این اساس رزق برای انسان دائمی است. زیرا رزق ناظر به عامل تداوم حیات و طیب بودنش ناظر به حیات طیبه‌ای است که می‌دمد.

مراتب رزق طیب

به دلیل آنکه زندگی انسان دارای ابعاد متعدد است، تداوم حیات فردی و اجتماعی آن نیز از ابعاد مختلفی قابل بحث است، با توجه به این ابعاد می‌توان مراتب رزق طیب را معرفی نمود:

۱. طعام

طعام به خوردنی‌های مادی یا غیر مادی که در آن ذائقه و گرایش فرد هم در نظر گرفته می‌شود، گفته می‌شود. عینی‌ترین مرتبه حیات؛ یعنی حیات مادی به واسطه طعام تداوم پیدا می‌کند، زیرا به واسطه ذائقه و گرایش در افراد انگیزه جستجو برای انواع غذا فراهم شده و نیازهای طبیعی مادی و معنوی برطرف می‌شود. ملائکه به دلیل نداشتن ذائقه از داشتن طعام بی‌نیاز هستند.

«...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ،... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْنَاهُمْ لِنَفْسِكَ وَ اُغْنِيَتْهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ...» (امام سجاد علیه السلام ۱۳۷۵ ش، دعای سوم)

پس صلوات بفرست بر ایشان و بر ملائکه که گروه‌های مختلف ملائکه را به خود اختصاص دادی و آنها را از طعام و شراب بی‌نیاز ساختی و تقدیس را عین زندگی آنها را قرار دادی.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی

منشأ همه طعام‌های مادی و معنوی که برای انسان در نظر گرفته شده و به عنوان طعام‌های حلال از طریق دین به او ابلاغ شده از آسمان و مرتبه قدسی است.

«وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَ السَّلْوٰی كُلُّوْا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (بقره/۵۷)

و بر شما ابر را سایه‌گستر کردیم و بر شما «من» و «سلوی» فرو فرستادیم [و گفتیم: «از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید.]] [ولی آنان] بر ما ستم نکردند بلکه بر خویشتن ستم روا می‌داشتند.

رعایت آداب طعام و مراعات حلال بودن و طیب بودن آن از موارد مهمی است که نقش محوری در زندگی انسان دارد و تمام زندگی او را از شغل گرفته تا روابط با دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَحِمَ اللَّهُ الْمُتَخَلِّينَ مِنْ أُمَّتِي فِي الْوُضُوءِ وَ الطَّعَامِ.» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۵۳)

خداوند رحمت کند کسانی که به آداب وضو و طعام پایبند هستند.

طعام مادی به دلیل گرایشی که با طبیعت و غرایز می‌یابد به سرعت امکان انحراف پیدا می‌کند و از ناحیه بدخوری و پرخوری دچار خدشه می‌شود (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۱۶) و آسیب‌های فراوانی را به جسم و روان انسان وارد می‌کند. به همین دلیل در قرآن و روایات دستور اکل همراه با پرهیز اکید از اسراف ذکر شده است که لازم است فرد از هرگونه امری که موجب خارج شدن تعادل جسمی و روانی در این زمینه است خودداری کند.



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌های قرآن و حدیث

و از آنجا که در هر شهری نوعی از طعام به عنوان غذا انتخاب می‌شود این غذاها نوعاً با نیازهای اقلیمی آنها همراستا بود (ر.ک: قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۱۶۲-۱۶۳) و موجب تعادل افراد با اقلیم خود می‌شود. همچنین در هر خانواده‌ای طعام مخصوصی مطلوب و مطبوع است که ممکن است در خانواده دیگر این مطلوبیت و مطبوعیت وجود نداشته باشد. همچنین هر فردی با طعامی ارتباط برقرار می‌کند و مزاج هر فرد نسبت به غذاهایی سازگاری بیشتری از خود نشان می‌دهد. این موضوع هم در بعد جسمی مطرح است و هم در بعد روانی.

به هر تقدیر بنا به تعریف رزق طیب، طعامی طیب است که بتواند فرد با حقایق غیبی اتصال دهد و زمینه رشد معنوی فرد را به وجود آورد. نیز طعامی طیب است که صرف اکل و تمتع و سرگرم شدن به حیات دنیایی نباشد. در این مرتبه طعام طیب نه تنها بعد مادی احتیاج انسان بلکه بعد معنوی آن را نیز تأمین می‌کند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۵۵)

در این راستا علاوه بر استفاده از طعام‌های طیب بر نوع استفاده از آنها در جهت افزایش توانمندی ارتباط انسان با غیب نیز تأکید می‌شود.

«كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَكَلَ أَتَى بِصَحْفَةٍ فَنُوضِعُ بِقُرْبِ مَائِدَتِهِ فَيَعْمِدُ إِلَى أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتَى بِهِ فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئاً فَيَضَعُ فِي تِلْكَ الصَّحْفَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ ثُمَّ يَتَلَوُ هَذِهِ آيَةَ- فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ثُمَّ يَقُولُ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ لَيْسَ كُلُّ إِنْسَانٍ يَقْدِرُ عَلَى عِتْقِ رَقَبَةٍ فَجَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى الْجَنَّةِ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۲)

موقعی که ابوالحسن الرضا عليه السلام بر سر خوان غذا می‌نشست، سینی بزرگی در کنار او می‌نهادند و آن سرور از بهترین خوراک‌هایی که در برابر او می‌نهادند، از هر خوراکی سهمی برمی‌داشت و در سینی می‌نهاد و می‌فرمود تا برای مساکین ببرند. ابوالحسن این آیه را زمزمه می‌کرد: «از گردنه



وَفَصَلْنَا بِرُوحِنَا لِيُؤْتِيَنَّكَ الْوَيْلَانَ الْمُنْت

نجات بالا نرفته است و چه دانی که گردنه نجات کدام است؟ آزاد کردن بنده‌ها یا خوراک پختن در روز سختی: برای یتیم خویشاوندی یا مسکین خاک‌نشین « و سپس می‌گفت: خداوند- عزو- جل- می‌دانست که هر کسی را امکان و توان نیست که برده آزاد کند تا از گردنه نجات به سوی بهشت روان گردد لذا اطعام یتیمان و خاک‌نشینان را در ردیف آزاد کردن بردگان به شمار آورد.

بر این اساس در این مرتبه از رزق، کم بودن ظاهری و افزون بودن زمینه‌های دریافت‌های غیبی در رزق مهم تلقی می‌شود.

«...خُلِقْتُ لِيشَعَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمُّهَا عَلْفُهَا أَوْ الْمَرْسَلَةِ شُعْلُهَا تَقْمُمُهَا تَكْتَرِشُ مِنْ أَعْلَافِهَا وَ تَلْهُو عَمَّا يُرَادُ بِهَا أَوْ أُتْرِكَ سُدَى أَوْ أَهْمَلْ عَابِئاً أَوْ أُجْرَّ حَبْلَ الضَّلَالَةِ أَوْ أُعْتَسِفَ طَرِيقَ الْمَتَاهَةِ وَ كَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ إِذَا كَانَ هَذَا قُوتُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنْ قِتَالِ الْأَقْرَانِ وَ مُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ أَلَا وَ إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً وَ الرِّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَ النَّابِتَاتِ الْعِذْيَةَ أَقْوَى وَ قُوداً وَ أَبْطَأَ خُمُوداً.» (شريف الرضى، ۱۴۱۴، ص ۴۱۹)

پس مرا نیافریده‌اند که خوردن طعام‌های نیکو (از نیکبختی جاوید) بازم دارد مانند چهارپای بسته شده که اندیشه‌اش علف آن است، یا مانند چهارپای رهاگشته که خاکروبه‌ها را بهم زند تا چیزی یافته بخورد، پر می‌کند شکمبه را از علفی که به دست آورده و غفلت دارد از آنچه برایش در نظر دارند (نمی‌داند که صاحبش می‌خواهد فربه شود تا به کشتارگاهش فرستد یا برایش بارکشی نموده کارش را انجام دهد) یا مرا نیافریده‌اند که بیکار مانده و بیهوده رها شوم، یا ریسمان گمراهی را کشیده بی‌اندیشه در راه سرگردانی رهسپار گردم و چنان است که می‌بینم گوینده‌ای از شما می‌گوید: اگر این است خوراک پسر ابوطالب پس ضعف و سستی او را از جنگ با همسران و معارضة و برابری با دلیران بازمی‌دارد؟! بدانید درخت بیابانی (که آب کم به آن می‌رسد) چوبش



دُفُصَلًا بِرُحْمٍ يُرَبُّونَ لِأَسْمَاءٍ لَّا مَوْلَانِ سُنَّت

سخت‌تر (استوارتر) است و درخت‌های سبز و خرم (که در باغ‌های پر آب کاشته شده) پوستشان نازک‌تر است و گیاه‌های دشتی (که جز آب باران آب دیگری نیابند) شعله آتش آنها فروخته‌تر و خاموشی آنها دیرتر است (آری انسان هر قدر کمتر بخورد و بیاشامد اندامش استوارتر و در کارزار دلیرتر است و هر قدر بیشتر بخورد و بیاشامد نازک پوست و سست دل و ترسناک‌تر است).

توجه به انواع غذاها و حلال و طیب بودن آنها، نیز نحوه استفاده از غذاها و نقش غذا در تربیت جسم و روان از موضوعات مهمی است که باعث بهره‌مندی هر چه بیشتر انسان از حیات مادی می‌شود و زمینه بهره‌مندی از حیات معنوی را ایجاد می‌کند به همین دلیل در سوره مبارکه عبس از ملائکه نزول‌دهنده وحی سخن می‌گوید و آنها بزرگوارانی بخشاینده و بسیار نیکی‌دهنده معرفی می‌کند که وحی را برای انسان جاری می‌کنند، نیز از گیاهانی نام می‌برد که رزقی آسمانی می‌نوشند و غذایی جسمانی را در اختیار انسان قرار می‌دهند تا در اثر تناول این متاع که مشابه متاع حیوانات است به قرب الهی و قدرت فهم کتب آسمانی نایل شود.

۲. مال

دارایی‌هایی که انسان از راه صحیح و مطابق با حق بدست می‌آورد، از مصادیق رزق محسوب می‌شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره/۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)،



دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی در آموزه‌های قرآن و حدیث

انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمت‌های ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال)، حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است.

خدای تعالی در این آیه کیفیت مالی را که انفاق می‌شود بیان نموده و می‌فرماید: باید از اموال طیب باشد، نه خبیث، یعنی مالی باشد که فقیر به رغبت آن را بگیرد نه به کراهت و اغماض، برای اینکه کسی که نخواهد با بذل مال طیب، خویشترن را به صفت بخشنده متصف سازد، و بخواهد مال خبیث خود را از سر باز کند، و زندگی خود را از چنین آلودگیها رها سازد، چنین کسی دوستدار کار نیک نمی‌شود، و چنین انفاقی نفس او را به کمالی نمی‌رساند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۰۴)

۳. علم

تداوم وجود مادی و غیرمادی انسان و جامعه‌ی او، وابسته به علم است و بدون آن شریان اصلی حیات قطع می‌شود. بر همین اساس یکی از مصادیق رزق در نظام انسانی علم است که مرتبه‌ای بالاتر از طعام دارد، زیرا باعث ارتقای درجات معنوی انسان می‌شود.

انسان آنچه به عنوان ذخیره علمی در طول زندگی به دست می‌آورد در صورتی که روشنایی راه و هدایت در مسیر زندگی به او عطا کند، طیب است، نیز به میزان این روشنی بخشی از درجات بالاتری از طیب بودن برخوردار است.

در ذیل آیه «و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَ الْبَحْرِ - وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ - وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰)؛ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان



دُفُصِّلْنَا بِهَذَا بِرُوحِ الْوَيْسُطِيِّ فِي رَأْسِ مَوْزُونِ الْأَوَّلِ مِنْ سُنَّةِ

را بر مرکب‌های آبی و صحرایی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتریشان دادیم، آن هم چه برتری؟

تفسیر قمی در ادامه این آیه شریفه روایتی آورده است که متن آن چنین است:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَا يُكْرِمُ رُوحَ كَافِرٍ - وَ لَكِنْ يُكْرِمُ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ - وَ إِنَّمَا كَرَامَةُ النَّفْسِ وَ الدَّمِ بِالرُّوحِ - وَ الرِّزْقُ الطَّيِّبُ هُوَ الْعِلْمُ.» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۲)

خداوند روح کافر را تکریم نکرده است و لکن ارواح مؤمنین را تکریم کرده است و قطعاً کرامت نفس و خون با روح است و رزق طیب همان علم است.

رزق بودن علم، نیز مرتبه بالاتر آن نسبت به غذا امری بدیهی است به همین دلیل از توصیه‌های مؤکد دینی به حساب می‌آید.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ كَانَ فِيمَا وَعَظَ لُقْمَانَ ابْنَهُ أَنْ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ اجْعَلْ فِي أَيَّامِكَ وَ لِيَالِيكَ وَ سَاعَاتِكَ نَصِيباً لَكَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّكَ لَنْ تَجِدَ لَهُ تَضْيِيعاً مِثْلَ تَرْكِهِ» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۹۳)

از جمله اندرزهای لقمان به پسرش این بود: پسر جانم! در روزها و شب‌ها و ساعات خود بهره‌ای برای طلب علم قرار ده، زیرا که تو هیچ گونه تباهی‌ای برای عمرت همانند تباهی ترک علم نمی‌یابی.

علم در قرآن و روایات با کلمات متعددی آمده است که اولاً نشان‌دهنده عظمت آن و ثانیاً تنوع آن در ساختار وجودی انسان است. به همین دلیل برای شناخت انواع علم و ضرورت هر یک، نیز راه‌های وصول به هر کدام به مطالعات گسترده نیاز است.



دوستان عزیزان! در آموزه اول قرآن و حدیث

علمی که برای صلاح و اصلاح به کار نمی‌رود هر چند از جهاتی از حقیقت حظ و بهره دارد ولی برای انسان طیب نیست.

۴. شریعت و حکم

از آنجایی که هیچ شأنی از شئون زندگی انسان از حکم خدا خالی نیست، حکم خداوند به استفاده از طیبات و استفاده نکردن از خبیثات نیز توسط رسول و ولی الهی به انسان‌ها ابلاغ می‌شود. در واقع حکم خداوند که توسط ولی ابلاغ می‌شود تنظیم‌کننده رابطه انسان‌ها با طیبات و خبیثات است.

جریان یافتن طیب که به واسطه این حلال‌ها و حرام‌ها ممکن و محقق می‌شود در سوره مبارکه اعراف آیه ۱۵۷ بیان شده است.

در تفسیر نور الثقلین نیز در ذیل این آیه در شناخت امام و دریافت حکم از ایشان و تبعات عدم تبعیت از ایشان این طور آمده است:

«عن أبي عبد الله عليه السلام حديث طويل يقول فيه عليه السلام: ... ثم قال: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» یعنی النبی صلی الله علیه و آله و الوصی و القائم یا مرهم بالمعروف إذا قام و ينهاهم عن المنكر و المنكر من أنكر فضل الامام عليه السلام و جحدہ و يحل لهم الطيبات أخذ العلم من اهله و يحرم عليهم الخبائث و الخبائث قول من خالف و يضع عنهم إصرهم و هي الذنوب التي كانوا فيها قبل معرفتهم فضل الامام عليه السلام و الأغلال التي كانت عليهم و الأغلال: ما كانوا يقولون مما لم يكونوا أمروا به من ترك فضل الامام عليه السلام فلما عرفوا فضل الامام وضع عنهم إصرهم و الإصر: الذنب و هي الأصر ثم نسبهم فقال: «الذين آمنوا به» یعنی بالإمام «و عَزَّوْهُ وَ نَصَرُوْهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ



دوستان! هر روز با این آموزه دوران سنت

هُمُ الْمُفْلِحُونَ» یعنی الذین اجتنبوا الجبت و الطاغوت ان یعبدوها و الجبت و الطاغوت فلان و فلان و فلان و العبادۀ طاعۀ الناس لهم.» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «یَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» یعنی نبی صلی الله علیه و آله و وصی و قائم «یأمرهم بالمعروف» هنگامی که به پا می‌خیزند و «ینهاهم عن المنکر» و منکر آن است که کسی فضیلت امام علیه السلام را انکار کند و با او دشمنی کند و «یحل لهم الطیبات» یعنی علم از اهلش اخذ کند و «یحرم علیهم الخبائث» و خبائث، قول کسی است که خلاف علم است و «یضع عنهم إصرهم» و آن گناهی است که قبل از شناخت فضیلت امام گرفتارش بودند و اغلالی را که در آن بودند از ایشان برمی‌دارد و «الأغلال» آن چیزی که آنها می‌گفتند از آنچه دستور نداشتند به ترک فضل امام علیه السلام پس گفت «الذین آمنوا به» یعنی به امام «و عَزَّوَهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» یعنی کسانی که اجتناب کردند از اطاعت جبت و طاغوت.

طیباتی که حکم خداوند به استفاده از آنها تعلق می‌گیرد «حلال» و خبائثی که حکم خداوند به عدم استفاده از آنهاست «حرام» است. تحلیل طیبات و تحریم خبائث به عنوان ابزار جریان‌سازی طیب هستند.

رابطه میان حلال و حرام با طیب و خبیث متناسب با مراتب طیبات از اهمیت و دقت متفاوتی برخوردار است.

۵. نزول رزق در قالب روابط

یکی از عنایات ویژه خداوند به انسان زندگی اجتماعی اوست. به واسطه چنین زندگی امکان بروز صفات ربوبی در او فراهم شده است.



وَفَصَلْنَا بَرَكَاتِنَا فِيهِمْ فِي رَاسِ مَوْزُونِهِمْ وَأَوَّلَانِ مِنْتِ

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَفِيقٌ يُجِيبُ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطَى عَلَى

الْعُنْفِ». (كلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۹)

خدای عزوجلّ ملایم است و ملایمت را دوست دارد و عطایی که به ملایمت می‌دهد به خشونت و سختگیری نمی‌دهد.

لذا انسان به واسطه مسیری که می‌تواند در زندگی پیش گیرد می‌تواند از خصایلی برخوردار شود که منشأ بروز پاکی در حیات فردی و اجتماعی باشد. خداوند مؤمنین را به چنین حالتی توصیف کرده و وجود آنها را عین صدور پاکی‌ها برمی‌شمرد.

«قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ رَزِقَ مِنْ أَرْبَعَةِ خِصَالٍ وَاحِدًا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِرِ الْوَالِدَيْنِ أَوْ

صِلَةِ الرَّحِمِ أَوْ حُسْنِ الْجِوَارِ أَوْ حُسْنِ الْخُلُقِ» (شعیری، بی تا، ص ۱۰۶)

هر کس از این چهار خصلت به او روزی شده باشد در بهشت وارد می‌شود: برّ به والدین، صله رحم، حسن همسایگی، حسن خلق.

این موضوع منجر می‌شود تا انسان همجواری با اولیا و انبیا را تجربه و از مواهب این همنشینی بهره‌مند شود. خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم این بشارت را به مؤمنین به شیوه‌های مختلف بیان کرده است:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَ

الصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/۶۹)

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدانند.



دُفْعَلَاءَ بِرُوحَانِهِمْ فِي رِزْقِ الرَّاسِمَةِ وَأَعْوَانِ مُنْت

با توجه به آیات و روایات در نتیجه ارتباطات درست و تعاملات بر مبنای حق، انسان به مقام طیبیت نایل می‌شود و بدین ترتیب او را می‌توان به عنوان طیب خطاب کرد. در این صورت به نسبت پاکی‌اش با سایر افراد طیب مرتبط شده و رزق یکدیگر می‌شوند.

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور/۲۶)

زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند؛ و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند! اینان از نسبتهای ناروایی که (ناپاکان) به آنان می‌دهند مبرا هستند؛ و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی است!

با توجه به آیه فوق روشن می‌شود که بزرگ‌ترین ویژگی‌ای که خداوند برای طیبین و طیبات مطرح کرده است عبارتند از:

۱. دور بودن ایشان از خبثات‌های ظاهری و باطنی و حتی نسبت‌های خبثات آلود
۲. برخوردار بودن از مغفرت الهی
۳. برخوردار بودن از رزق کریم

مجبوبی که خداوند بین مؤمنین به واسطه ایمانشان قرار می‌دهد رزقی است که با هیچ چیز دیگر قابل مقایسه نیست، چنین حبی موجب شفاعت و ارتقای درجات ایمانی آنها می‌شود، همچنین آنها می‌توانند با این محبت نواقص علمی و معنوی یکدیگر را جبران نمایند.

۶. فرزند و نسل طیب

یکی دیگر از مصادیق رزق در آیات قرآن کریم، ذریه طیبه است.



دُفَعْنَا بِرُوحِنَا فِي رُوحِ رَسُولِهِ لِيُؤْتِنَا مِنْهُ

«هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران/۳۸)

در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: «خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی!»

طیب هر چیز، آن فردی است که برای چیز دیگر سازگار و در برآمدن حاجت آن دخیل و مؤثر باشد، مثلاً شهر طیب آن شهری است که برای زندگی اهلس سازگار، و دارای آب و هوایی ملایم، و رزقی پاکیزه باشد و کار و کسب و سایر خواسته‌ها برای اهلس هم فراهم باشد که خدای تعالی در باره چنین شهری می‌فرماید: «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (اعراف/۵۸)؛ شهر پاکیزه رویدنیهایش به اذن پروردگارش می‌روید.

همچنین عیش طیب، و حیات طیب، آن عیش و حیاتی است که ابعاض و شؤون مختلفش با هم سازگار باشد، بطوری که دل صاحب آن عیش به زندگی گرم و بدون نگرانی باشد، و یکی از مشتقات کلمه "طیب" بر وزن سبب است که به معنای عطر پاکیزه است، پس ذریه طیبه آن فرزند صالحی است که مثلاً صفات و افعالش با آرزویی که پدرش از یک فرزند داشت مطابق باشد. (طباطبایی، پیشین، ج ۳، ص ۲۷۴)

۷. ثمرات و نتایج

یکی دیگر از مراتب رزق طیب، دستیابی به نتایج و ثمرات طیب است همانطور که در آیات زیر بدان اشاره شده است:

۱. رسیدن به طیب و خوشی به عنوان پاداش



دُفصلًا بِرُوحِ الْبُرُوقِ فِي الْأَمْرِ وَالْإِسْلَامِ

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُمْ» (رعد/۲۹)

آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین (زندگی) و بهترین سرانجام‌ها نصیبشان است.

در آیه مورد بحث، کسانی را که ایمان به خدا آورده و عمل صالح می‌کنند و در نتیجه با یاد خدا دارای اطمینان قلب دائمی می‌شوند، به رسیدن به زندگی و عیشی طیب و سرانجام نیک بشارت می‌دهد.

۲. سلامت و امنیت از جانب ملائکه قبض ارواح و راهنمایی به بهشت

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل/۳۲)

همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنها می‌گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید!»

برخورداری از پاداش‌های ویژه مخصوص بندگان ویژه است یعنی پاداش و نتایج طیب برای طیبین است که این ارتباط دو طرفه در آیه فوق بیان شده است. ایشان حتی در هنگام قبض روح هم از سلام و تحیت برخوردار هستند.

در تفسیر المیزان می‌خوانیم که در این آیه، سه موضوع مطرح است: ۱- طیب و پاکیزه بودن ۲- سلامت و امنیت از هر نظر ۳- راهنمایی به بهشت. این سه موهبتی است که در آیه ۸۲ سوره انعام نظیر آن را می‌خوانیم «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ»؛ آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم و ستمی نیالودند، امنیت برای آنها است، و هدایت می‌شوند.



دُفَعْنَا بِرُوحِنَا إِلَى رُوحِ رِجَالِكُمْ وَأَوَّلَانُ سَمْتِ

معنای طیب بودن متقین، در حال توفی و مرگ، خلوص آنان از خبث ظلم است، در مقابل مستکبرین، که ایشان را به ظلم در حال مرگ توصیف کرده، و فرموده: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ» (نحل/۲۸) (طباطبایی، پیشین، ج ۱۱، ص ۴۸۸-۴۸۹)

۳. سوق دادن متقین به بهشت به صورت گروه‌گروه، سلام ملائکه و خوشامدگویی آنها

«وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (زمر/۷۳)

و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه‌گروه به سوی بهشت سوق داده شوند، تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده شود و نگهبانان آن به ایشان گویند: سلام بر شما، خوش آمدید، در آن درآید [و] جاودانه [بمانید].

در این آیه نیز پاداش طیب بودن مؤمنین، سلام ملائکه به ایشان و ورود به بهشت است و جز آنچه مایه خوشی ایشان است نخواهند دید. (طباطبایی، پیشین، ج ۱۷، ص ۴۵۱)

۴. وعده خدا به مؤمنین و استقرار در بهشت و مسکن‌های طیب

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/۷۲)

خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشتهای جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است!



دو فصلنامه پژوهشی «بیت» در آموزه‌های قرآن و سنت

«يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٌ طَيِّبَةٌ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (صف/۱۲)

(اگر چنین کنید) گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغهایی از بهشت داخل می‌کند که نه‌رها از زیر درختانش جاری است و در مسکنهای پاکیزه در بهشت جاویدان جای می‌دهد؛ و این پیروزی عظیم است!

در این آیات خداوند پاداش مؤمنین و مؤمنات را غفران ذنوب و داخل شدن در بهشت و استقرار در مسکن‌های طیب بیان می‌کند.

نتیجه

رزقی که برای انسان بهره‌مندی از خیر و رحمت و نعمت حقیقی را فراهم می‌سازد «رزق طیب» گفته می‌شود. چنین رزقی در راستای نظام فطری انسان باعث دریافت‌های معنوی در او می‌شود. بنابراین رزق طیب، به مجموعه دریافت‌های آسمانی انسان گفته می‌شود که به واسطه آن زندگی طیب برای انسان حاصل می‌شود و حقایق طیب برای او آشکار شده، به حیات طیبیه سوق می‌یابد.

طعام، مال، علم، شریعت و حکم، روابط، فرزند و نسل، ثمرات و نتایج را می‌توان به عنوان مراتب رزق طیب در نظر گرفت.

به عبارت دیگر ثمره اصلی استفاده از طیب، تداوم و ارتقا بهره‌مندی انسان از حیات آخرتی است که از آن به حیات طیبیه یاد می‌شود. ثمره استفاده از طیبیات را هم در بُعد جسمی و هم در بُعد روحی وجود انسان می‌توان مشاهده نمود.



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های قرآن و حدیث

در حقیقت تجلی بهره‌مندی انسان از حیات طیبه، در ابعاد و مراتب مختلف وجود انسان از طیب ولادت تا نهایت آن که بهشت است، ظهور می‌یابد.

منابع

- قرآن کریم
- امام سجاد (علیه السلام)، الصحیفه السجادیه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۵ ش.
- امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعه، ترجمه حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (م ۳۸۱ق)، الخصال، ترجمه فهری، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (قرن ۱۱)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴ ق یا ۲۸۰ ق)، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دار العلم، ۱۴۱۰ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱، تهران، رجاء، ۱۳۷۵ ش.
- حرّانی، ابومحمد، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت- دمشق، دار القلم- دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- شعیری، محمد بن محمد (م ۶ق)، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف، مطبعه حیدریه، بی تا.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- طبرسی، حسن بن فضل (قرن ۶)، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (قرن ۱۲)، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد (م ۶۷۱ ق)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۰۵ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم (قرن ۳)، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (قرن ۱۲)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های قرآن و سنت

- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (م ۳۲۹ ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مصطفوی، سید حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الأمالی (للمفید)، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- حاجی صادقی، عبدالله، مفهوم شناسی و حقیقت یابی حیات طیبه از منظر قرآن، انسان پژوهی دینی، تابستان و پاییز ۱۳۹۳ ش، دوره ۱۱.
- طباطبایی، ریحانه، حیات طیبه حیاتی اخلاقی در راستای مظهریت صفات الهی، معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۷.
- فرزند وحی، جمال، رحیمی، معصومه، حیات طیبه انسان از منظر قرآن کریم، کوثر، سال یازدهم، شماره ۴۱، نیمه دوم زمستان ۱۳۹۰ و نیمه اول بهار ۱۳۹۱.
- مظاهری سیف، حمیدرضا، حیات طیبه از دیدگاه قرآن، معرفت، شماره ۱۰۹.
- رجب نژاد، محمد رضا، بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبه در قرآن، سبک زندگی اسلامی.
- رستمیان، مرضیه، بررسی واژه طیب در قرآن با توجه به مراحل معنا شناسی واژه، راسخون.



دفتر مطالعات پژوهشی و آموزشی در آستان قدس

ارتباط انسان با خویش در سبک زندگی ایمانی در فرهنگ قرآنی

دکتر علی غضنفری^۱

محمد ضرغام^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۱۵

صص ۵۳ - ۳۱

چکیده

سبک زندگی ایمانی در فرهنگ قرآنی در تمام شئون زندگی انسان تأثیرگذار است. بی-توجهی مجامع اسلامی به سبک زندگی و تلاش روشمند و سیستمی دنیای غرب در این زمینه و تقلید کورکورانه مسلمانان از دستاوردهای علمی و فرهنگی غرب، یکی از اصلی‌ترین دلایل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی است. البته در این‌که استفاده منطقی از دستاوردهای علمی و فرهنگی سایر ملت‌ها فی‌نفسه امری مفید است، بحثی نیست. اما همواره باید متوجه این نکته بود که هر تغییری در جامعه اسلامی باید همخوانی و هماهنگی مناسبی با مبانی و اصول سبک زندگی قرآنی داشته‌باشد. اینجاست که اهمیت درک مبانی و اصول سبک زندگی قرآنی آشکارتر می‌گردد. محقق کوشیده است تا در ذیل عنوان «مبانی و اصول سبک زندگی ایمانی در فرهنگ قرآنی» با رویکرد تحلیلی و توصیفی، پس از شناخت واژگان مرتبط با موضوع، به

۱عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۲کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران zargham۱۴۲۹@yahoo.com



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های قرآن و حدیث

اصول «ارتباط انسان با خویش» که مبتنی بر دو اصل معرفت نفس و پرورش نفس بوده و زیر مجموعه این دو اصل شامل خودآگاهی، خودحیایی، و... می‌باشد، پردازد.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، فرهنگ قرآنی، ایمان، انسان.

مقدمه

یکی از اموری که در قرآن مورد توجه بسیار قرار گرفته است مسئله «نفس» است. قرآن در تفسیری که از انسان ارائه می‌کند برای «خود انسانی» ارزش فوق‌العاده‌ای قائل است: خودی که دارای فطریات و ابعاد وجودی گوناگون است. خودی که آفریده شده مبدأ وجود است و ره به سوی او دارد. خودی که می‌تواند جان‌نشین خدا بر روی زمین شود. (بقره/۳۰) خودی که اگر در مسیر توحید قرار گیرد به سعادت ابدی دست خواهد یافت. این از ویژگی‌های انسان‌شناسی قرآن است که مسئله‌ای به نام «نفس یا خود» را مطرح ساخته و قبل از آنکه رابطه انسان را با دیگران مطرح سازد، رابطه او را با «خودش» مطرح می‌سازد، چرا که اگر این «خود» ساخته شود دیگری و دیگران برای انسان مطرح خواهند بود و اگر این «خود» ویران شود، دیگری برای وی معنا و مفهومی نخواهد داشت. «ارتباط انسان با خویش» در سبک زندگی ایمانی در فرهنگ قرآنی مبتنی بر دو اصل الف) معرفت نفس و ب) پرورش نفس بوده و زیرمجموعه این دو اصل شامل اصولی همچون خودآگاهی، خودحیایی و... می‌باشد. در این مقاله علاوه بر پرداختن به معنای سبک زندگی در فرهنگ قرآنی، ارتباط انسان با خویش و اصول مربوطه در ادامه خواهد آمد.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
درآموزه‌ها و آوازه‌ها

۱- مفهوم شناسی سبک زندگی

پیش از پرداختن به مفهوم سبک زندگی به معنا شناختی هر یک از واژه‌های "سبک" و "زندگی" می‌پردازیم:

واژه «سبک»، به معنای «گداختن و قالب‌گیری کردن زر و نقره» آمده است. (ابن منظور، ج ۱۰، ص ۴۳۸؛ مرتضی زبیدی، ج ۱۳، ص ۵۷۸) اما امروزه در زبان عربی از معادل «اسلوب» برای معنای «سبک» بهره می‌برند که به معنای راه و روش و هر راهی که ادامه‌دار و ممتد باشد، آمده است. (ازهری، ج ۱۲، ص ۳۰۲) در زبان فارسی، واژه «سبک» در روند مفهومی خود، ابتدا و به صورت غالب در سبک‌شناسی ادبی و هنری به کار می‌رفت، ولی به تدریج، در دیگر حوزه‌ها نیز کاربرد یافته است. (فاضل قانع، ۱۳۹۲ش، ص ۱۷) همچنین «سبک» در زبان فارسی به معنای ریخت، طرز و روش نیز آمده است. (عمید، ۱۳۸۹ش، ص ۶۲۹).

واژه «زندگی» در زبان عربی معادل کلمه «حیات» بوده و ضده «موت» (ابن فارس، ج ۱۲، ۱۲۲) است. و در زبان فارسی، به معنای زنده بودن، زیستن، غم‌ر، حیات و معاش به کار رفته است. (عمید، ۱۳۸۹ش، ص ۶۰۸)

«سبک زندگی» از دو واژه «سبک» و «زندگی» تشکیل یافته که هر کدام به صورت جداگانه بررسی گردید. واژه «سبک زندگی»، واژه‌ای نسبتاً جدید در ادبیات علمی و فرهنگی بشر است. در این که نخستین بار این اصطلاح از سوی چه کسی به کار رفته است، در میان روان‌شناسان و جامعه‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. برخی جامعه‌شناسان مدعی‌اند از اصطلاحات ابداعی ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴) جامعه‌شناس آلمانی است. در مقابل، برخی روان‌شناسان علاقه‌مند هستند جعل



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

و ابداع این اصطلاح را به آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷) اهل اتریش و بنیانگذار رویکردی در روان‌شناسی با نام روان‌شناسی فردنگر (شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی الن، ۱۳۹۲ش، ص ۱۹۰) (individual psychology) نسبت دهند. (کاویانی، ۱۳۹۲ش، ص ۶۷) هرچند به طور دقیق نمی‌توان مشخص کرد این اصطلاح نخستین بار توسط چه کسی ابداع شده است؛ اما به نظر می‌رسد آلفرد آدلر نخستین اندیشمندی است که این مسأله را به‌عنوان یک بحث مستقل و جدی مورد توجه قرار داد. بعد از وی بود که توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف به «سبک زندگی» جلب شد. تا جایی که هم‌اکنون برای تحلیل و پیش‌بینی و بالطبع کنترل و هدایت بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (شریفی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۹)

در یک دسته‌بندی کلی، از سه رویکرد می‌شود به تبیین و توضیح دانش واژه «سبک‌زندگی» پرداخت (شریفی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۰ و ۲۱؛ مهدوی کنی، ۱۳۹۳ش، ص ۵۰-۸۱).

- ۱- اولین نگاه، رویکرد دین‌شناسانه است که حدود چند سال است که مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران دینی قرار گرفته است و باید با تفصیل بیشتری به آن پرداخت.
- ۲- رویکرد جامعه‌شناسانه که بیشتر، تحت تأثیر اندیشه‌های گنورگ زیمل (۱۸۵۸-۱۹۱۸) و ماکس وبر است. تعاریفی که براساس این رویکرد ارائه می‌شوند، بیشتر، نگاه توصیفی دارند و رکن اصلی آنها توجه به رفتار و نمودهای رفتاری است. این اصطلاح در نگاه جامعه‌شناسانه نقشی همچون اصطلاح «طبقه اجتماعی» یا «هویت اجتماعی» ایفا می‌کند و در آغاز، به عنوان جایگزینی برای اصطلاح «طبقه» که مورد استفاده مارکسیست‌ها بود، به کار گرفته می‌شد.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
درآموزه‌ها و آراء و افکار

۳- رویکرد روان‌شناسانه که متأثر از آراء و اندیشه‌های آلفرد آدلر است. در تعاریفی که بر اساس این رویکرد عرضه می‌شود، ارزش‌ها، هنجارها، ریشه و منشأ رفتارها مورد توجه ویژه‌تری می‌گردد و این اصطلاح، در تعاریف روان‌شناسانه، جایگاهی همچون اصطلاح «شخصیت»، «منش» و «هویت» دارد.

نهایت اینکه واژه «سبک زندگی» با این عنوان خاص، مفهومی است که آلفرد آدلر آن را ابداع کرد ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند: «سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند؛ یعنی راهی است برای رسیدن به اهداف؛... این شیوه‌ها، حاصل زندگی دوران کودکی فرد است، به سخن دیگر، سبک زندگی، بُعد عینی و کمیت‌پذیر شخصیت افراد است». سبک زندگی، بیش از آنکه به شناخت‌ها و عواطف فرد به صورت سازه‌های عینی، نظر داشته باشد، رفتارهای فرد را به صورت عینی و مشهود مورد مطالعه قرار می‌دهد. اما سبک زندگی اسلامی و به طور خاص قرآنی علاوه بر تأکیدش بر روی رفتار، ارتباط مستقیم با نیت افراد داشته و به حداقل‌های عواطف و شناخت‌ها نیز نظر دارد. در واقع، در سبک زندگی قرآنی، می‌شود رفتارها را به مهربان‌های متعددی تشبیه کرد که علوم انسانی به خود آن مهربان‌ها و بدون ارتباط با عوامل دیگر می‌پردازند، ولی در سبک زندگی قرآنی نه تنها به خود آن مهربان‌ها، بلکه به آنچه که سبب ارتباط آنها با هم می‌شود و همانند نخ تسبیح در تمام آنها وجود دارد، نیز می‌پردازد. به طور مثال رفتاری مثل نیایش، اگر اعتقاد به خدا و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار قرآنی محسوب نمی‌شود، چنان که رفتار بسیاری از مرتاضان و صوفیان، قرآنی نیست. (کاویانی، ۱۳۹۲، ش، ص ۱۶)



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه لا اله الا الله

نتیجه اینکده: سبک زندگی، روش مواجهه و رابطه برقرارکردن با هر شخص، حادثه و موضوعی است. همانند سبک مواجهه با دشمن (... وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوْا...)(مائده/۸)، جاهلان (...وَ إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوْا سَلَامًا)(فرقان/۶۳)، مؤمنان (...وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ)(عصر/۳) و... نوع مواجهه برابر است با سبک زندگی و سبک زندگی ایمانی شیوه و روش مواجهه فرد با هر شخص، حادثه و موضوعی، بر اساس تعالیم و آموزه‌های قرآنی بوده و سوق‌دهنده به حیات طیبه می‌باشد.

ارتباطات انسان

وجود ربطی انسان

انسان در نگاه قرآن، در مقابل اسم خدا و فعل خدا، «موجودی حرفی» است که هیچ موجودیت، حقیقت و هویتی از خود ندارد و تنها با وجود خدا و فعل او وجود می‌یابد و معنی می‌شود، پس انسان و هر موجود ممکن دیگر، به لحاظ وجود ربطی و هویت حرفی‌اش، تا به اسم و فعل الهی تکیه نکند، نه معنی و مفهومی خواهد داشت و نه وجود و تأثیری. بدین جهت، در فرهنگ دین از انسان به چیزی یاد می‌شود که نسبت به سود و زیان و زندگی و مرگ و پس از مرگ خود، فاقد هرگونه تأثیر است؛ «لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا وَ لَا مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نَشُوْرًا». (مجلسی، ج ۸۸، ص ۳۳۹) وجود حرفی، نه تنها صفت انسان، که وصف تمام ممکنات است؛ اما آفریدگار هستی در خصوص انسان تعبیر ویژه‌ای به کار می‌برد و در آن هیچ موجود دیگری را با آدمی شریک نمی‌کند. براساس این تعبیر، حقیقت انسان، نه تنها نزد خدا بود، که از روح الهی بود و از آن



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آموخته‌ها و آوان سوئیت

واقعیتی که حضور و ظهور الهی داشت، در انسان دمید. (جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۱۶۵)

حیات متألّهانه

قرآن کریم برای کاستن از سرکشی انسان و فراخواندن او به سوی حیات متألّهانه، دو اصل را درباره آدمی مطرح می‌کند و او را همواره به این دو که یکی وابستگی ذاتی و دیگری اضطراب واقعی است، متذکر می‌سازد. در نگاه قرآن کریم عصاره همه حدود و رسوم انسانی و خلاصه همه اسرار نهفته در حقیقت آدمی، عبارت است از «حیات متألّهانه»؛ یعنی انسان موجود، صاحب حیاتی است که در الهیت حق، محو شده و مظهر اسمای حسنای خدا گشته است؛ پس، نه تنها به زندگی حقیقی دست یافته، که به اندازه خود، نامی از نام‌های پربرکت خدا را متبلور ساخته است. از این رو، بر اساس تعریفی مستقل، می‌توان حیات متألّهانه آدمی را به عبودیت او در برابر ذات اقدس ربوبی معنا کرد؛ آن هم عبودیتی حقیقی که هرگز به رهایی و آزادی کاذب نمی‌انجامد. (جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، ص ۲۸)

روابط انسان

روابط انسان را می‌توان به چهار حوزه کلی تقسیم نمود که عبارتند از: ۱- ارتباط انسان با خویش، ۲- ارتباط انسان با خدا، ۳- ارتباط انسان با دیگران (انسان‌ها) و ۴- ارتباط انسان با جهان طبیعت. هر کدام از این روابط مبتنی بر اصولی بوده و به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شوند که در این مقاله به ارتباط انسان با خویش پرداخته خواهد شد.



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
ارتباط انسان با خویش

یکی از اموری که در قرآن مورد توجه بسیار قرار گرفته است مسئله «نفس یا خود» است. (مائده/۱۰۵) خودی که دارای فطریات و ابعاد وجودی گوناگون است. خودی که آفریده شده مبدأ وجود است و ره به سوی او دارد. خودی که می‌تواند جانشین خدا بر روی زمین قرار گیرد (بقره/۳۰). این از ویژگی‌های انسان‌شناسی قرآن است که مسئله‌ای به نام «نفس یا خود» را مطرح ساخته و قبل از آنکه رابطه انسان را با دیگران مطرح سازد، رابطه او را با «خودش» مطرح می‌سازد، چرا که اگر این «خود» ساخته شود دیگری و دیگران برای انسان مطرح خواهند بود و اگر این «خود» ویران شود، دیگری برای وی معنا و مفهومی نخواهد داشت.

سبک زندگی ایمانی در فرهنگ قرآنی در «ارتباط انسان با خویش» مبتنی بر دو اصل الف) معرفت نفس و ب) پرورش نفس بوده و زیرمجموعه این دو اصل شامل اصولی همچون خودآگاهی، خوداحیایی و... می‌باشد که به برخی از آنها در این مقاله پرداخته می‌شود.

اصل اول: معرفت نفس

معرفت نفس یعنی خودشناسی (مائده/۱۰۵)، در روایات، بر خودشناسی تأکید فراوانی شده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راه شناخت خدا را معرفت نفس معرفی می‌نماید. (مجلسی، ج ۲، ص ۳۲) امام علی علیه السلام نیز شناخت نفس را سودمندترین شناخت‌ها می‌داند. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۱۲) ایشان همچنین از معرفت نفس به عنوان بالاترین سعادت یاد می‌کنند. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۹۷) همچنین امام محمد باقر علیه السلام در اهمیت معرفت نفس می‌فرماید: « لامعرفه کمعرفتک



دو فصلنامه پژوهش‌های فلسفی و پژوهش‌های فلسفی در آموزه لا و ان سنت
بنفسک؛ هیچ شناختی همچون شناخت خویشتن خودت نیست.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق،
ص ۲۸۶)

۳-۱-۱- مراتب نفس

۱- **نفس اماره:** هنگامی که هوای نفس مشتعل است، نفس در پی نیل به لذت است و ممکن است چنان شیفته باشد که از شکستن حدود و زیر پا گذاشتن ضوابط نیز پروایی نداشته باشد. نفس در این حالت، اماره نامیده می‌شود. (یوسف/۵۳)

۲- **نفس لوّامه:** پس از نیل آدمی به مقصود، کشش نفس از بین می‌رود و هوی در او فرو می‌نشیند، بنابراین نفس از تب و تاب می‌افتد و خود را می‌یابد (وجدان)؛ و در پی این خودیابی، می‌تواند خارج از فرمان هوی، ناراستی‌های عمل خویش را باز یابد. حاصل کار، ملامت خود است. در این حالت نفس، به اعتبار لباس تازه‌ای که به تن کرده، نام دیگری را در خور است: «لوّامه» (سرزنشگر) (قیامت/۲).

۳- **نفس مطمئنّه:** سومین حالت نفس هنگامی ظهور می‌کند که انسان به خدا توجه یابد. توجه یافتن به خدا، آرامشی عمیق در نفس پدید می‌آورد. با ظهور چنین آرامش و اطمینانی در نفس، نام شایسته او نفس «مطمئنّه» است (رعد/۲۸). هر یک از این سه جلوه، حالت‌هایی گذرا هستند و نفس آدمی هر زمان به یکی از این جامه‌ها درآید، این تبدیل نقش‌ها به طور مکرر صورت می‌پذیرد و هر نقشی که بیشتر صورت پذیرد، از شکل گذرا به وضعیت استوار در می‌آید. (باقری، ۱۳۹۳ش، ص ۱۸ و ۱۹)



دوفصلنامه پژوهش‌های فلسفی و فقهی در آموزه‌های قرآن و حدیث

۳-۱-۲- مصادیق معرفت نفس: مصادیق معرفت نفس عبارتند از خودآگاهی، خوداحیایی،

خود مشاهده‌گری و خود قضاوتی

خود آگاهی:

انسان از دیدگاه قرآن موجودی خودآگاه است؛ یعنی هر انسانی خود را به خوبی می‌شناسد و می‌داند که چه کرده است؛ هم از کارهای خوب خود آگاه است و هم از کارهای بد خود. انسان خود بهتر از هرکس دیگر، از خود و باطن خویش آگاه بوده و به عملکردهای خود آشناست (قیامت/۱۵ و ۱۴). خود آگاهی به معنای بازیابی حقیقت خویش به واسطه پرورش و زنده کردن استعدادهای فطری و درونی است که در وجود او نهاده شده و سپس درک قلبی حقایق هستی و اسماء و صفات الهی. پس، ذات و جوهره ذاتی انسان، بازیابی و خود آگاهی اوست که به آن فطرتاً حبّ و عشق می‌ورزد. (مطهری، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۸) بر اساس فرموده خداوند در قرآن، آنچه با خودآگاهی منافات داشته و مانع آن بوده، «خود فراموشی» است که در اثر «خدا فراموشی» است: (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ...)(حشر/۱۹) زیرا وقتی انسان خدا را فراموش کرد اسمای حسنی و صفات علیای او که صفات ذاتی انسان ارتباط مستقیم با آن دارد را نیز فراموش می‌کند. اگر انسان به دنبال خود آگاهی خود نباشد و آن را در خود احیا و زنده نکند، خدا را فراموش کرده و دست به هر گناهی زده و از عبودیت و بندگی خارج می‌شود. (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۲۱۹) یکی از موانع سیر انسان به سوی خدا و مانع خودآگاهی، غفلت است، امام علی (علیه السلام) غفلت را گمراهی جان می‌داند. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۵) غفلت از خدا و آیات او با تهذیب روح، سازگار نیست؛ امام صادق (علیه السلام) در این خصوص می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْغَفْلَةَ فَإِنَّهُ مَنْ



دوستان! هرگز در آموزه لا اوت است

غَفَلٌ فَإِنَّمَا يَعْمَلُ عَنْ نَفْسِهِ؛ از غفلت بهره‌یزید؛ زیرا به راستی، هر که غفلت ورزد خویش را به غفلت افکنده است (و به زیان جان اوست). (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۰۳)

راه غفلت زدایی، «يقظه و بیداری» و «ذکر» است در معنای يقظه آمده است: «بیداری و توجه اعم از این است که مرگ و خواب در کار نباشد یا به طور کلی و یا صورت اجمالی» (مصطفوی، ج ۱۴، ص ۲۶۱) امام علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «مَا آتَسَكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِهَلَكَةِ نَفْسِكَ أَمْ مِنْ ذَاتِكَ بُلُولٌ أَمْ لَيْسَ لَكَ مِنْ نَوْمِكَ يَقِظَةٌ أَمْ تَرَحَّمُ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَرَحَّمُ مِنْ غَيْرِكَ؛ ای انسان چه چیز تو را به هلاکت خود واداشت؟ آیا دردت را درمان، و خوابت را بیداری نیست؟ چرا به همان صورتی که به دیگری رحم می‌کنی به خود رحم نمی‌نمایی؟». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۸۳)

خود احیایی:

حیات انسان در تأله او شکل می‌گیرد و تأله نیز اساس فطرت آدمی و عین حقیقت اوست؛ از این رو، بدون خداخواهی نمی‌توان حیاتی برای انسان تصور کرد و او را زنده نامید؛ پس بازگشت حیات متألّهانه انسان به توحید اوست و اگر بینش توحیدی انسان بازستانده شود، آدمی حیات خود را از دست می‌دهد و در فرهنگ جامع دین به شمار مردگان می‌آید. خداوند از کتاب الهی به ذکر و قرآن روشن‌گر یاد می‌کند و سپس فلسفه آن را این‌گونه مطرح می‌سازد: (لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ) (یس/۷۰)؛ یعنی قرآن کریم آمده است تا زندگان را بیم دهد و با آن، قول و حجّت خدا بر کافران تمام و خشم و انتقام الهی نیز بر آنان روا گردد. دقت در این آیه، نشان می‌دهد که خداوند، انسان‌ها را به دو دسته تقسیم کرده است: ۱- انسان‌های زنده پندپذیر. ۲- کافران ناسپاس؛ پس براساس این تقابل، هر کس کافر است، از حیات و زندگی بی‌بهره است و در



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی و آموزه‌های قرآنی

فرهنگ قرآن کریم، مرده است. (جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ص ۵۴؛ طباطبایی، ج ۱۷، ص ۱۰۹)

بر همین اساس، قرآن کریم با دقیق‌ترین تعبیرها همین انسان‌های زنده جوامع بشری را به حیات دعوت می‌کند. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...) (انفال/۲۴) مراد از حیات در این آیه، حیات ظاهری و جسمانی نیست، زیرا مخاطب آیه کسانی هستند که از این حیات برخوردارند. بلکه منظور از آیه معنایی دقیق‌تر و ظریف‌تر از زندگی یعنی حیات حقیقی انسان بر مبنای اندیشه و ایمان به خداست که در جهت هدف منطقی و متعالی قرار گرفته است. (طباطبایی، ج ۹، ص ۴۵) تحصیل این حقیقت جز از راه علم، ایمان و عمل صالح میسر و مقدور کسی نیست و این همان حیات طیبه‌ای است که خداوند مؤمنان را بدان وعده داده است: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً...) (نحل/۹۷) ؛ در عبارت شریفه (فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً) حیات، به معنای جان انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است، پس این عبارت با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد، مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می‌کند که اصل حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد، زیرا اگر مقصود این بود کافی بود که بفرماید: «ما حیات او را طیب می‌کنیم» ولی این‌طور نفرمود، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می‌سازیم. (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۳۴۱)



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آموزه‌گاه اهل سنت

خود مشاهده گری:

انسان برای بازگشت به خویشتن خویش و شناخت گوهر وجودی‌اش، همواره باید نسبت به حالات، افکار و احساسات خود توجه داشته و به آن‌ها آگاهی یافته و مراقب آنها باشد. این حالت مراقبه همواره باید در انسان وجود داشته باشد. در اهمیت این موضوع علمای اخلاق با توجه به آیه شریفه (یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُنْتُمْ تُخَافُوا اللَّهَ فَمُنْذِرًا ذُرِّيَّتِكُمْ أَتَى اللَّهَ عِبَادَهُمْ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَمْسَسْكُمْ أَيْدِيهِمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) (حشر/۱۸)، «مراقبه» را مادر همه مسائل اخلاقی می‌داند. (مطهری، ۱۳۷۷ش، ج ۲۲، ص ۷۶۰) سید بحرالعلوم در تعریف مراقبه می‌نویسد: «متوجه و ملتفت خود بودن در جمیع احوال، تا از آنچه بدان عازم شده و عهد کرده تخلف نکند.» (بحرالعلوم، ۱۴۲۵ق، ص ۱۵۰) در حدیثی از امام صادق علیه السلام در اهمیت مراقبه آمده است: «إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ: فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْصٍ إِنْ أَنَا أَوْصَيْتُكَ؟ حَتَّى قَالَ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثًا وَ فِي كُلِّهَا يَقُولُ لَهُ الرَّجُلُ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ: فَإِنِّي أَوْصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ يَكُ رُشْدًا فَامْضِهِ وَإِنْ يَكُ غَيًّا فَانْتَهَ عَنْهُ؛ مَرْدِي بِهِ خِدْمَتِ بِيَامِبِرٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَدٌ وَعَرْضٌ كَرْدٌ: ای رسول خدا، به من سفارشی بفرمایید؟ پیامبر سه بار به او فرمودند: اگر من تو را سفارش کنم، آن‌را می‌پذیری؟ در هر بار آن مرد جواب داد: بله ای رسول خدا، سپس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: سفارش من به تو این است که اگر بر انجام کاری همت گماشتی، در عاقبت آن اندیشه کن، پس اگر سرانجام آن کار خوب بود آن را انجام بده و اگر سرانجام آن ناشایست بود از آن دوری گزین.» (کلینی، ج ۸، ص ۱۵۰)

از نظر اسلام اگر انسان بخواهد خودش را تربیت کند، اولین شرطش مراقبه است، منتهی قبل از مراقبه «مشارطه» است (مطهری، ۱۳۷۷ش، ج ۲۲، ص ۷۶۰)؛ امام خمینی در معنای مشارطه



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌ها و ادیان سنت

می‌فرماید: « مشارطه آن است که در اوّل روز مثلاً (انسان) با خود شرط کند که امروز بر خلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکند. و این مطلب را تصمیم بگیرد. و معلوم است یک روز خلاف نکردن امری است خیلی سهل، انسان می‌تواند به آسانی از عهده برآید. تو عازم شو و شرط کن و تجربه نما ببین چقدر سهل است. ممکن است شیطان و جنود آن ملعون بر تو این امر را بزرگ نمایش دهند، ولی این از تلبیسات آن ملعون است، او را از روی واقع و قلب لعن کن، و اوهام باطله را از قلب بیرون کن، و یک روز تجربه کن، آن وقت تصدیق خواهی کرد.» (خمینی، ۱۳۸۷ش، ص ۹) همچنین در معنای مشارطه آمده است، هر کس در تجارت می‌خواهد با کسی شریک شود با او شرط و شروط می‌کند؛ در مسیر خودشناسی و خودسازی نیز همان شروط و بلکه بیشتر مطرح است چرا که خیانت آن شریک مالی هنوز معلوم نشده، و خیانت نفس کراراً و مراراً واضح و هویدا گردیده است. (بهارى همدانى، ۱۳۶۱ش، ص ۱۹)

خود قضاوتی:

در کنار مراقبه، «محاسبه» مطرح است. انسانی که اهل خودشناسی و خودسازی است، اهل حساب است و اعمال ثبت شده خود را حسابرسی می‌کند؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا؛ بندگان خدا! خود را آزمایش و امتحان کنید و در ترازوی حق و حقیقت بسنجید، قبل از این که شما را در میزان قیامت بسنجند و به حساب خود برسید قبل از این که به حساب شما برسند.» (شریف الرضی، خطبه ۹۰، ص ۱۲۳) محاسبه عبارت است از آنکه (انسان) وقتی از شبانه‌روز خود را برای رسیدن به حساب خود معین نماید. از مبدأ وقت سابق تا این وقت را ملاحظه نماید که در آنچه بر آن عازم شده با سایر احکام لازمه، آیا عامل او که بدن یا نفس باشد خیانتی کرده یا نه. (بحرالعلوم، ۱۴۲۵ق، ص ۱۵۱)



وَفَضَّلْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى سَائِرِ الْأَمْثَلِ وَأَعَدَّ لَكَ مَنَازِلَ مُنْتَهَى السَّمَوَاتِ

در محاسبه، انسان می‌بایست در پایان روز، رفتار یک‌روزه خود را بررسی کند و بنگرد به وظایف الهی و واجباتی که بر عهده او بوده است عمل کرده یا نه. اگر پس از بررسی پی برد که به وظایف الهی عمل کرده است و رفتار روزانه او بر طبق موازین شرع بوده، خداوند را سپاس گوید که توفیق انجام وظایف را به او عنایت کرد؛ چون انجام وظایف به توفیق الهی است و به پاس آن توفیق باید شکر به‌جا آورد. همچنین سعی کند در دیگر روزها، همان مسیر سالم و صحیح را ادامه دهد. اما اگر به وظایف الهی عمل نکرده، یا آنها را ناقص انجام داده است و به لغزش و انحراف مبتلا گردیده، سعی کند با انجام مستحبات و بخصوص نمازهای نافله، کاستی‌ها را جبران کند و در برابر ترک وظایف الهی و انجام معصیت خداوند، خویشتن را سرزنش کند و استغفار کند، تا خداوند متعال از گناهانش درگذرد. این همان محاسبه‌ای است که اهل بیت: به صاحبشان توصیه کرده‌اند و علمای اخلاق بر اساس دستورات ائمه اطهار علیهم‌السلام دیگران را بدان سفارش کرده‌اند. مصباح یزدی، ره توشه، ج اول، ص ۳۶۹-۳۷۰) نظر به نقش و اهمیت محاسبه در تهذیب نفس، امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: «لَيْسَ مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلَهُ خَيْرٌ أَسْتَزَادَ اللَّهَ وَحَمِدَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَعْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ؛ از ما نیست کسی که هر روز حساب خود را نرسد، پس اگر عمل نیکی انجام داده، از خداوند زیاد شدن اعمال خیر را طلب کند و خدا را بر (انجام) آن عمل خیر سپاس گوید و اگر گناه و کار بدی مرتکب شده از خداوند آمرزش بخواهد و به سوی او بازگشت کند» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۳)

قرآن کریم درباره محاسبه چنین هشدار می‌دهد: (...وَإِنْ تُبَادُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُهَا يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ... (بقره/۲۸۴)؛ و اگر آنچه در دل‌های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند.



دوفصلنامه پژوهش‌های فلسفی در آئینه آموزه‌های قرآن و حدیث
اصل دوم: پرورش نفس

در ارتباط انسان با خویش، معرفت نفس و پرورش نفس لازم و ملزوم یکدیگرند؛ معرفت شرط لازم و پرورش (تزکیه) شرط کافی برای رشد و کمال انسان است. در اهمیت پرورش (تزکیه) نفس همین بس که در قرآن کریم هدف از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تزکیه انسانها (جمعه/۲) معرفی شده است. تزکیه انسانها توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدین معناست که ایشان را به نموی صالح رشد دهد، اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کند، در نتیجه در انسانیت خود به کمال برسند، و حالشان در دنیا و آخرت استقامت یابد، سعادت‌مند زندگی کنند، و سعادت‌مند بمیرند. (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۴۴۷) برای پرورش انسان، چیزی مهمتر از توجه مستمر، به دل؛ یعنی معرفت، مراقبت و محاسبه نفس نیست. کسی که حقیقت و ارزش خود را بشناسد، می‌داند که ارزش جان آدمی به معارف الهی است. دلی که معرفت خدا و اولیای او در آن نیست، «گل» است نه «دل»، و آن کس که دارای چنین گوهری نباشد، انسان نیست. (جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ص ۲۱۴)

۳-۲-۱- مصادیق پرورش نفس : مصادیق پرورش نفس عبارتند از خودآغازگری، خودحفاظتی، خودشکوفایی و خودفراروی

خودآغازگری:

انسان مسئول سرنوشت و اعمال خود بوده و مورد سؤال واقع خواهد شد (نحل/۹۳)، لذا باید در زندگی خود تغییر مثبت ایجاد کند و این تغییر ابتدا از خود او آغاز می‌شود و اگر انسان آغازگر تغییر در خود نباشد خداوند در او تغییری به وجود نمی‌آورد. (رعد/۱۱) اما اکثر مشکلات از این‌جا شروع می‌شوند که انسان به‌جای این‌که اصلاح و تزکیه را از خود آغاز کند، سعی در اصلاح و



وَفَصَلْنَا بَيْنَ رُؤُوسِهِمْ وَبَيْنَ أَعْقَابِهِمْ لِئَلَّا يَصْطَفُوا بِيَدِهِمْ وَإِن نُّسَبِّحُ بِحَمْدِكَ إِنَّهُمْ يَعْلَمُونَ

ترکیه دیگران دارد. در آیات مختلف نسبت به این موضوع تأکید شده است: (آتَمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (بقره/۴۴)؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْلَمُونَ) (صف/۲) امام علی علیه السلام نیز اصلاح نفس را مقدم بر اصلاح دیگران دانسته‌اند. (شریف الرضی، حکمت ۷۳، ص ۴۸۰) همچنین امام سجاد علیه السلام در خصوص حق نفس می‌فرمایند: «وَأَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَسْتَوْفِيهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛ و اما حق نفس خودت بر تو این است که او را به تمامی به فرمان برداری خدا گماری». (علی بن حسین علیه السلام، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲)

خودحفاظتی:

آیه (...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ...) (حجرات/۱۳) نشان می‌دهد که انسان علاوه بر کرامت ذاتی می‌تواند با تقوا پیشه نمودن به کرامت اکتسابی دست یابد. کرامت اکتسابی، به اعمال اختیاری انسان وابسته است و با تقوا، ایمان و اعمال شایسته میسر می‌شود.

انسان وقتی پی به کرامت ذاتی خود برد باید نسبت به حفاظت از آن اهتمام ویژه‌ای داشته باشد (حجرات/۱۳) مولای متقیان علی علیه السلام تقوا را کلید درستی و اندوخته روز قیامت معرفی می‌کند: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ وَ عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ بِهَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ وَ يَنْجُو الْهَارِبُ وَ تُنَالُ الرَّغَائِبُ؛ تقوا کلید درستی و اندوخته روز قیامت است، آزادی است از قید هر رقیبت، نجات است از هر بدبختی. به وسیله تقوا انسان به هدف خویش می‌رسد و از دشمن نجات پیدا می‌کند و به آرزوهای خویش نائل می‌گردد». (شریف الرضی، خطبه ۲۳۰، ص

(۳۵۱)

انسان با تقوا حسابگر خویش است، چنان که علی علیه السلام فرمود: خود را آزمایش و امتحان کنید قبل از این که شما را در میزان قیامت بسنجند». (شریف الرضی، خطبه ۹۰، ص ۱۲۳) انسان با تقوا از



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

چنان دید توحیدی برخوردار است که اگر شیطان بخواهد کمترین تماس را با جان او برقرار کند فوراً بیدار شده می‌فهمد و او را طرد می‌کند. در آیه شریفه (إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ) (اعراف/ ۲۰۱)؛ «طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ» آن شیطانی است که پیرامون قلب آدمی طواف می‌کند تا رخنه‌ای پیدا کرده و سوسه خود را وارد قلب کند یا آن سوسه‌ای است که در حول قلب می‌چرخد تا راهی به قلب باز کرده وارد شود. اما پرهیزکاران وقتی شیطان طائف نزدیکشان می‌شود به یاد این می‌افتند که پروردگارشان خداوند است که مالک و مربی ایشان است، و همه امور ایشان بدست او است پس چه بهتر که به خود او مراجعه نموده و به او پناه ببرند، خداوند هم شر آن شیطان را از ایشان دفع نموده و پرده غفلت را از ایشان بر طرف می‌سازد، ناگهان بینا می‌شوند. (طباطبایی، ج ۸، ص ۳۸۱)

در حدیثی از امام صادق علیه السلام از آیه (إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ...) سوال شد، حضرت فرمودند: «هُوَ الْعَبْدُ يَهُمُّ بِالذَّنْبِ ثُمَّ يَتَذَكَّرُ فَيُمْسِكُ؛ آن بنده‌ای است که قصد گناه می‌کند سپس خدا را یاد آورده از گناه منصرف می‌شود». (مجلسی، ج ۶، ص ۴۰)

خودشکوفایی:

انسان با معرفت نفس و آگاهی از استعدادهای بالقوه نفس خود و با درک کرامت و مسئولیتش، پی به جایگاه اصلی و مطلوب خود در جهان هستی برده و انگیزه می‌یابد تا نسبت به فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه نفس تلاش کند. استعدادهایی در درون انسان وجود دارد که شکوفا شدن و به فعلیت درآمدن آنها، به فعالیت خود انسان بستگی دارد. ماهیت این تمایلات فطری به‌گونه‌ای است که اگر انسان، خود در مورد آنها کاری انجام ندهد، این میل‌ها در او بروز و ظهور نمی‌کند. (مصباح یزدی، در جستجوی عرفان اسلامی، ص ۲۸) قرآن کریم افراد خودشکوفا



دو فصلنامه پژوهشی در زمینه آموزش و ادیان و سنت

و آنها را که روح خود را بر اثر پالایش به شکوفایی رساندند، رستگاران جهان می‌خوانند و می‌فرماید: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا) (شمس/۹)؛ در تفسیر این آیه گفته شده: دین، یعنی تسلیم خدا شدن در آنچه از ما می‌خواهد که فطری نفس خود ما است، پس آراستن نفس به تقوا، تزکیه نفس و تربیت آن به تربیتی صالح است، که مایه زیادتر شدن آن، و بقای آن است. (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۲۹۸) خودشکوفایی، یعنی رسیدن به تعالی روح که نشانه سلامت و رشد انسان و عامل برتری روحی او از دیگر موجودات است. از امام صادق علیه السلام نیز در این باره نقل است: «لِيسَ الْعِلْمُ فِي السَّمَاءِ فَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ، وَ لَا فِي الْأَرْضِ فَيَصْعَدُ إِلَيْكُمْ، بَلْ مَخْرُؤُنْ مَكْنُونٌ فِي قُلُوبِكُمْ، تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ يَظْهَرُ لَكُمْ؛ علم در آسمان نیست تا بر شما فرود آید و در دل زمین نیست تا برای شما از دل خاک برآید، بلکه در اندرون دل های شما پنهان است. اخلاق خدایی را به خود بگیرید تا برای شما آشکار شود». (سلیمانی آشتیانی، ج ۱، ص ۳۲۸) براساس این حدیث نوعی از دانش نیز وجود دارد که تنها بر اثر خودشکوفایی برآمده از آراستگی به اخلاق خدایی، چون سرچشمه‌ای، از نهاد آدمی می‌جوشد و او را سیراب می‌کند.

خودفراری:

از استعدادهای عظیم انسان فهمیده می‌شود که آدمی بیش‌تر از محدوده زندگی دنیوی است. انسان برای این زندگی محدود به این همه استعداد نیاز نداشت، همان غرایز فردی و اجتماعی برای رفاه و نظم و عدالت زندگی دنیوی کافی بودند. از عظمت استعدادهای انسان، ادامه او را می‌یابیم و چون انسان از بی‌نهایت سرمایه برخوردار است، پس بی‌نهایت ادامه خواهد داشت و برای این بی‌نهایت راه باید استعدادهایش را بارور کند. (صفایی حائری، رشد (تفسیر سوره والعصر)، ص ۳۱-۳۲) استعدادهای اضافی انسان نمایانگر ادامه او هستند؛ همان‌طور که جنین در رحم مادر



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌های قرآنی

احتیاج به دست و پا و گوش و بینی ندارد و به جز جفتش به چیز دیگری احتیاج ندارد. بنابراین استعدادهای اضافی جنین در رحم مادر، نمایانگر ادامه جنین هستند و دلیل بر وجود یک مرحله‌ای که در آنجا این استعدادها به جریان می‌افتند و حتی مدت‌ها زمان لازم است تا دست‌ها و پاها نیرو بگیرند و تازه پس از اینکه نیرو گرفت، باید ابزاری برایش تهیه کنند تا بتواند در آن مرحله به زندگی خودش ادامه دهد. پس آنچه در محیط رحم، حیات طفل به آن وابسته بود جفتش بود، که آن را زیر خاک می‌کنند و آنچه هم که در آنجا راکد مانده بود، در اینجا به جریان می‌افتد. ولی اگر انسان به آگاهی برسد، از همین استعدادها ادامه خودش را کشف می‌کند و از نوع استعدادها می‌تواند نوع زندگی‌اش را در مرحله بعد کشف کند. انسان‌هایی که خودشان را شناختند و استعدادهای عظیم خودشان را دیدند، از نوع استعدادهایشان می‌توانند کیفیت زندگی بعدشان را حدس بزنند و مراحل بعدشان را ببینند و به حدی از رؤیت برسند که آن طرف را هم ببینند؛ (كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ) (تکواثر/ ۵-۶) (صفایی حائری، حیات برتر (معاد از منظر قرآن)، ص ۲۶-۲۸) خدای سبحان به ما دستور می‌دهد: (فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ... (ذاریات/ ۵۰) یا به پیغمبر ﷺ خطاب می‌کند: (وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتُلًا) (مزمّل/ ۸) و برای این که این «تَبْتُلٌ» و کمال انقطاع، حاصل شود مقدمات را فراهم کرده و فرموده است: (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَآقُومٌ قِيْلًا) (مزمّل/ ۶)؛ شب زنده‌داری عالم خاصی دارد؛ حرف‌ها در آن محکم‌تر و گام‌ها استوارتر است؛ انسان در روز، مشاغل زیادی دارد: (إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا) (مزمّل/ ۷) و در شب چون مانعی نیست آرام است. وقتی آرام شد مطالب را بهتر درک کرده، آنها را با خدای خود صحیح‌تر در میان می‌گذارد. در چنین فضایی خدا به رسول اکرم ﷺ دستور می‌دهد: (وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبْتُلْ إِلَيْهِ تَبْتُلًا) (مزمّل/ ۸) تأکید در این آیه، نشانه آن است که نه تنها انقطاع عبد بلکه کمال انقطاع



دفتر مطالعات پژوهشی و آموزشی در آموخته‌ها و آموختگان

او مطلوب خداست؛ (جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ص ۳۸۸-۳۹۰) چنانکه در «مناجات شعبانیه» به عنوان مطلوبی الهی از آن یاد شده: «إلهی هب لی کمال الانقطاع إلیک؛ خدایا کمال جدایی از مخلوقات را، برای رسیدن به خودت به من ارزانی کن» (ابن طاووس، ص ۶۸۷).

نتیجه

از آنچه گفته شد، نتایج ذیل بدست می‌آید:

۱- سبک زندگی، روش مواجهه و رابطه برقرارکردن با هر شخص، حادثه و موضوعی است. نوع مواجهه برابر است با سبک زندگی و سبک زندگی ایمانی شیوه و روش مواجهه فرد با هر شخص، حادثه و موضوعی، بر اساس تعالیم و آموزه‌های قرآنی و روایی بوده و سوق‌دهنده به حیات طیبه می‌باشد.

۲- انسان موجودی ربطی بوده و ارتباطش در ۴ بخش: با خویش، خدا، دیگران (انسانها) و جهان طبیعت مشخص می‌شود و در هر بخش دارای وظایف و حقوق متقابل است. انسان به عنوان عبد خداوند، تنها یک رابطه (و مسئولیت) حقیقی دارد و سایر رابطه‌ها (و مسئولیت‌ها) نتیجه و فرع مسئولیت الهی اوست. پس انسان در ازاء هر ارتباط قابل فرض با دیگری، مسئولیتی دارد که حق آن را باید کشف و اداء کند.

ارتباط انسان با خویش در سبک زندگی ایمانی در فرهنگ قرآنی مبتنی بر دو اصل الف) معرفت نفس و ب) پرورش نفس بوده و زیرمجموعه این دو اصل شامل اصولی همچون خودآگاهی، خوداحیایی، خود مشاهده‌گری و خود قضاوتی، خودآغازگری، خودحفاظتی، خودشکوفایی و خودفراری می‌باشد.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
موسسه انتشاراتی آیت الله العظمی بروجردی

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، ۱۴۰۶ق، چاپ دوم، دارالشریف الرضی.
- ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الأعمال (ط- القدیمة)، تهران، ۱۴۰۹ق، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق/مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، بی تا، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب (۱۵ج)، بیروت، بی تا، چاپ سوم، دار صادر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، ۱۴۰۴ق، چاپ دوم، جامعه مدرسین.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة (۱۵ج)، بیروت، بی تا، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد اول)، تهران، ۱۳۹۳ش، چاپ سی و هفتم، مدرسه بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم، مشهد، ۱۴۲۵ق، چاپ هفتم، علامه طباطبایی
- بهارى همدانی، محمد بن محمد، تذکره المتقین، تهران، ۱۳۶۱ش، چاپ دوم، نور فاطمه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق/مصحح: رجائی، سید مهدی، قم، ۱۴۱۰ق، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، محقق: الهی زاده، محمد حسین، قم، ۱۳۸۹ش، چاپ پنجم، مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، محقق: امین دین، غلامعلی، قم، ۱۳۸۴ش، چاپ دوم، مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، مراحل اخلاق در قرآن، محقق: اسلامی، علی، قم، ۱۳۸۶ش، چاپ هفتم، مرکز نشر اسراء
- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، قم، ۱۳۸۷ش، چاپ بیستم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- سلیمانی آشتیانی، مهدی و درایتی، محمد حسین، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، قم، ۱۳۸۷ش، چاپ اول، دارالحدیث.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، محقق/مصحح: صالح، صبحی، قم، ۱۴۱۴ق، چاپ اول، هجرت.



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و ادیان مسنّت

- شریفی، احمدحسین، سبک زندگی اسلامی ایرانی، تهران، ۱۳۹۲ش، چاپ اول، آفتاب توسعه
- شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی الن، نظریه‌های شخصیت، تهران، ۱۳۹۲ش، چاپ بیست و پنجم، نشر ویرایش.
- صفایی حائری، علی، حیات برتر (معاد از منظر قرآن)، قم، ۱۳۹۰ش، چاپ اول، ليله القدر
- صفایی حائری، علی، رشد (تفسیر سوره والعصر)، قم، ۱۳۸۱ش، چاپ پانزدهم، ليله القدر
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن (۲۰ج)، بیروت، ۱۳۹۰ق، چاپ دوم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
- علی بن حسین علیه السلام، امام چهارم، رساله الحقوق للإمام زین العابدین، تهران، ۱۴۲۱ق، چاپ دوم، الهدی
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، ۱۳۸۹ش، چاپ اول، راه رشد.
- فاضل قانع، حمید، سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)، قم، ۱۳۹۲ش، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما
- کاوایی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، ۱۳۹۲ش، چاپ سوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (۸ج)، محقق/مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، ۱۴۰۷ق، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامیه
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، محقق/مصحح: حسنی بیرجندی، حسین، قم، ۱۳۷۶ش، چاپ اول، دارالحدیث
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار (۱۱۰ج)، بیروت، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم، دار إحياء التراث العربی
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس (۲۰ج)، بیروت، بی تا، چاپ اول، دارالفکر.
- مصباح یزدی، محمد تقی، در جستجوی عرفان اسلامی، قم، ۱۳۹۰ش، چاپ چهارم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ره‌توشه (۲ج)، قم، ۱۳۹۱ش، چاپ ششم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (۱۴ج)، بیروت، بی تا، چاپ سوم، دار الکتب العلمیه
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (۲۷ج)، قم، ۱۳۷۷ش، چاپ هشتم، صدرا
- مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، قم، ۱۴۱۳ق، چاپ اول، الموتر العالمی لالیفیه الشیخ المفید
- مهدوی کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، تهران، ۱۳۹۳ش، چاپ پنجم، دانشگاه امام صادق علیه السلام



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
موسسه پژوهش‌های قرآنی و حدیثی

زن در اسلام، رکن هسته خانوادگی توحیدی

اسماء حمیدان پور^۱

طاهره سادات طباطبایی امین^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۱۵

صص ۷۳-۵۵

چکیده

حق تعالی جلوه‌ای از جمال خود را در زن به تجلی آورده است. او در تعیین سرنوشت جامعه، نقش اساسی دارد و هرگونه منشی که داشته باشد، تأثیر ماندگار بر فرزندان و همسرش خواهد گذاشت. برخلاف تعریفی که فرهنگ ظلمانی مدرنیته از زن و نقش او ارائه کرده و اینکه جایگاه مهمی را که زن باید در نظام هستی باید داشته باشد نادیده گرفته، زن مسلمان خود را فانی در هسته توحیدی خانواده می‌بیند و با انجام تکالیف و از خودگذشتگی و پاسخ به تمنیات همسر و فرزندان، هویت خود را در آن جست‌وجو می‌نماید. محبوب شدن خدمت زن به خانواده در برابر کسب درآمد اقتصادی از شاخصه‌های فرهنگ غربی است. گمشده‌ی جهان معاصر خانوادگی توحیدی است و عامل برپاداشتن آن، داشتن روح بندگی است. در خانوادگی توحیدی خداست که حاکم است و این رمز سکنی یافتن اعضای آن است.

کلید واژه‌ها: زن، مرد، خانوادگی توحیدی، قدرت، مدرنیته، سرمایه‌داری.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر قرآن دانشکده علوم و فنون قرآن تهران asv.arsh@yahoo.com

^۲ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم tabatabaei.amin@gmail.com



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب قرآن و سنت

مقدمه

هدف از ایجاد و خلقت انسان، رسیدن به کمال است و هر موجودی برای رسیدن به کمال مسیر خاص خود را طی می‌کند تا به لقاء الله برسد. انسان، دو جنس زن و مرد دارد که هر دو در طی این مسیر یکسان هستند ولی به علت تفاوتی که در بعد جسمی و جنسی دارند، مسیر کمال آنان در بعضی موارد یکسان نیست، و این موضوع نیاز به بررسی دارد.

در شرایط دوران جدید، باید تعریف درستی از زن وجود داشته باشد تا تعریف فرهنگ مدرنیته از زن، بر او غالب نشود. باید دید فرهنگ تاریک مدرنیته برای خانواده چه مشکلاتی ایجاد کرده است و احیاء کردن خانواده از چه طریق می‌تواند منجر به عبور از آن و بازگرداندن آموزه‌های فطری به خانواده شود و دین اسلام چه سبکی در زندگی را برای تشکیل یک خانواده‌ی توحیدی پیشنهاد داده است.

در نگاه فمینیستی به زن، کسب «قدرت» در جامعه جایگزین زیبایی «خدمت» در خانواده شده است. چنانکه که در مقاله "زن، قدرت و خانواده" نیز اشتغال زنان، به عنوان یکی از عوامل موثر در ارتقاء جایگاه زنان در هرم قدرت در خانواده عنوان شده است. (باقر ساروخانی، زن، قدرت و خانواده، مجله "زن در توسعه و سیاست"، شماره ۱۲، از صفحه ۲۹ تا ۵۰). این نکته از نکات دقیقی است که باید به آن پرداخته شود و نقطه نظر مخالف با آن بررسی شود.

در این پژوهش نگارنده با استفاده از روش بنیادی کتابخانه‌ای به تحلیل و بررسی ماهیت زن در خانواده‌ی توحیدی پرداخته و چگونگی حضور او در جایگاه حقیقی خود را با توجه به قرآن و روایات مورد مطالعه قرار داده است و به دنبال پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است: ماهیت زن چیست؟ مدرنیته و دنیای جدید چه اثری بر روی زن و خانواده داشته است؟ از نظر اسلام زن چه



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آموخته‌ها و آوان سنت

جایگاهی در خانواده دارد؟ اشتغال و کسب درآمد اقتصادی برای زن قدرت و ارزش به حساب می‌آید یا خدمت در خانواده؟ زن و مرد چگونه می‌توانند در شکل‌گیری یک خانوادگی توحیدی اثرگذار باشند؟

۱. هویت زن

فرهنگ مدرنیته، عالم جدیدی را برای انسان معاصر پدید آورده که در ظلمات آن همه چیز گم شده است. در دنیای جدید، انسان تعریف دیگری از خود دارد و به تبع آن زن نیز معنی دیگری به خود گرفته که اگر زمینه‌ی مناسبی برای ارتباط با او فراهم نشود؛ با نگاه‌های گذشته باقی نمی‌ماند و موجب بحران خانواده و جامعه می‌شود، و این در حالی است که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: "الجنة تحت اقدام الأمهات" (قضای، ۱۳۶۱: ۶۱) [بهشت زیر پای مادران است] و اگر مادران جامعه درست عمل نکنند؛ جامعه به جهنمی تبدیل می‌شود که نه مرد می‌تواند به غایت خلقت خود برسد و نه زن.

ریشه‌ی فروریختن خانواده در دوره‌ی مدرنیته را باید در امانیسم یا خودبنیادی بشر جستجو کرد. اگر انسان افق وجودی خود را درست نشناسد جایگاه دستورات الهی را در رابطه با حقوق زن و مرد نمی‌شناسد و نگاه درستی به ماهیت زن ندارد.

زن در نگاه قرآن در بعد روحی و جسمی از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است و هر دو جنس در گوهر و ماهیت یکسانند. قرآن می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً" (نساء/۱) [ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت] ولی در عین حال هر موجودی مظهر نامی از نام‌های الهی است؛ زیرا خلقت که از اوصاف فعلی



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت‌خانه تهران، آرموزه لاوان سنت

خداوند است عبارت است از تجلی خالق در چهره مخلوق های گوناگون (جوادی آملی: ۱۳۸۷، ۲۱). ماهیت زنان بر اساس لطافت و ظرافت خاصی نهاده شده است که این موضوع هماهنگ با منزلت او و مسئولیت‌هایی است که از وی انتظار می‌رود. لطافت زنان کانون مهر و محبت است این خود نوعی نگرش مثبت و ارزشی، نسبت به مقام زن است (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴، ۳۵۳).

زن در اسلام موجودی نقش‌آفرین است. در صورتی که به جایگاه توحیدی و حقیقی خود دست یابد می‌تواند در دامن خود انسان‌هایی (همسر و فرزندان) را پروراند که شایستگی خلیفه الله شدن را داشته باشند و این هدف رسالت پیامبران است. "زنها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زنها نیز انسان سازند. وظیفه زنها انسان سازی است. اگر زهای انسان ساز از ملتها گرفته بشود، ملتها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد. (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۳)

۲. زن و سازگاری

در یک زندگی سالم اسلامی، تمنا از طرف مرد و پذیرش تمنا از طرف زن مطرح است. برای تشکیل خانواده هرکدام از زن و مرد، وجوهی از ابعاد شخصیت خود را در راستای احیاء خانواده از فردیت خارج می‌کنند و غرق جنبه اجتماعی خانواده می‌نمایند. اگر زن و مرد آن جنبه‌ی فردیت خود را که در مقابل خانواده باید نفی شود، نفی نکردند، کارشان به مقابله با همدیگر می‌انجامد. دیگر نه کار زن، پذیرش تمنای مرد خواهد بود و نه مرد، نسبت به آن زن و خانواده احساس مسئولیت می‌کند، و ناخواسته کانون ارتباط آن دو به عنوان اعضاء خانواده ویران می‌شود. خود گمشده‌ی انسان در قبول تمناهای همسرش پیدا می‌شود، البته باید تاکید کرد که چون موضوع بحث ما زن است این موضوع را بیشتر از منظر او بررسی خواهیم کرد.



دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی و آموزشی در حوزه خانواده و سلامت

وفق دادن خود با همسر یکی از راه‌هایی است که می‌تواند در ایجاد همدلی و درک متقابل و همیشگی زن و شوهر کارساز باشد (پیرو، ۱۳۹۳: ۲۷۲).

اگر زن هویت گم شده خود را در پذیرش تمناهای مرد پیدا کند و مرد را در این پذیرش تمنا کمک کند تا بتواند مسئولیت اداره خانواده را، که کُلش به عهده‌ی مرد است، خوب انجام دهد، این زن در این شرایط به یک موفقیت بزرگ دست پیدا کرده است. وقتی انسان به جای خدا، محور شد و «من»‌های زن و مرد به میدان آمد در این حالت هیچ وقت کانون خانواده به طور واقعی شکل نمی‌گیرد. چون بالأخره یک نفر باید مسئولیت کلی خانواده را بر اساس اصولی که شریعت تعریف کرده است به عهده بگیرد و دیگری جهت موفقیت آن مدیریت، باز بر اساس اصولی که شریعت تعریف کرده، ظرائفی را که در توان دارد به‌کار بندد تا آن خانواده به عنوان یک واحد توحیدی شکل بگیرد و جلو رود (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۳۲).

در فرهنگ غربی به اسم احقاق حقوق زن و جنبش فمینیسم، منیت زنان بزرگ شده است و آنان را از هویت حقیقی خود محروم کردند و دشمن واقعی روحیه مادری و ایثار زنان شدند و در نتیجه خانواده از داشتن محیطی گرم که فقط با ایثارگری زنان بدان دست می‌یافت، محروم شد.

اگر در خانواده دو من پیدا شد و هر دو همسر خواستند رئیس باشند، دو رقیب می‌شوند روبه روی هم. اما وقتی مرد احساس کرد تلاش‌های روزانه‌ی او در خانه به ثمر می‌نشیند و زن خانه نه تنها مانع و رقیب مسئولیت او در خانه نیست بلکه یار و همراه اوست، با تمام امید کار می‌کند تا این خانه سر پا بماند. ولی اگر چنین برداشتی نداشت، احساس می‌کند مثل حمال‌ها دارد بیگاری می‌کشد و خود را مجبور به این بیگاری می‌بیند. اگر تحلیل زن در زندگی چنین شد، او نیز خود را کلفت همسر و فرزندانش حس می‌کند و خود را شکست خورده می‌بیند. در حالی که زن وقتی در



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب و سنن

وجود اصیل خود قرار داشته باشد، به چیزی ماوراء این نظر می‌کند، و جاروب کردن و تیمار کردن فرزندان را عین زندگی می‌بیند.

ازدواج یک امر مقدس و عبادت تلقی شده چون اولین قدمیست که انسان از خودپرستی و خود دوستی به سوی غیر دوستی برمی‌دارد. موجود دیگری کنار من قرار می‌گیرد و برای او معنی پیدا می‌کند، با عشق برای او کار می‌کند، زحمت می‌کشد، خدمت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۶۶).

بارش باران و برف یک‌طرفه است، تابش نور یک‌طرفه است، رویش یک‌طرفه است، ابراز وجود نیز یک‌طرفه است و مهر و محبت هم که سرچشمه‌ی هر رفتاری است جوشی یک‌طرفه است. انسان باید رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ باشد. هیچ زن و مردی در ابراز محبت و عقلانیت و انصاف و توانایی - های فردی خود و در مقابل انجام وظایف الهی خود نباید از دیگری اجر و تشکر بخواهد. این یعنی اینکه از هیچ‌کس توقع نداشته باشد و این بی‌توقعی مومنانه همان اخلاص در عمل است.

زن چهره‌ی اسم رحمت حق است و رحمت حق همیشه واسعه است، همین‌که شما از خدا چیزی بخواهید او جواب می‌دهد. اگر زن متوجه باشد که مظهر چنین اسمی است و خداوند از طریق اسم رحمان با او مرتبط است، بر اساس همان صفت با همسر و فرزندانش برخورد می‌کند و جنبه رحمانی خود را تقویت می‌نماید و به راحتی آماده پذیرش تمنای مرد می‌باشد. رحمانی بودن خداوند به این معناست که خداوند تقاضای بندگانش را رد نمی‌کند، مظهر این اسم به نحو خاص، زنان هستند که اگر شرایط طبیعی خود را حفظ کنند، روحیه‌ی خدمت بر قلب و روان آن‌ها غلبه پیدا می‌کند و در این رابطه بیشتر احساس بقاء و وجود در خود می‌کنند، رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ بودن با تکبر نمی‌خواند. تکبر یعنی حذف طرف مقابل و امکان بروز را از او سلب کردن، در صورتی که زنان در جان خود طالب ایجاد شرایطی هستند که زمینه بروز دیگران فراهم گردد، هویت زن،



دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی و فلسفه حقوق در آئین اسلام

حفظ این روحیه است و با پذیرفتن تقاضاهای منطقی همسرش جنبه‌های بالقوه این روحیه بالفعل می‌گردد و به عنوان یک سرمایه‌ی قابل پسند در جان زنان نهادینه می‌شود (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۴۳).

۳. زن و وظیفه‌ی شوهرداری

شوهرداری یعنی مواظبت و نگاه‌داری از شوهر؛ که نیازمند کاردانی، ذوق، سلیقه و زیرکی مخصوصی است. باید دل همسر را به دست آورد، مواظب اخلاق و رفتارش باشد، به کارهای نیک تشویقش کند، او را از کارهای بد منع کند، مواظب بهداشت و سلامتی و تغذیه‌ی او باشد و سعی کند از او انسانی آبرومند، محبوب و مهربان بسازد تا برای خانواده‌اش بهترین سرپرست و برای فرزندانش بهترین پدر و مربی باشد (امینی، ۱۳۸۸: ۲۶).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: "عُقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَ جَمَالُ الرِّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ" (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۲۸) یعنی زن موظف است یا می‌تواند عقل و اندیشه‌ی انسانی خود را در ظرافت عاطفه و زیبایی گفتار و رفتار و کیفیت محاوره و مناظره و چگونگی برخورد و حکایت و ... ارائه دهد؛ چنانکه مرد موظف است و می‌تواند خود را در اندیشه‌ی انسانی و تفکر عقلانی خود آشکار کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۳). اگر زن بدینگونه زندگی کند نتایج خوبی را مشاهده خواهد کرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: "جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ" (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۵) [جهاد زن خوب شوهرداری کردن است]. زن وظایفی دارد که عاقلانه باید آن را تشخیص دهد. او باید بداند اگر عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد. درست است که مرد از لحاظ هیكل قوی‌تر است، اما خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که کسی که در دیگری بیشتر نفوذ دارد، زن است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۸).



دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی در آموزه‌های قرآن و حدیث
۴. زن و اطاعت از همسر

در راستای مسئولیت کلی مرد، شریعت می‌فرماید: خروج زن از خانه باید به اذن و اجازه شوهرش باشد و زن هم به جهت بندگی خدا، از شوهرش اجازه می‌گیرد، نه به جهت فربه کردن من شوهر، چون هر دو بر اساس اصول شریعت الهی عمل می‌کنند و در مقابل خدا هیچ‌اند. بحث فربه کردن «من» مرد مطرح نیست، بحث احترام به مسئولیتی است که خداوند به عهده مرد گذاشته است. توصیه‌ای که دین به زنان می‌کند این است که حرف همسران خود را بشنویید ولی برای خدا. وقتی روشن شد به خاطر حکم خدا حرف او را می‌شنوید دیگر «من» همسران فربه نمی‌شود بلکه مسئولیت او بیشتر می‌گردد. اختلاف و دوگانگی وقتی است که هر کدام یک من جداگانه داشته باشند. نه آن‌که هر کدام من خود را در وظایف شرعیه ذوب کرده باشند. وقتی من وسط باشد آن که قدرتش بیشتر است حاکم می‌شود و آن که ضعیف‌تر است محکوم می‌گردد (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۳۲).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: "لو كنت أمرا أحدا أن يسجد لأحد لأمرت النساء أن يسجدن لأزواجهن لما جعل الله لهم عليهن من الحق" (پاینده ۱۳۶۳: ۶۵۱) [اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کند به زنان دستور می‌دادم به شوهران خویش سجده کنند، از بس که خدا برای شوهران حق به گردن زنان نهاده است].

در این جا سجده کردن، منظور سجده به مرد نیست بلکه سجده به مدیریتی است که با پذیرفتن آن، خودش را در هسته‌ی توحیدی خانه فانی کرده، و عملاً این نوع سجده یک نوع احیای حیات معنوی است و سیر به سوی حیات طیب است. در چنین فضایی است که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: "مهنة إحدانك في بيتها تدرک جهاد المجاهدین إن شاء الله" (پاینده ۱۳۶۳: ۷۴۷) [ای



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
درآموزه‌ها و آوازه‌ها

زنان! هر یک از شما با اشتغال در خانه خویش اگر خدا خواهد ثواب مجاهدان خواهد یافت. چون در فضای خانه‌ی توحید راه انسان به سوی آسمان معنویت به خوبی گشوده شده است.

وصول به مقام قرب الهی، تنها در سایه‌ی انجام وظیفه، امکان‌پذیر است. هر که می‌خواهد به اوج سعادت و کمال خویش در دنیا و آخرت نایل آید، باید بنگرد که خداوند از او چه خواسته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۳۱). قوام بودن مرد و ریحانه بودن زن نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد. بلکه درست دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم، و مدیریت و کارکرد و محل اعتماد بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه‌ی دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شوند. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۴).

۵. زن محبوب دل مرد

در نتیجه این نوع بینش، فروتنی و تواضع زن کاری می‌کند که مرد، تمام دل و جان خود را به پای همسرش بریزد و عملاً روحش در برابر او خاضع شود، اگرچه در هر صورت، زن مطیع مرد است.

هنگامی که زن آداب همسررداری اسلامی را به خوبی رعایت کند، چنان محبوب دل مرد می‌شود که در حقیقت، او مالک می‌شود و مرد مملوک. یعنی اگرچه اعتباراً مرد، مالک و مدیر است، اما در عمل چون زن، دل مرد را خریده، روح او را در اختیار دارد و از آنجا که این تصاحب دل، در جهت الهی است و بر اساس آداب و روش‌های دینی و معنوی حاصل شده است، مرد را رشد می‌دهد و بالا می‌برد. خود زن نیز با مطلوب شدن، ارضا شده و روحش غنی می‌شود و با رشد دادن مرد، در مسیر رشد خود بیشتر پیش می‌رود. مسلماً چنین غنای روحی، از زن و مرد به



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت‌خانه تهران، آذر، ۱۳۹۰: ۹۸.

فرزندشان و از خانواده به اجتماع هم منتقل می شود و در نتیجه کل جامعه در جهت تکامل پیش می رود (میرزایی (لطفی آذر)، ۱۳۹۰: ۹۸).

آیت الله جوادی آملی در کتاب "زن در آئینه جلال و جمال" از جناب محی الدین آورده: هر مظهري که بیشتر جامع اسماء و صفات الهی باشد، بهتر خدا را نشان می دهد و زن در مظهریت خدا کامل تر از مرد است. زیرا مرد فقط مظهر قبول و انفعال است چون مخلوق حق است، اما زن، هم مظهر قبول و انفعال الهی است، هم مظهر فعل و تاثیر الهی؛ چون در مرد تصرف می کند و او را مجذوب و محب خود می سازد؛ و این تصرف و تاثیر، نموداری از فاعلیت خداست و از این جهت، زن کامل تر از مرد است (قیصری، ۱۴۱۶ ق: ۴۷۷).

۶. زن و ارزشمند بودن خدمت در خانواده در مقابل ارزش کسب توانایی اقتصادی

جنبش فمینیسم در سراسر جهان، با ترندهای گوناگون توانسته است زنان را از وظیفه اصلی خود یعنی مادری کردن و ایجاد تعادل و آرامش محیط خانواده جدا کرده و به کارهای ظاهراً مهم و در واقع نمایشی بگمارد. زنان در چنین شرایطی با فشار روحی و جسمی در خدمت پرکردن جیب های سرمایه داران قرار گرفتند.

سرمایه داران غربی متوجه شدند که در غرب نهضتی توسط زنان برای نجات خود از دست نظام سرمایه داری در حال شکل گیری است، زیرا انقلاب صنعتی با انگیزه استثمار کارگران به خصوص کارگران زن صورت گرفت، به این صورت که نظام سرمایه داری با هدف داشتن کارخانه های بزرگ طالب کارگرانی بود که دست مزد بسیار کمی داشته باشند و زنان جهت این امر بیشتر مورد هدف بودند و بر اساس همین نقشه شعار آزادی زنان را سر دادند، ولی قصد آنها آزادی زنان از نظام خانواده بود تا آزاد از امر و نهی شوهرانشان بتوانند در اختیار برنامه سرمایه داران قرار گیرند.



دفتر مطالعات و پژوهش‌ها در امور زنان و خانواده

پس از دویست سال ظلم و استثمار، همان فرهنگ سرمایه‌داری متوجه خود آگاهی زنان غربی شد که بنا دارند خود را از بند سرمایه‌داران آزاد کنند پس به اسم احیاء حقوق زنان فرهنگ شهوت‌زدگی نهادینه شد، به طوری که امروزه شعار آزادی زنان مساوی با آزادی زنان در بی‌بند و باری است. و این در حالی است که بقای اسلام در جامعه‌ی اسلامی به حفظ خانواده است، به آن روشی که اسلام مطرح کرده.

روژه‌گاردی می‌گوید: "در نظام سرمایه‌داری نه تنها کار زنان در خانه جزء تولید ناخالص ملی به حساب نمی‌آید، حتی وقتی زنان از کار بی‌مزد خانه فارغ می‌شوند و مایل به انجام کار در خارج از خانه هستند در اکثر موارد کم درآمدترین و بی‌کیفیت‌ترین کارها به آنان واگذار می‌شود. در فرانسه کمتر از ۴٪ رؤسای مؤسسات زن هستند، در عوض ۷۰٪ کارمندان ادارات و ۸۰٪ پرسنل خدماتی را زنان تشکیل می‌دهند. در مجموع مزد زنان ۳۰٪ کمتر از مزد مردان است" (گارودی، ۱۳۷۹: ۱۸). زنان ما نباید بر خلاف فرهنگ اصیل ملی و دینی خود، در مسائل فرهنگی از فرهنگ غرب الگو بگیرند و به جای الگو قرار دادن بزرگان دین و ادب و فرهنگ خود که بیش از هر چیز در عرصه‌ی تربیت فرزند و همدلی با شوهر خود و حفظ امنیت و ثبات و آرامش روانی خانوادگی تلاش می‌کردند، ارزش‌ها را با توانایی اقتصادی برابر بگیرند.

زن‌هایی که شاغلند بیشتر از مردها زیر فشار کار هستند زیرا فشار ناشی از کار بیرون بار آن‌ها را دو برابر کرده است. سر کار باید به اندازه‌ای که می‌توانند زحمت بکشند اما در مراجعت به خانه هم باید تحت تاثیر غریزه همچنان از خود مایه بگذارند. برای زن دشوار است که وقتی به خانه می‌آید مسایل کاری روزانه‌اش را فراموش کند. برای او دشوار است که در منزل آرام بگیرد زیرا او اینگونه برنامه‌ریزی شده است: "آشپزی بیشتر، نظافت بیشتر، مهر و محبت بیشتر، از خود گذشتگی



دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی در آموزه‌های قرآنی و فقه اسلامی

بیشتر، مراقبت بیشتر، فداکاری بیشتر، کار بیشتر". کارهایی که زمانی تمام لحظات روز یک زن را پر می‌کرد، اکنون باید در ظرف چند ساعت انجام شود (گری، ۱۳۸۱: ۲۲).

خداوند در قرآن در مورد خانواده و تعریف صحیح آن و این‌که جایگاه زن و مرد در خانواده جایگاه خاصی است، می‌فرماید: "وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ" (نساء ۳۲) [و نعمت‌ها و مال و ثروتی که خدا به سبب آن برخی از شما را بر برخی برتری داده آرزو مکنید. برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان هم از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است. و از بخشش خدا بخواهید، یقیناً خدا همواره به همه چیز داناست.]

مرد در مرد بودنش اگر فعالیت کند در همان راستا نتایجی به‌دست می‌آورد و از زندگی بهره‌اش همانی است که بر اساس تلاش به‌دست می‌آورد. زن هم در زن بودنش اگر تحرک و تلاش بکند در همان راستا از زن بودنش بهره‌ی لازم را می‌برد. خداوند کمالاتی به مرد داده است که مرد از طریق همین کمالات می‌تواند از زندگی‌اش نتیجه بگیرد. یک کمالاتی را هم به زن داده است که او هم از همان طریق می‌تواند کمالات مخصوص به خودش را به‌دست آورد (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۶۲).

"إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانٍ" [زن گلی خوش‌بوست، نه یک قهرمان] (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۰۵). وقتی یک سازمان بخواهد اداره شود باید کارها تقسیم شود، در این راستا کارها باید بر اساس استعدادهای افراد تقسیم شود تا هر کس در انجام وظایف خود احساس آرامش کند. قرآن فرموده: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ" (نساء ۳۴) [مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، به جهت آن‌که مردان از مال خود برای زنان خرج می‌کنند]. یعنی بر



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در امور زنان و مسکن

اساس آن که به هر کدام برتری‌هایی دادیم، در همان راستا و به جهت آن که مردان مسئول امور اقتصادی خانه‌اند، مسئولیت خانه به عهده‌ی مردان است. چون زنان مسئول تربیت روحی خانواده-اند باید گرفتار مسائل اقتصادی نباشند تا بتوانند با روحی آرام و وظیفه خود را انجام دهند. در ادامه آیه می‌فرماید: "فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ" (نساء ۳۴) [پس زنان شایسته و درست کار فرمانبردارند و در برابر حقوقی که خدا نهاده است، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می‌کنند]. یعنی بعد از این که فرمود مردان قوام زنان هستند، زنان مؤمنه را مطرح فرمود تا ارزش آن‌ها را در حقیقت بندگی نشان دهد. برای مردان فرمود: "بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ" و برای زنان در آخر آیه اخیر فرمود: "بِمَا حَفِظَ اللَّهُ" به خاطر آن که خداوند با مسئولیتی که بر عهده مردان گذارده حقوق زنان را حفظ کرده است. وقتی ما آیات ۳۲ و ۳۵ سوره نساء را کنار بگذاریم دیگر جایگاه زن گم می‌شود وقتی اقتصاد بازار بر اقتصاد پایه برتری پیدا کرد اعتبار و موقعیت زن در تمام سطوح زندگی اجتماعی خدشه‌دار می‌شود. در درون خانه «خدمت» حاکم است و نه «قدرت» و اگر قدرت ملاک ارزش‌ها شد دیگر خانه و خانواده معنی خود را از دست می‌دهد. مادر ایثارگر در مقابل خدمت شبانه روزی خود پولی دریافت نمی‌کند، این درحالی است که در منظر نظام سرمایه‌داری، همه‌چیز با پول ارزش‌گذاری می‌شود. اگر ارزش‌ها را پول تعیین کند ظرائف بسیار مهمی که از وجود هوا برای حیات ما مهم‌تر است، مورد غفلت قرار می‌گیرد و اگر ارزش زنان هم به پول شد، مردها می‌توانند پول‌دارتر باشند پس با ارزش‌ترند و لذا ارزش‌های مردانه ملاک ارزیابی زنان قرار می‌گیرد (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۷۵).

از نظر اسلام بودجه‌ی زندگی زن بر عهده‌ی مرد است و مرد هیچ گونه تسلط اقتصادی و حق بهره‌برداری از نیرو و کار زن ندارد (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۰۷).



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌های قرآن و حدیث

آنچه بیش از هرگونه حقوق و مزایای اجتماعی و ارزش‌های مادی و عادی حرمت دارد، آن است که زن در عین فراگیری علوم و فنون سودمند اسلامی، پرورش نسل آینده و انسان‌های واقعی و امت اسلامی، مدیریت داخلی خانواده که رکن اصیل جامعه‌ی اسلامی است را به عهده دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۲۳).

از طرفی باید ذکر کرد که اسلام نگاهی دو سویه به زن دارد و او می‌تواند در صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی مناسب که با وظایف خانوادگی او و همسررداری وی در تضاد نیست حضور یابد.

۷. زن در خانواده ی توحیدی

ریشه‌ی فروریختن خانواده در دنیای مدرن و در فرهنگ مدرنیته را باید در اومانیسیم یعنی اصالت بشر و خودبنیادی او دانست که عبارت است از اصالت دادن به نفس اماره، در مقابل اصالت دادن به بندگی خدا. این فرهنگ بشر را به‌جای خدا، ملاک همه‌ی بدی‌ها و خوبی‌ها می‌داند و «بد» چیزی است که بشر نخواهد، و «خوب» چیزی است که بشر بخواهد.

از دیدگاه فمینیسم، نقش جنسیتی، یکی نقش مادری و دیگری نقش همسری است، و چون زنان این دو نقش را پذیرفته‌اند مورد ظلم قرار گرفتند و فمینیسم از این طریق موجب بحران خانواده شد و به تبع آن عامل اضمحلال اخلاق و رشد فحشاء گشت، درحالی که خانواده بهترین شرایط برای تعالی روح زن بود و با ساختار جسمانی زن بیشتر هم‌خوانی داشت.

"وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ" (روم ۲۱) [و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آوازه‌ها

شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.]

خانواده مرگب از اجزای پراکنده‌ای که در کنار هم آمده باشند نیست، بلکه جمع یگانه‌ای است برای زندگی و پایداری در زیر پرتو مودت و رحمت حق. یعنی جمعی که امکان پرورش خود را همواره در چشمه‌سار آرامش جستجو می‌کنند و مسلم با پذیرش تمدن غربی یا اومانیسیم که ناخودآگاه در روح و روان افراد غیر موحد جریان می‌یابد، خانواده باقی نمی‌ماند.

اولین نتیجه ازدواج این است که انسان، دیگر برای «خود»ش نیست. با ازدواج، یک هسته توحیدی تشکیل می‌شود که هر عضوی فانی در آن هسته است و هویت خود را در هویت هسته توحیدی خانواده می‌جوید. «خانواده» به معنای حقیقی‌اش عین توحید است، همان‌طور که صفات الهی در ذات حضرت حق فانی است و کثرت صفات، او را از مقام وحدانی خارج نمی‌کند، یا همان‌طور که انسان موحد با ظهور نور احدی از خود چیزی نمی‌بیند؛ توحید خانواده نیز یعنی نفی فردیت فرد در جمع. انسان در مقابل حضرت رب‌العالمین خودی ندارد. استغراق در حاکمیت حکم خدا را «توحید» می‌گویند، چون در آن حالت انسان از خود، فانی و به حق باقی می‌شود. خانواده هم به عنوان یک واحد توحیدی، ابتدا فردیت فرد را در خود فانی می‌کند، سپس شخصیت جمعی مخصوص آن خانواده را در او احیاء می‌نماید، نظیر وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۲۳۱).

نکاح در همه‌ی وجود، سریان دارد، این سریان به واسطه‌ی حرکت قدسی و حبی در مراتب کلی وجود است (حسن زاده آملی، ۱۳۹۰: ۳۹).

شرایطی که خداوند طبق آیه‌ی که ذکر شد بین دو همسر ایجاد می‌کند طوری است که هر یک از آن‌ها دغدغه‌ی کمال دیگری را دارد و به توحیدی شدن خانواده می‌اندیشند. در یک خانواده



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌های قرآن و حدیث

سالم، اگر آدم چشمش باز باشد و به این امر دقت کند، می‌بیند که چه زن و چه مرد هرکدام به نوبه خود شدیداً برای استوانه‌ی خانواده دل می‌سوزانند و ایثار می‌کنند، سعی در نفی خودخواهی‌های خود دارند و هزاران تلاش از این نمونه انجام می‌دهند.

وظیفه‌ی هرکدام از زن و مرد است که این محبت خدادادی را نگه دارند. «انس با همسر» در خانواده شور و نشاطی پدید می‌آورد که هیچ‌چیز دیگری جای آن را نمی‌گیرد. اگر همان‌طور که خداوند تعیین فرموده است همسران به حقوق یکدیگر احترام بگذارند آن محبت اولیه باقی می‌ماند (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

ماهیت خانواده، ایجاد کردن فضایی برای سکنی گزیدن است، و در نتیجه‌ی آن است که انسانیت خود را می‌سازد و قادر به تفکر است و رشد می‌کند. در غیراین صورت دچار اضطراب و روزمرگی می‌شود.

اگر این فضا ویران شد دیگر هیچ‌کس با حضور در خانه احساس عبادت نمی‌کند. زن همین که مدت کمی در خانه می‌ماند، خسته می‌شود؛ چون فضا طوری نیست که احساس عبادت کند و بتواند وصل به آسمان باشد و سکینه‌ی لازم برایش ایجاد شود، به همین جهت ملاحظه می‌کنید زنان امروزه بیش از این که در خانه باشند در کوچه و خیابان‌اند (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۲۰۳). در حالی که انس در ازدواج، تنها عاملی است که سبب اخراج از ظلمت قوه، نقص، رذایل، معاصی و اوهام است و به نور فعلیت، کمال، فضائل، طاعات، تعقل و هدایت می‌شود (میرزایی (لطفی آذر)، ۱۳۸۶: ۱۸۹).



نتیجه

زن آیت حق و نشانه‌ی قدرت و حکمت خداوند متعال است و جلوه‌ای از جمال الهی را به نمایش گذاشته است. زن مظهر مهر و محبت و عاطفه است و این صفات اساس همسررداری و تربیت نسلی صالح و رشد خانواده می‌باشد.

زیبایی ازدواج در این است که انسان با حرکت در مسیری که خدا برای او مقرر کرده می‌تواند نقص‌هایش را برطرف نماید و بسیاری از کمالات و استعدادهای درونی خود را ظهور دهد. با ازدواج صفاتی از جمله صبر، ایثار، تحمل، صداقت، خالقیت و رزاقیت در انسان ظهور می‌کند.

در عصر مدرن امروز که حرکات بشر بر پایه‌ی امانیسم شکل می‌گیرد، تعریف درست برای جایگاه زن باید برپایه‌ی الگوگیری از خصلت‌های فاطمه زهرا علیها السلام باشد. در این راستا هر کدام از زن و مرد باید وجوهی از ابعاد شخصیت خود را در راستای احیاء خانواده از فردیت خارج کنند. زن با پذیرش تمناهای مرد، خوب همسررداری کردن و رعایت حقوق مرد، در دل او نفوذ کرده و در اداره‌ی خانواده اثرگذار است و در عین حال مرد را در انجام مسئولیت اداره خانواده یاری می‌رساند. زن مسئول اداره‌ی داخلی خانواده است و داشتن درآمد اقتصادی به وسیله‌ی کار کردن در بیرون خانواده، به خودی خود برای او ارزش به حساب نمی‌آید بلکه مهم‌تر از داشتن هرگونه حقوق و مزایای اجتماعی و ارزش‌های مادی و عادی آن است که زن در عین فراگیری علم دین، پرورش نسل آینده و انسان‌های واقعی و امت اسلامی، مدیریت داخلی خانواده که رکن اصیل جامعه‌ی اسلامی است را به عهده بگیرد.

گمشده‌ی جهان معاصر خانواده‌ی توحیدی است. حفظ خانواده با انس گرفتن با یکدیگر و درک آسمان غیب و انتظار برکات عالم قدس پدید می‌آید، و این‌که هریک از اعضاء سعی نماید خود را



دوستان عزیزان! در آموزه‌های قرآن و حدیث

دائماً در حضور حق احساس کند. در چنین خانواده ایست که در زیر سایه‌ی آن سربازان انقلاب جهانی اسلام ساخته می‌شوند.

در چنین خانواده‌ای مرد خانواده به کمک مشاوره صادق و دقیق و دلسوز یعنی همسرش، هیئت مرکز توحیدی خانواده را پایه‌گذاری می‌کند. پس عامل برپا داشتن خانواده‌ی اصیل، داشتن روح بندگی است. در خانواده‌ی توحیدی خداست که حاکم است و این رمز یگانگی در خانواده و سکنی یافتن اعضای آن است. پس زن و مرد باید دست در دست هم برای رسیدن جامعه به افق‌های متعالی، نسبت به ایجاد جایگاه حقیقی یکدیگر نهایت تلاش خود را به کار ببندند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه (۱۴۱۴): قم: هجرت، چاپ اول.

ابن بابویه، محمد ابن علی. (۱۳۷۶): "امالی للصدوق"، تهران: ناشر کتابچی، چاپ ششم.

امینی، ابراهیم. (۱۳۸۸): "همسررداری"، قم: مرکز چاپ و نشر حوزه علمیه قم، چاپ بیست و هفتم.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۶۳): "نهج الفصاحه"، تهران: ناشر دنیای دانش، چاپ چهارم.

پیرو، صدیقه. (۱۳۹۳): "روش‌های کاربردی رفتار با شوهر"، تهران: رسانه تخصصی، چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷): "زن در آینه جلال و جمال"، قم: نشر اسراء، چاپ هفدهم.

حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۰): "فص فاطمییه"، تهران: ناشر الف میم لام، چاپ پنجم.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸): "بروید با هم بسازید"، تهران: نشر سروش ملل، چاپ پنجم.

خمینی، روح الله. (۱۳۷۸): "صحیفه نور"، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۴): "زن، قدرت و خانواده"، مجله "زن در توسعه و سیاست"، شماره ۱۲، صفحه: از ۲۹ تا ۵۰.

طاهرزاده، اصغر. (۱۳۸۷): "زن، آن‌گونه که باید باشد"، اصفهان: انتشارات لب‌المیزان، چاپ اول.

قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۳۶۱): "شرح فارسی شهاب الأخبار"، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم

- قیصری، داوود بن محمود. (۱۴۱۶ ق): "شرح فصوص الحکم": انوار الهدی، چاپ اول.
- کلینی، محمد ابن یعقوب. (۱۴۰۷): "کافی"، تهران: ناشر دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- گارودی، روزبه. (۱۳۷۹): "زنان چگونه به قدرت می‌رسند"، تهران: ناشر پرشکوه، چاپ دوم.
- گری، جان. (۱۳۸۱): "باهم برای همیشه"، تهران: نشر پیکان، چاپ پنجم.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱): "جامی از زلال کوثر"، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵): "تعلیم و تربیت در اسلام"، تهران: نشر صدرا، چاپ پنجاهم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸): "نظام حقوق زن در اسلام"، تهران: نشر صدرا، چاپ پنجاه و یکم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴): "تفسیر نمونه"، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳): "ترجمه قرآن (مکارم)"، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ دوم.
- میرزایی (لطفی آذر)، فاطمه. (۱۳۸۶): "آیین زندگی"، تهران: انتشارات پرتو واقعه، چاپ اول.
- میرزایی (لطفی آذر)، فاطمه. (۱۳۹۰): "جمال مستور"، تهران: انتشارات ارمان طوبی، چاپ اول.



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آراء و مقالات

تهدیدات تربیت دینی کودک و ارائه راهکارهای قرآنی و روایی

دکتر علی رجبی^۱

سمیرا احمدی نیاسر^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش ۹۶/۱۱/۱۵

صص ۱۰۶ - ۷۵

چکیده

امروزه آسیب‌های فراوانی تربیت دینی کودکان را تهدید می‌کند. این آسیب‌ها می‌تواند از ناحیه وراثت، محیط (خانواده، نهادهای آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، دوستان، نهادهای حاکم بر جامعه)، و یا از ناحیه منابع و محتوای تربیتی باشد. شناخت این آسیب‌ها و جنبه‌های منفی آن در فعل و انفعالات تربیتی، کم‌اهمیت‌تر از شناخت جنبه‌های مثبت نیست. شناسایی این آسیب‌ها که در طول مسیر تربیت دینی ظاهر می‌شود و رفع آنها بهبود نظام تعلیم و تربیت دینی را در نسل‌های آینده به دنبال خواهد داشت. هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل موثر در آسیب‌های تربیت دینی کودک و ارائه راهکارهای قرآنی و روایی برای تربیت هرچه بهتر فرزندان است. در این پژوهش تک‌تک عوامل شناسایی و آثار و پیامدهای منفی هر

^۱ استاد حوزه و دانشگاه Ru.rajabi@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد ahmadiniasar@gmail.com



دفتر مطالعات پژوهشی و فرهنگی
وزارت فرهنگ، ارشاد و ارتباطات

یک مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی را جهت مقابله با این آسیب ها ارائه می‌نماید. اطلاعات این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و جستجو در کتابخانه ها و پایگاهها و منابع اینترنتی جمع آوری شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد هرچند امروزه ممکن است خطراتی تربیت دینی کودکان را مورد توجه قرار دهد؛ اما ما می‌توانیم با شناسایی به موقع آنها و به کار بردن شیوه‌های مناسب تربیتی که در قرآن و روایات به آنها اشاره شده است از جمله روش های زمینه ساز مانند: رعایت آداب معاشرت با همسر، تغذیه حلال مادر، رعایت آداب شیر دادن، انتخاب نام نیک، گفتن اذان واقامه در گوش نوزاد و روش های ایجابی مانند: محبت، تشویق و تنبیه، تکریم شخصیت، تلقین، عادت دادن، بازی، موعظه و روش های اصلاحی مانند: تغافل، پرهیز از عیب جویی و پرهیز از استدلال های فراتر از توانایی کودک، در تربیت صحیح کودکانمان تاثیر گذار باشیم.

کلید واژگان: قرآن، حدیث، تهدیدات تربیتی، تربیت کودک.

مقدمه

دوران کودکی بسیار حائز اهمیت است. امروزه تربیت دینی کودکان محصول کارکرد تمام خرده سیستم های فرهنگی - تربیتی اعم از خانواده، مربیان، رسانه های جمعی، گروه همسالان، و محیط اجتماعی است که ممکن است تهدیدات و آسیب هایی در مساله تربیت ایجاد نمایند. برای نمونه از جمله آسیب های تأثیر گذار تربیتی می توان به ناآگاهی خانواده و مربیان از مبانی و روش های تربیتی، اعتقاد داشتن به آموزه های غربی، اختصاص وقت حداقلی به امر تربیت و... اشاره



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آموزه‌ها و آداب سنت

کرد. یک سری از آسیب‌ها نیز ناشی از پدیده‌های نوظهور مانند ماهواره، بازیهای رایانه‌ای، تلفن همراه، اینترنت می‌باشد که خود زمینه ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اخلاقی، اجتماعی و روانی است. پدیده‌های نوظهور با توجه به بسط و گسترش در میان کودکان، از جمله ابزارهای بسیار مهمی جهت القای تفکر خاص و جهت دهی آینده جامعه است. در حال حاضر، این‌ها در میان کودکان جای خود را به عنوان یک سرگرمی باز کرده‌اند؛ ولی در پشت این پرده رنگین، مقاصد و اهداف دیگری از ارائه آنها وجود دارد. لذا اگر به سبک زندگی اسلامی توجه نشود کودک روش زندگی ناهنجار غربی را از این رسانه‌ها می‌آموزد و این ابزار به مرور زمان ذهن کودکان را از معارف اسلامی پاک می‌کند. پس برنامه ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش این آسیب‌ها لازم و ضروری است. دین اسلام نیز با این گونه آسیب‌ها و تربیت‌های نادرست مخالف است و به جای آن روش‌های سالم والگوه‌های عینی در دسترس مخاطبانش قرار می‌دهد که با به کارگیری آنها فرزندان به بهترین روش پرورش یافته و در آینده دچار سستی ایمان، اعتقادات و فرهنگ اسلامی نمی‌شوند.

این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که تهدیدات تربیت کودک در عصر کنونی چیست و راهکارهای قرآنی و روایی آن با رویکرد استفاده بهینه از ابزارهای نوین تربیتی کدامند؟

تهدیدات تربیتی

تهدیدات آن دسته عوامل مهم و مؤثری است که در روند تربیت دینی اختلال ایجاد می‌کند و تحقق آن را مشکل یا ناممکن می‌سازد. این تهدیدات ممکن است ناشی از وراثت، محیط، تغذیه، مربیان، روش و محتوای تربیتی باشد.



دفتر نشر و مکتوب‌های پژوهشی
تهدیدات ناشی از وراثت

برخی آسیب‌های تربیت دینی و اخلاقی فرزندان در وراثت ریشه دارند. هر چند در میزان تأثیر عامل وراثت در تربیت اختلاف است، اما در مجموع تأثیر آن غیر قابل انکار است. عامل وراثت از طریق ژن‌ها بر فرزندان تأثیر می‌گذارد و بسیاری از ویژگی‌های ظاهری و روانی والدین به کودکان منتقل می‌شود. (اسحاقی، سلوک علوی، ص ۱۳۸) این مطلب در قرآن بدین شکل بیان شده است آن‌جا که می‌فرماید: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنْ الْكَافِرِينَ ذَيَارًا» * إِنَّكَ أَنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوْا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فِجْرًا كَفَّارًا» (نوح / ۲۶ و ۲۷). در روایات نیز به تأثیر وراثت در شکل‌گیری شخصیت افراد اشاره شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کلامی می‌فرماید: «انظر فی آی نِصَابٍ تَضَعُ وَوَلَدَكَ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ»؛ بنگر فرزند خود را در کجا قرار می‌دهی که خون تأثیر خود را باقی می‌گذارد. (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۶۶). حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ». نیکوئی خویها دلیل گرمی بودن ریشه هاست. (آمدی، غررالحکم ودرر الکلم، ص ۳۴۶)

اسلام برای پیشگیری از وراثت‌های نامطلوب و به دنیا آمدن فرزندان ناقص و معیوب تعالیم و راهکارهای لازم را به پیروان خود ارائه کرده است. در قرآن آمده است که «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِمُوا لِنَفْسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (بقره/ ۲۲۳) یعنی نتیجه روابط زناشویی تولد فرزند صالح و توشه آخرت است. پیامبر گرانقدر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: « أَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَ أَنْكِحُوا مِنْهُمْ وَ اخْتَارُوا لِئَلْطَفِكُمْ » بکوشید همسران هم‌سطح و هم‌شأن را برای خودتان انتخاب بکنید و برای پرورش و رشد نطفه‌های خود بهترین‌ها را برگزینید. (مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۶)



تهدیدات ناشی از محیط

بسیاری از آسیب‌های تربیتی از عوامل محیطی مانند: خانواده، مربیان، نهادهای آموزشی، رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی اعم از رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره، دوستان و معاشران و نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه نشأت می‌گیرد که در این مقاله سعی شده به تک تک این عوامل پرداخته شود.

تهدیدات ناشی از خانواده ها

از خطراتی که خانواده‌ها را در امر تربیت تهدید می‌کند، سهل‌انگاری خانواده‌ها در امر تربیت دینی، شخصیت رفتاری والدین در ارایه الگوی عملی رفتار دینی به فرزندان، دوگانگی و تضاد در رفتار والدین، عدم نظارت دقیق و مراقبت نکردن بر روند فعالیت‌های فرزندان، بی‌توجهی به نیازهای جسمی (ناشی از فقر زیاد یا بی‌نیازی افراطی)، ناز پروردگی و تنعم در اثر افراط در محبت و نوازش‌های بی‌حساب، رفتارهای تحقیرآمیز با فرزندان، خشونت و سخت‌گیری‌های بی‌جا، تبعیض و بی‌عدالتی در رفتارها، توبیخ و سرزنش و ندادن آزادی در هفت سال اول زندگی می‌باشد.

در قرآن آمده: «یا ایها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وِ أَهْلِیکُمْ نَاراً وُتُودَها النَّاسُ وِ الْحِجَارَةُ» (تحریم ۶۷) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌ی خود را از آتش دوزخ نگاه دارید.» مفهوم «نگهداری خانواده از آتش» که ائمه اطهار علیهم‌السلام آن را به انجام امر به معروف و نهی از منکر تفسیر کرده‌اند، نقش نظارتی والدین نسبت به فرزندان را در بر می‌گیرد. و نگهداری خانواده نیز به وسیله تعلیم و تربیت درست و فراهم ساختن محیط پاک و به دور از هرگونه آلودگی فکری و



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌ها و آداب و سنن

عملی حاصل می‌شود؛ (ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۶) امام باقر علیه السلام فرمودند: «يَحْفَظُ الْأَطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ». «حفظ فرزندان از خطرات و انحراف‌ها در صلاحیت و شایستگی (وظیفه‌ی) پدران آن‌هاست.» (مجلسی، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۷۸) حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند وای بر فرزندان آخر الزمان از شیوه ناپسند پدرانشان. عرض شد یا رسول الله صلی الله علیه و آله پدران مشرکشان؟ فرمود: خیر پدران مسلمانی که چیزی از فرایض و احکام دینی را به فرزندان‌شان نمی‌آموزند و اگر هم خودشان بخواهند یادگیرند آنها را منع می‌کنند. (نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۶۲۵)

تهدیدات ناشی از مربیان

نبودن نظارت مستمر مربی بر مربی، به کارگیری شیوه‌های غلط در تربیت، رعایت نکردن سطوح سنی، جنسیتی و فرهنگی مربیان با آموزه‌های دینی، تطابق نداشتن گفتار مربی با عمل و رفتار، وجود نداشتن یا روشن نبودن آموزه‌های دینی و تعلیم غلط آموزه‌های دینی از جمله خطراتی است که ممکن است مربیان در مسیر تربیت به آن دچار شوند (میزگرد تعلیم و تربیت دینی، فصلنامه معرفت)، «اگر کودکان تضادی بین آنچه معلم می‌گوید و آنچه که عملاً انجام می‌دهد مشاهده کنند، آن‌ها آنچه را که می‌گویند نادیده خواهند گرفت و هر چه بیشتر، تحت تأثیر آنچه که انجام می‌دهد، قرار خواهند گرفت.» (کوهن، راهنمای عملی تدریس، ص ۳۰۸) در این باره، قرآن بیان داشته است: «اتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلاَ تَعْقِلُونَ » (بقره/۴۴) آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؛ با این که شما کتاب آسمانی را می‌خوانید؟! آیا شما نمی‌اندیشید؟



تهدیدات ناشی از نهادهای آموزشی (مهد کودک ها)

در این مقاله از میان نهادهای آموزشی فقط به مشکلات مهدها اشاره می‌کنیم. در برخی از مهدهای امروزی ما شاهد این مشکلات هستیم، تغییر کاربری آموزشی به تفریحی، عدم وجود برنامه‌ای مدون، قانونی و یکسان برای مهدها، بی‌اهمیت شدن نقش والدین و نایمن شدن مادر برای کودک، تقلیل آموزش دینی به یادگیری و حفظ آیات قرآنی، عدم برانگیختگی فکری کودک، عدم رعایت موازین اسلامی، ترویج اصول غیر اخلاقی. برای برون رفت از این مشکلات بهتر است نظامنامه قانونی برای مهدهای کودک تهیه و تدوین گردد.

تهدیدات ناشی از وسایل ارتباط جمعی

تلویزیون

مهمترین مشکلات ناشی از استفاده بیش از حد تلویزیون عبارت است از مشکلات جسمی مانند: اختلال خواب، پایین آمدن ضریب هوشی، تأخیر در توانایی تکلم، اختلالات بینایی و از مهمترین مشکلات تربیتی از بین بردن دوران کودکی، اختلال در رابطه والدین با فرزندان، جایگزینی تلویزیون به جای مربی، تخیل، ایجاد ترس‌های بی‌مورد، خشونت، انزوا طلبی، الگوگیری نامناسب، قبح زدایی از مفاهیم زشت، تغییر معنای واژه‌های مقدس و بلوغ زودرس کودکان است. (عباسی ولدی، من دیگر ما)

روند کنونی ویژه برنامه‌های کودک، نشان از پیرنگ شدن موسیقی بی‌هدف حرکات به اصطلاح موزون در این برنامه‌ها دارد. گاهی اوقات شعر و ترانه‌ای که خوانده می‌شود، بی‌معناست. که این



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

روند سبب تغییر ذائقه کودکان در انتخاب روش شادی و سرگرمی در آینده می‌شود. از سوی دیگر بعضی برنامه‌سازان با ظرافت‌های انسان‌شناسی اسلامی آشنا نیستند و بیشتر برای تهیه برنامه‌ها به الگوهای خارجی تکیه می‌کنند. از طرفی موضوعات برنامه‌ها در حد فهم و زبان کودکان نیست. برای رهایی از مشکلاتی که تلویزیون ممکن است ایجاد کند بهتر است، خانواده‌ها به کودکان بفهمانند که برنامه‌های تلویزیونی بیشتر داستان‌های ساختگی است و با اتفاقات واقعی فاصله دارد. اهداف و تأثیرات منفی تبلیغات بازرگانی را برای کودکان گوشزد کنند، تماشای تلویزیون را با توجه به سن کودک محدود و به جای تلویزیون جایگزین‌های جذاب قرار دهند. (رضاییان بیلندی، رسانه و نقش والدین در تربیت فرزندان)

بازی‌های رایانه‌ای

امروز بسیاری از کودکان ایرانی بخش عمده‌ای از وقت خود را به بازی‌های رایانه‌ای اختصاص داده‌اند. جذابیت بسیار زیاد، ارزانی قیمت، فقدان و یا کمبود سایر امکانات، گسترش امکان فروش بازی‌های رایانه‌ای از علل روی آوری کودکان به بازی‌های رایانه‌ای است. برخی از این بازی‌ها با اهداف ضد اخلاقی، اعتقادی و روان‌شناختی پی‌ریزی شده‌اند. از اهداف ضد اخلاقی این بازی‌ها می‌توان به لقاء روحیه خشونت، قبح‌زدایی از گناه، اصرار بر انجام خطا و گناه، نمایش صحنه‌های غیر مجاز اخلاقی، اشاعه فرهنگ برهنگی، ارایه نمادهای غیر اخلاقی یا ضد اخلاقی، اسوه‌سازی از شخصیت‌های غیر اخلاقی و از اهداف ضد اعتقادی به نفی یگانگی و قدرت خدا، نفی معاد و قیامت، تضعیف یا تحریف ظهور منجی، اسلام‌هراسی و از اهداف روان‌شناختی به تجربه منفی نسبت به نمادهای اسلامی و احساس شکست اشاره کرد. این بازی‌ها ترس



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی و آموزشی در اسلام و ایران

و وحشت همراه با هیجان، تبیل شدن ذهن، افزایش استرس و اضطراب، رفتارهای خشونت آمیز در بزرگسالی را به دنبال دارد.

هرچند در قرآن کریم به صورت مستقیم و با صراحت در باره بازی‌های رایانه‌ای مطلبی مطرح نشده است ولی از کلیاتی که در آیات ذکر شده است می‌توانیم حکم تولید بازی‌های انحرافی و مستهجن را استفاده کرد که در ادامه به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» (مائده/۷۷) بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگوئید! و از هوس‌های جمعیتی که پیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید». این آیه دلالت دارد که برخی از افراد چون خودشان گمراه شدند دیگران را نیز به گمراهی می‌کشاند که تولید کنندگان بازی‌های رایانه‌ای را می‌توانیم از مصادیق این گمراهان حساب کنیم. (صادقی، احکام بازی‌های رایانه‌ای) برای برون رفت از این مشکلات پیشنهاد می‌شود معیارهای استفاده از بازی‌های رایانه‌ای توسط والدین و مربیان تبیین شود، بازی‌های مناسب سن فرزندان خریداری شود، آسیب‌های بازی‌ها برای بچه‌ها تبیین شود، برای انجام بازی‌ها زمان مشخص تعیین شود، به کودکان وقت بیشتری اختصاص داده شود، از بازی‌های فکری و معمایی و نرم افزارهای آموزشی استفاده شود، والدین در انجام بازی‌ها کودکان را همراهی کنند، بازی‌های رایانه‌ای مناسب اخلاقی و آموزشی توسط متخصصان با انجام تحقیقات گسترده و میدانی ساخته شود.



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

اینترنت

جدایی فکری، عاطفی، بین والدین و فرزندان، در برخی موارد عمل کردن در جهت سلطه فرهنگی و ترغیب به ارزش‌ها و هنجارهای عمدتاً غیرمذهبی از آسیب‌های فکری، اجتماعی و فرهنگی اینترنت است. تعارض ارزش‌ها، اعتیاد به اینترنت، بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت، شکاف نسل‌ها، انحرافات اخلاقی و جنسی، افسردگی و انزوای فردی و اجتماعی (شجاعی، روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت، ص ۷) نیز از آسیب‌های اخلاقی استفاده بیش از اندازه اینترنت می‌باشد. از علائم و نشانه‌های آسیب‌های جسمانی هم می‌توان تیک‌ها، فشارهای عصبی، چشم درد، چاقی و انزوای اجتماعی، رکود فعالیت‌های معده، ایجاد چاقی، عدم جذب چربی‌ها، افزایش قند خون، کم شدن فعالیت کلی بدن و مشکلات تنفسی، افتادن سر شانه‌ها و خارج شدن ستون فقرات از حالت طبیعی را برشمرد. (حسینی، خانواده و اینترنت، ص ۳۰)

یکی از کارآمدترین راه‌ها برای مقابله با نکات منفی فناوری اطلاعات در فضای مجازی این است که کودک به گونه‌ای تربیت دینی شود که قلباً به طرف موارد ناشایست نرود. از راه‌های دیگر این است که فرهنگ استفاده از اینترنت به کودک آموزش داده شود. والدین باید هنگام استفاده فرزندان از اینترنت آنها را همراهی نمایند و به او گزینه‌های سالم را پیشنهاد دهند و هنگامی که از جنبه‌های مثبت اینترنت استفاده کرد او را مورد تحسین و تشویق قرار دهند.

شبکه‌های ماهواره‌ای

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نور/۱۹) همانا برای کسانی که دوست دارند گناه فاحش در بین مؤمنان شایع گردد (و محیط



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آموخته‌ها و آوان سنت

زندگی‌شان آلوده گردد) عذاب دردناکی است. در واقع از دیدگاه و منطق قرآن، باز گو کردن زشتی‌ها و ارایه و ترویج آنها، نهی شده است؛ زیرا موجب آشکار سازی زشتی‌ها و بر ملا شدن آن‌ها می‌شود. امام رضا (ع) می‌فرماید: آن کس که گناه را نشر دهد، رانده است و آن کسی که گناه را پنهان می‌دارد، مشمول آمرزش الهی است. (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۲۸) شبکه‌های ماهواره‌ای در قالب میان برنامه‌ها و آگهی‌ها، مظاهر ضد اخلاقی را تبلیغ می‌کنند و این گونه این رسانه به آرمان‌های تعالی بخش انسان‌ها و جوامع خدمت، خیانت می‌کند که در حال حاضر بیشترین خیانت ماهواره در ایجاد و رواج فساد و فحشا در میان نوجوانان و جوانان است. اگر برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای برای همه اعضای خانواده تورهای فکری پهن کرده و با پیام‌های ضد فرهنگی به دنبال اهداف خود هستند، بیشترین سرمایه‌گذاری را بر روی فکر کودکان انجام داده و فطرت پاک فرزندان را مورد آماج حملات خود قرار داده‌اند. ماهواره آموزشی است که به کودکی که قدرت تشخیص یا تفکیک واقعیت از افسانه را ندارد، ارزش‌ها، سبک زندگی، علایق و ارتباط جدید یاد می‌دهد. از تأثیرات منفی شبکه‌های ماهواره‌ای بر کودکان این است که کودک به نماینگ‌ها، موسیقی‌های کانال‌های ماهواره‌ای عادت می‌کند. تکرار برخی از تصویرها بر ضمیر ناخودآگاهش تأثیر گذاشته و وی را دچار مخاطره‌های روانی می‌کند. ماهواره خشونت و بی بندوباری را رواج می‌دهد و به علت غوطه‌ور کردن فرد به مسائل مادی او را از توجه به مسأله معاد و آخرت باز می‌دارد. (عباسی ولدی، محسن، بشقاب‌های سفره پشت بام مان)

با تقویت فرهنگ خودی، بومی، ملی و دفاع از ارزش‌های ملی، ارتقای سطح آگاهی خانواده در زمینه اثرات تخریبی ماهواره، برنامه ریزی مناسب برای اوقات فراغت کودکان، ترویج الگوهای



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

رفتاری مناسب، افزایش سطح دینداری و سطح درک و فهم فرزندان می‌توان با آسیب‌های ماهواره مقابله کرد.

تهدیدات ناشی ازدوستان وهمسالان

دوستان در شکل‌دهی به شخصیت کودکی نقش حساس و سازنده‌ای دارند رفیق ناسالم می‌تواند دوست خود را به صفات و ویژگی‌های ناپسند خود متمایل سازد. قرآن کریم درباره عواقب دوستی با ناهلان از زبان اهل جهنم چنین نقل می‌کند: «يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا» (فرقان ۲۷ تا ۲۹) قیامت روزی است که انسان ظالم و گناهکار، انگشت حسرت به دندان می‌گیرد و می‌گوید: ای کاش با پیامبر، دوست و همراه می‌شدم، وای بر من! کاش فلان شخص گمراه را به دوستی نمی‌گرفتم؛ او مرا از یاد و راه حق منحرف و گمراه کرد و مرا به خذلان و خواری کشاند. ائمه دین نیز درباره دقت و بررسی در گزینش دوست، سفارش‌های اکیدی دارند، چنان که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من اتَّخَذَ اخَا مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارِ الْجَاهِ الاَضْطِرَارِ الِى مِرَافَقَةُ الاَشْرَارِ» کسی که ناسنجیده با دیگران پیمان دوستی می‌بندد، ناچار باید به رفاقت اشرار و افراد فاسد تن در دهد. (برازش، المعجم المفهرس لالفاظ غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۶).

راهکار اساسی و مطمئن برای بهبود و اصلاح روند دوست‌یابی برای کودک و نوجوانی که در آغاز راه و در حال شکل‌گیری شخصیت است، انتخاب دوستان مناسب و باایمان است و در این راه، شناخت ملاک‌ها و شاخصه‌هایی برای دوست‌گزینی، یاری‌گر والدین است.



دفتر مشاوران و پژوهشگران
در آموخته‌ها و آموزان سنت

تهدیدات ناشی از نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی حاکم بر جامعه

آسیب‌های ناشی از ناحیه حکومت از آسیب‌های مهم در تربیت دینی است. عدم مشاهده رفتارهای عینی در متولیان جامعه دینی می‌تواند در هر سه جنبه از اهداف شناختی (مجموعه معارف و اعتقادات دینی)، اهداف عاطفی (تقید و پایبندی به ارزش‌های دینی) و اهداف رفتاری و عملی (عمل به آداب و فرایض دینی)، ایجاد اشکال و اختلال نماید. حکومت‌ها به فکر و عمل جامعه، جهت می‌دهند و اندیشه‌ها و باورهای خود را در میان مردم می‌گسترانند. سخن امام علی علیه السلام ناظر به همین مسأله است: «الْأَسُّ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» مردم در روش‌های اخلاقی و صفات اجتماعی به حکومت‌های خود بیشتر شباهت دارند تا به پدران خویش. (حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۰۷)

تاسیس یک نهاد و سازمان مستقل برای آسیب شناسی دینی جامعه، تبدیل آموزه‌ها و معارف ناب اسلامی به صورت مطالب کاربردی، پرورش مبلغین و معلمین آگاه به معارف دینی در حد نیاز جامعه. اصلاح رفتاری مسئولین نظام الگو سازی صحیح برای کودکان از جمله راهکارهای پیشنهادی در رفع آسیب‌های تربیت دینی نهادهای حکومتی است.

آسیب‌های ناشی از تغذیه (لقمه حرام)

امروزه تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی فرزندان، امری انکارناپذیر است. از نگاه دین اسلام و عقل سلیم آدمی، دوری نکردن از مال حرام در نیازهای مادی زندگی مورد نکوهش بوده و حرام است و اثرات سوئی بر جان و دل انسان می‌گذارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ» کسب حرام اثر خود را در ذریه‌ی انسان به جای خواهد گذاشت. (حرعاملی، وسائل



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌های قرآن و حدیث

الشیعه، جلد ۱۷، ص ۸۲) محمد ابن مسلم از امام باقر علیه السلام در باره آیه «و شارکهم فی الأثوالِ و الأولادِ» (مجلسی، محمد باقر. پیشین، ج ۵۷، ص ۳۴۲) سؤال کرد و عرض کرد که مشارکت شیطان در اولاد به چه معناست. امام باقر علیه السلام فرمود: «مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ شِرْكُ الشَّيْطَانِ قَالَ وَ يَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ حَتَّى يُجَامِعُ فَيَكُونُ مِنْ نُطْفَتِهِ وَ نُطْفَةُ الرَّجُلِ» یعنی هر مالی که از راه حرام به دست آید، شیطان در او شریک است. و اگر کسی اثرات این مال در وجودش باشد و همبستر شود، در نطفه به وجود آمده نیز شیطان شریک است. (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۹). آیت الله مظاهری در مورد تأثیر غذا می فرماید: غذای حرام در شقاوت اولاد تأثیر عجیبی دارد. غذای حرام، مال حرام، از هر آتشی بدتر است اگر نطفه بچه از غذای حرام منعقد شود رستگار شدن او کاری بس مشکل است. (مظاهری، تربیت فرزند از نظر اسلام، ص ۵۰)

بنابراین از آیات و روایات استفاده می شود که اگر بخواهیم فرزندان سالم، متدین، خوش خلق و ... داشته باشیم، ابتدا باید منبع اقتصادی نیازهای زندگی، حلال باشد و از لقمه حرام پرهیز شود تا تعلیم و تربیت اثر گذار باشد.

روش‌های تربیت اسلامی

مراد از روش‌های تربیتی، شیوه‌ها و رفتارهایی است که مربی جهت تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی، به کار می‌بندد. در حقیقت، روش‌های تربیتی مظهر و نمود بارز کار تربیت‌اند و بخش اعظم موفقیت مربی و یک نظام تربیتی، در گرو شیوه‌هایی است که او برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده و به کار می‌بندد. به همین جهت گزاره نیست اگر بگوییم که خطیرترین و دشوارترین مرحله از فرآیند تربیت، تعیین و تشخیص روش تربیتی و استفاده و به کارگیری صحیح و مؤثر آن



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های اخلاق و سبک زندگی

است. در اسلام روش‌هایی بیان شده که می‌توان آن‌ها را به سه دسته، روش‌های «زمینه ساز»، «اصلاحی» و «ایجادی» تقسیم نمود.

روش‌های زمینه ساز

برخی روش‌های مطرح شده در آیات و روایات، زمینه ساز تربیت صحیح می‌باشند که از مهمترین آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد.

آداب معاشرت با همسر

رعایت آداب معاشرت با همسر زمینه مناسبی را برای تربیت فرزند فراهم می‌کند چرا که چگونگی آمیزش زن و شوهر، تأثیر مستقیم در روح و جسم فرزند دارد. ذکر نام و یاد خدا، با وضو و طهارت بودن و دعا کردن قبل از آمیزش، موجب جلوگیری از دخالت شیطان در انعقاد نطفه می‌شود و از سوی دیگر آمیزش باید با آرامش قلب و اعصاب راحت صورت پذیرد، تا نطفه بدون اضطراب در رحم قرار گیرد. (راجا، روش‌های زمینه ساز تربیت فرزند از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام)

تغذیه مادر

موضوع غذا و تغذیه در قرآن کریم از اهمیت بسیاری برخوردار است در قرآن آمده است: «فلینظر الانسان إلى طعامه» (عبس/ ۲۴) انسان باید به غذای خویش بنگرد. یعنی انسان هنگامی که بر سر سفره می‌نشیند دقیقاً بنگرد که آنها را از چه راهی تهیه کرده؟ حلال یا حرام؟ مشروع یا نامشروع؟ و به این ترتیب جنبه‌های اخلاقی و تشریحی را مورد



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌ها و آداب سنت

توجه قرار دهد. در جای دیگر قرآن آمده: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید. خداوند در چهار آیه (بقره/۱۶۸ - مائده/۸۸ - انفال/۶۹ - نحل/۱۱۴)، «حَلَالًا طَيِّبًا» را آورده است. یعنی حلال و طیب باشد. غذای حلال در هنگام تشکیل نطفه تأثیر شگرفی روی فرزند دارد. بنابراین باید به تغذیه مادر در دوران بارداری توجه ویژه‌ای شود.

شیردادن کودک

پس از دوران جنینی، مهم‌ترین و سرنوشت سازترین دوران، دو سال زمانی است که کودک از شیر تغذیه می‌کند و نخستین گام‌های زندگی خود را در این دنیا بر می‌دارد. در آیات قرآن در چند مورد به بحث شیردادن کودکان اشاره می‌کند که یکی از این موارد آیه ۲۳۳ سوره بقره است که در آن خداوند با تفصیل بیشتری نسبت به سایر آیات در مورد آن صحبت می‌کند. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.» مادران، فرزندان را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد، حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی



وَفَضَّلْنَا بِرُؤُوسِهِمْ فِي الْأَمْوَانِ وَأَوَّانُوا مِنَّا

تامین نمایند] و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر باز گیرند، گناهی بر آنها نیست و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!

امام علی علیه السلام در اهمیت شیر دادن می‌فرماید: «ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکة علیه من لبن امه.» چیزی برای کودک سودمندتر و پربرکت‌تر از شیر مادر نیست. (حرّ عاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۷۵) در جای دیگر می‌فرماید: «الرُّضَاعُ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ»؛ شیر، سرشت آدمی را دگرگون می‌سازد» (مجلسی، پیشین، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳)

انتخاب نام نیک

خداوند برخی امور را مورد عنایت خود قرار داده و از آنان تعبیر به (سنت الهی) نموده است. نامگذاری نیز یک سنت الهی است. در قرآن آمده است: «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا» (مریم/۷) ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش "یحیی" است و این نام را برای هیچ کس پیش از او برنگزیده‌ایم. نام، همواره، تا پایان عمر و بلکه بر اساس روایات حتی در قیامت نیز همراه شخص است، بیش‌ترین چیزی است که فرد به آن خوانده می‌شود و نشانه فرهنگ خانوادگی فرد است. از این رو در روایات نیز یکی از حقوق فرزند بر پدر این شمرده شده است که نامی نیکو برای فرزندش، انتخاب نماید. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُّ أَحَدُكُمْ وَكَلْدَةُ الْإِسْمِ الْحَسَنِ، فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ إِسْمَ وَكَلْدِهِ» نخستین هدیه‌ای که هر یک از شما



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌ها و ادیان سنت

به فرزند خود می‌دهد، نام نیکو است؛ پس بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب نمایید. (حر عاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۲۲)

گفتن اذان واقامه در گوش نوزاد

در آداب دینی، اولین کارها پس از تولد، اذان گفتن در گوش راست نوزاد و اقامه گفتن در گوش چپ او است. گفتن اذان واقامه یک پیام بسیار مهم را اعلام می‌کند که: «پدران و مادران و اطرافیان نوزاد! از آغاز تولد نسبت به آنچه به گوش کودک می‌رسد، حساس باشند و تلاش کنند تا صدایی جز صدای الهی را نشنود و آوایی جز آوای خدایی در اطراف او پخش نشود» (قاسمی، دوران طلایی تربیت). امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: « مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَأَيُّوَدُّنْ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ الْيُسْرَى فِي الْبُسْرَى فَإِنَّ ذَلِكَ عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ » هرکسی که فرزنددار شد، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوید؛ زیرا این کار فرزند را از شیطان دور کرده، در امان می‌دارد. (کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۲۴)

روش تأمین امنیت

فرزندان باید در خانه احساس امنیت و آرامش روانی کنند و کانون خانواده را بهترین و امن‌ترین پناهگاه بدانند. امنیت یعنی "درک جزء از کل" و اعتماد به کل (در کودکی این کل والدین هستند و در آینده این کل خدا خواهد بود). امنیت یعنی انسان این درک را داشته باشد که جزئی از کل است و آن کل در هر شرایطی از او حمایت می‌کند و انسان به آن اعتماد داشته و ترسی ندارد. امنیت فردی را باید در ایمان واقعی و آرامش روحی و یاد خداوند متعال جستجو کرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/۸۲)



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌های قرآن و حدیث

آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافته گانند.

روش‌های ایجابی

مراد از روش‌های ایجابی، روش‌هایی است که در ایجاد یک رفتار تازه یا تداوم و تثبیت رفتارهای نیک و درست، به کار می‌آید و مهمترین آنها عبارتند از:

محبت ورزی

شکی نیست که همه‌ی انسان‌ها به فرزندان خود عشق می‌ورزند و آنها را مثل پاره‌ی تن خود دوست می‌دارند در آیات قرآن محبت پدران به یعقوب و ترس و نگرانی او درباره یوسف، را اینگونه بیان می‌دارد که: « قَالَ إِنِّي لَيَحْزَنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَ أَحَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَ أَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ » (یوسف/۱۳) یعقوب گفت من از آن ترسان و پریشان خاطریم که از او غفلت کنید و گرگ او را بخورد. یا در باره مهربانی و دلسوزی ابراهیم عليه السلام نسبت به ذریه و فرزندان نیز اینگونه آمده: « رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ». (ابراهیم/ ۳۷) پروردگارا، من برخی از ذریه و فرزندان خود را به وادی بی‌کشت و زرع نزد بیت‌الحرام تو مسکن دادم، پروردگارا، تا نماز را به پا دارند، پس تو دل‌هایی از مردمان را به سوی آنها مایل گردان و به انواع ثمرات آنها را روزی ده، باشد که شکر تو به جای آرند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: « أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَ ارْحَمُوهُمْ » به کودکان محبت بورزید و مورد شفقت‌شان قرار دهید. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۱) و در جای دیگر می‌فرماید: « مَنْ فَرَّحَ ابْنَتَهُ فَكَأَنَّمَا أُعْتِقَ رَقَبَةً مِنْ وَوَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَ



دوستان عزیزان! در آموزه اولاد ان سنت

مَنْ أَقْرَبَ بَعِيْنِ ابْنِ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشِيَّتِهِ اللهُ. کسی که دخترش را خوشحال کند، مثل آن است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد و کسی که پسری را خوشحال کند، مثل آن است که از ترس خدا گریسته باشد. (حرعاملی، پیشین، ج ۲۱، ص ۵۱۴) هم چنین امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «أَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةِ أَوْلَادِكُمْ، فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ.» فرزندان خود را زیاد ببوسید، به درستی که برای هر بوسه ای، درجه ای برای شما در بهشت، به اندازه ی مسیر پانصد سال خواهد بود. (همان، ص ۴۸۵)

تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه به عنوان امری مسلم در تربیت اسلامی شناخته و پذیرفته شده است. گاهی تشویق به تنهایی در قرآن به عنوان؛ ابزار تأثیرگذار آمده است. مانند آیه: « آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ » (حدید/۷) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آن چه خداوند، شما را در آن جانشین قرار داده است انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورند و انفاق کنند، برای ایشان پاداش بزرگی است. گاهی نیز تنبیه به عنوان عامل تأثیر گذار آمده است. « من يشاقق الله و رسوله فان الله شديد العقاب » (انفال/۱۳) هر کس با خدا و رسولش مخالفت ورزد، پس (بترسد که) همانا عذاب خداوند، شدید و سخت است.

در جایی از قرآن نیز پاداش و تنبیه همراه هم آمده است مانند: « بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ » (بقره/۸۱) آری، هر کس کردار زشت بیانداخت و کردار بد بر او چیره شد، هر که باشد، اهل دوزخ است و در آن آتش، پیوسته ماندگار خواهد بود و کسانی که ایمان



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آسوزده لاوان سنه

آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند، اهل بهشت هستند و پیوسته در بهشت، جاوید خواهند ماند.

تشویق نیز مانند هر امر دیگر هنگامی نتیجه بخش و مثبت است که بر اساس آداب و ویژگی‌های درست به کار رود. کوچک‌ترین بی توجهی به این ویژگی‌ها نه تنها اثر تربیتی نخواهد داشت، بلکه شخصیت فرد را تخریب خواهد کرد. متناسب بودن تشویق با رفتار، ایجاد انگیزه همراه با مهارت، رعایت اعتدال، دائم مطرح نکردن کودک جلوی دیگران، و همراهی تشویق با خلاقیت از ویژگی‌های عام تشویق است. (سلطانی، نشست تشویق و تنبیه)

تنبیه نیز به معنای آگاه ساختن، هشیار نمودن و عامل اظهار انزجار از رفتار نادرست دیگری است. تنبیه مال زمانی است که کودک از فضای ارزش‌ها خارج شود. کودکی که از فضای ارزش‌ها خارج می‌شود یعنی در حال خروج از قالب است. با قدرت، بدون خشونت باید جلوی گرفتار شده شود. هدف اصلی در تنبیه کودک، اصلاح و تربیت روح او است و بنابر اصل «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلٰی الْفِطْرَةِ» (مجلسی، پیشین، ج ۷۱، ص ۳۲۷) باید حسن انصاف و نفس لوامه‌ی او متأثر شود و او را از خطا حفظ کند، تنبیه کودک باید از ضعیف به شدید باشد و مناسب کاری باشد که انجام داده است. (فیاض بخش، کرامت نفس در تربیت کودک)

تکریم شخصیت

یکی از روش‌های صحیح و کارآمد در تربیت انسان، روش احترام و «تکریم شخصیت» است. خداوند متعال در قرآن کریم بنی آدم را تکریم نموده است و هیچ موجودی را برتر از او نیافریده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ



دُفُصْلَانِ بِرُؤُوسِ الْبُرُوجِ فِي رَأْسِ الْأَمْرِ وَالْإِيمَانِ

مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰) ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم» از آیه مزبور چنین استنباط می‌کنیم که خداوند بر نوع بشر منت نهاده و به او دو چیز بخشیده است: یکی کرامت و بزرگواری و دیگری برتری بر سایر مخلوقات. نظر به این که انسان از این دو مزیت عالی و فطری برخوردار است، احترام و تکریم وی یک وظیفه اساسی است که هیچ عاملی نباید آن را متزلزل سازد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لَا تَحْقِرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ». مبدا انسانی را کوچک بشمارید و تحقیر کنید که کوچک آنان نزد خدا بزرگ است. (ورام ابن ابی فارس، تنبیه الخواطر و نزهة النوادر، ص ۳۱) شیوه‌های مختلف تکریم و احترام کودکان، در سیره معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام شامل: به استقبال رفتن، اجازه گرفتن، دعوت کردن و اجابت کردن دعوت کودکان، عیادت کردن، صدا زدن محبت آمیز، مشارکت دادن او در کارها و... می باشد.

تلقین

در هفت سال اول زندگی تلقین می‌تواند یکی از مهمترین روش‌های تربیتی محسوب شود، زیرا خلق درونی از طریق گفتار و رفتارهایی که از وی سر می‌زند شکل می‌گیرد. برطبق این روش باید ظاهر کودک را به سمت گفتارها و رفتارهای مطلوب سوق داد. تلقین می‌تواند قولی، فعلی و یا هردو باشد. منظور از تلقین قولی این است که به کودک بیاموزیم سخنانی را بر زبان جاری کند و از این طریق در معرض حالات مطلوب درونی قرار گیرد. مثلاً پدر درباره فرزند خود، خطاب به کودک یا خطاب به دیگران در حضور کودک می‌گوید: کودک من خواهر و برادر هایش را دوست



دوستان! پژوهش‌های ما در آموزه‌ها و آداب سنت

دارد. تلقین فعلی آن است که کودک را در معرض انجام عمل قرار دهیم تا از این طریق حالات درونی مطلوبی در او ایجاد نماییم. مثلاً اگر پولی را به کودک بدهیم تا به فقیری بدهد با این عمل انگیزه و کشش کمک به دیگران را در وی پدیدار می‌کنیم، و اگر تلقین فعلی و قولی با هم همزمان باشد تاثیر آن مضاعف خواهد شد حضرت امیر مومنان علی علیه السلام نیز این روش را مورد توجه قرار داده و فرموده‌اند: «ان لم تکن حلیماً فتحلّم، فانه قل من تشبه بقوم اّلا اوشک ان یكون منهم» اگر بردبار نیستی، خود را همانند بردباران نما، زیرا بسیار اندکند کسانی که خود را به گروهی همانند می‌کنند و یکی از آنان نمی‌شوند. (حرعاملی. پیشین، ج ۱۵، ص ۲۶۸)

عادت دادن

وقتی انسان، عملی را به‌طور مستمر تکرار کرد به تدریج به آن خو کرده و حالتی در نفسش به وجود می‌آید که اصطلاحاً عادت نامیده می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «عوّد نفسک الجمیل؛ فانه یجمل عنک الاحدوثه و یجزل لک المثوبه». خویشتن را به نیکوکاری عادت بده، زیرا آنچه را که از تو پدید آید زیبا می‌سازد و پاداشت را نزد خدا بسیار و کامل می‌گرداند. (آمدی، پیشین، ص ۳۲۲)

دوران کودکی، دوران تکوین عادت‌ها است؛ عادت‌های خوب یا بد. کودک در این زمان حساس و در تکوین عادت‌ها، شدیداً به مراقبت‌های پدر و مادر و مربیان نیاز دارد. آداب سخن گفتن، آداب معاشرت، مسئولیت‌پذیری، کار کردن، اشتراک و تعاون در اداره امور زندگی، تخلق به اخلاق نیک، اجتناب از اخلاق زشت، شناخت وظایف دینی و عمل به آنها، حضور در مساجد و مجالس دینی در زمان کودکی و در فرصت‌های مناسب، باید پی‌درپی پایه‌گذاری شود تا به صورت عادت در آید. در چنین صورتی وقتی بزرگ شد انجام آن‌ها برایش آسان خواهد بود و غالباً ادامه خواهد یافت. (امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۸۸)



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت
رعایت مساوات و عدالت

رعایت عدالت و رفتار هماهنگ با کودکان نیز یکی از روش‌های تربیتی اسلام است. رعایت عدالت در بین فرزندان باعث جلب اعتماد فرزندان و عامل مهمی در تربیت صحیح آنان است که در قرآن نیز بدان اشاره شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده/۸) عدالت پیشه نمایید که به تقوا نزدیک‌تر است. در روایات اسلامی نیز به این مهم توجه شایانی شده و هر کدام از حضرات معصومین علیهم‌السلام نیز به آن سفارش و بر اجرای صحیح آن اصرار داشته‌اند. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «اعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ» بین فرزندان خود به عدالت رفتار نمایید همان طور که دوست دارید دیگران با شما به عدالت رفتار کنند. (مجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۲۳، ص ۱۱۳)

بازی

در قرآن کریم در داستان حضرت یوسف علیه‌السلام به این معنا می‌توان پی برد که بازی و تفریح یک ضرورت فطری است. برادران حضرت یوسف علیه‌السلام در توجیه بردن برادرشان به صحرا این گونه گفتند: «أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (یوسف / ۱۲) ای پدر فردا یوسف را با ما به صحرا بفرست تا در چمن و مراتع بگردد و بازی کند. حضرت یعقوب علیه‌السلام نیز با این درخواست مخالفت نکرد و فرمود که یوسف علیه‌السلام نباید به بازی مشغول شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کلامی شیوا می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ» کسی که نزد او کودکی هست، باید به حالت کودک در آید و با او هم‌بازی شود. (ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۷۵) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با این کلام اهمیت هم‌نشینی و بازی با کودکان را خاطر نشان می‌سازد، تا مربیان و والدین علاوه بر این که



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

از بازی‌ها و شیطنت‌های کودکان خود ناراحت و ناامید نشوند، بلکه با آنان همراهی کنند. بازی با کودکان یکی از راه‌های اظهار محبت به آنهاست و آثار نیکویی دارد و علاوه بر نشاط و شادی کودک باعث رشد استعدادها و تلطیف احساسات او می‌شود و والدین می‌توانند در ضمن بازی با کودک نکات اخلاقی و ارزش‌های انسانی را به او بیاموزند.

بازی مفید نباید تحمیلی باشد، فعال و همراه حرکت، متنوع، طبیعی و زمینه ساز خلاقیت باشد، (عباسی ولدی، پیشین) یکی از یاران نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نام سهل بن سعد می‌گوید: رسول خدا بر گروهی از کودکان گذشتند که خاک بازی می‌کردند. یاران پیامبر که با حضرت بودند، دیدند که لباس و دست‌های کودکان کثیف شده‌است. گفتند: بچه‌ها بروید خانه‌هایتان تا تمیزتان بکنند. پیامبر فرمود: بچه‌ها را رها کنید. بهار و گلستان زندگی آنان خاک است. (هیثمی، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۸، ص ۱۵۹)

موعظه

کودکان در سنین کم در مقابل پند و اندرزهای کلامی مقاومت نشان نمی‌دهند، پس در این سنین می‌توان آنها را نصیحت کرد. اما نصیحت فراوان اثر آن را از بین می‌برد. درقرآن کریم آیات فراوانی دیده می‌شود، که فرزندان مورد پند و موعظه‌ی پدران قرار گرفته‌اند. خدای منان درسوره ی لقمان به موعظه‌ی لقمان به فرزندش اشاره می‌کند: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ». (لقمان/۱۳) (به یاد بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - درحالی که او را موعظه می‌کرد- گفت: پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است. یا خداوند از زبان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَتَادِي نُوحَ ابْنَهُ



وَفُصِّلْنَا بِرُوحِنَا فِي رَأْسِ نُوْحٍ فِي سَمْوَاتِ السَّمَوَاتِ

وَكَانَ فِي مَعْرَلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ». (هود/۴۲) وکشتی آنها از میان امواجی هم چون کوهها حرکت می‌داد؛ (دراین هنگام) نوح فرزندش را که درگوشه‌ای بود صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، وبا کافران مباش!» در روایات نیز داریم که رسول خدا ﷺ نیز درباره موعظه می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ النَّصِيحَةُ» همانا دین، پند دادن است. (علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ص ۲۳۵)

والدین اگر بخواهند پندشان بر فرزندشان تأثیر داشته باشد، باید شرایط ذیل را رعایت کنند: ۱. به مقدار ضرورت بسنده کنند. ۲. والدین خود به موعظه‌هایشان عمل کنند. در روایات آمده است: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا» اگر دانا به دانش خود عمل نکند، موعظه‌اش از قلب‌ها می‌لغزد؛ همان گونه که قطره آب از روی سنگ فرو می‌ریزد. (کلینی، محمد بن یعقوب. پیشین، ج ۱، ص ۴۴). ۳. برای تأثیر نصیحت، باید بین خود و فرزندانشان رابطه‌ای قلبی و عاطفی برقرار سازند. دل فرزند به والدینی روی می‌آورد که با آنان انس داشته باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أُقْبِلَتْ عَلَيْهِ» دل‌های انسان‌ها وحشی‌اند؛ پس به کسی روی می‌آورند که با آن‌ها انس گیرد. ۴. نصیحت‌ها باید پنهانی باشد. ۵. در پند و اندرزها، به منفعت و مصلحت فرزند توجه کنند و مصالح خود را در نظر نگیرند. اگر فرزند احساس کند نصیحت‌های والدین برای منافع خودشان است، چندان اثری نخواهد داشت. (دهنوی، نسیم مهر، ج ۲، ص ۲۹)



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آداب آن سنت

روش الگویی

یکی از شیوه‌های موثر در تربیت کودکان و نوجوانان روش الگویی است. در این روش فرد، از فرد یا افراد دیگر به عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌کند و تحت تأثیر مشاهده از رفتار دیگران پیروی نموده و خود را با آن همساز می‌کند. خداوند بزرگ در قرآن کریم روش الگویی را مورد توجه قرار داده هم الگوهای پسندیده مانند: پیامبر گرامی اسلام ﷺ را به عنوان اسوه و الگوی تربیت مردم معرفی می‌کند آن جا که می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/ ۲۱) بی تردید، برای شما در همه ابعاد الگو در (اقتدای به) رسول خدا ﷺ است. همچنین از اسماعیل، نماد تسلیم در مقابل فرمان خدا؛ ابراهیم، الگوی فطرت جویی و بت شکنی؛ نوح، الگوی پایداری در تبلیغ دین؛ ایوب، قهرمان صبر و تحمل در شدايد روزگار نام برده است. و هم الگوهای ناپسند مانند زن حضرت نوح و زن حضرت لوط را به همین منظور نشان می‌دهد.

روش‌های اصلاحی

روش‌های اصلاحی، آن دسته از روش‌های تربیتی‌اند که هدف از آنها، حذف یا کاهش یک رفتار ناپسند (اعم از رفتار ظاهری یا اموری درونی همچون، تفکرات ناصحیح و ناپسند) می‌باشد. که مهمترین آن‌ها عبارت است از:

تغافل

یکی از روش‌های تربیتی اسلام که خیلی مهم، کاربردی و پرفایده است، تغافل (چشم‌پوشی) می‌باشد. تغافل عبارت است از این که انسان چیزی را که می‌داند و از آن آگاه است، با اراده و



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های قرآن و حدیث

عمد، خود را به بی‌خبری و غفلت بزند و به گونه‌ای وانمود کند که از آن ناآگاه و بی‌اطلاع است و در واقع خود را غافل نشان دهد. منابع اسلامی به‌ویژه قرآن و روایات، به کارگیری آن را در معاشرت‌های اجتماعی، خانوادگی؛ امور تربیتی، و مدیریتی مورد تأکید قرار داده‌اند؛ در قرآن بهترین واژه‌ای که این معنی را به طور کامل می‌رساند، واژه «صفح» می‌باشد. «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/۲۲) باید عفو کنید و لغزش‌های دیگران را نادیده بگیرید؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند غفور و رحیم است.» امام علی علیه السلام می‌فرماید: «العَاقِلُ نِصْفُهُ احْتِمَالٌ، وَ نِصْفُهُ تَعَاْفُلٌ» «نیمی از انسان عاقل، بردباری و تحمل است؛ و نیم دیگرش تعافل و نادیده گرفتن.» (آمدی، پیشین، ص ۱۱۷)

پرهیز از عیب‌جویی

در تربیت کودکان و نوجوانان نباید از کارهای کودکان و آنچه انجام می‌دهند، عیب‌جویی کرد و آنها را سرزنش نمود، به سبب اینکه با عیب و ایراد گرفتن موجب می‌شود آنها در توانایی و استعداد خود، شک و تردید کنند و اعتماد به نفس خود را از دست بدهند. خداوند متعال در آغاز سوره همزه در رابطه با عیب‌جویی از دیگران فرموده است: «وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ» وای بر هر بدگوی عیب‌جویی. «همزه» از ریشه «همز» در اصل به معنای شکستن است؛ از آن‌جا که عیب‌جویان شخصیت دیگران را در هم می‌شکنند به آن‌ها «همزه» اطلاق شده و «لمزه» نیز از ریشه «لمز» به معنای طعنه زدن و عیب‌جویی کردن است.

پرهیز از استدلال‌های فراتر از توانایی کودک



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آسب‌ها و انجمن‌ها

دین اسلام دینی سهل، شیرین، مطابق با فطرت انسان، ایجاد کننده لطافت روح و برطرف کردن خستگی از زندگی است. بنابراین باید دین را درست به کودک معرفی کرد. شیوه تبلیغ انبیا این بود که با هر فردی به اندازه درک و فهم خود او سخن می‌گفتند، توجه به این مساله لازم است که کودکان هنوز به دوره تفکر مذهبی نرسیده‌اند و ذهن آن‌ها قدرت کافی برای درک مسائل و ادله پیچیده را ندارد و از هر استدلالی برای اثبات خداوند و یا هر جنبه‌ای از دین که فراتر از توانایی‌های ذهنی آن‌ها باشد، برداشت‌های ساده، مطلق و غیرواقعی خواهند داشت و اغلب از معنای ظاهری جملات فراتر نخواهد رفت. وقتی هم که در درک مساله شکست بخورند این شکست را متوجه استدلال و بطلان اصل مساله می‌دانند.

نتیجه

در تربیت دینی، هدف این است که روحیه عبودیت را فعال سازیم. اما آسیب‌های تربیتی، تلاش‌های تربیتی را خنثی نموده و اثرات تربیت را از بین می‌برد. آسیب‌هایی که به تربیت دینی وارد می‌شود می‌تواند عوامل و منشاءهای گوناگون داشته باشد. برخی از آسیب‌ها ریشه در وراثت و ژنتیک و پاره‌ای دیگر ریشه در آسیب‌های محیطی دارد. که از آنها می‌توان به روش‌های غلط تربیتی از سوی خانواده‌ها، مربیان، نهادهای آموزشی، وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، بازی‌های رایانه‌ای، اینترنت، ماهواره)، دوستان و معاشران و نهادهای حاکم بر جامعه اشاره کرد. برای آسیب‌زدایی و حذف آفت‌ها باید با اصلاح روش‌های غلط، راهکارهای پیشگیری از آسیب‌ها را شناخت و به توصیه‌های اخلاقی و اعتقادی و عبادی که در متون دینی برای تربیت صحیح بیان شده مراجعه کرد. این مهم می‌تواند راهگشای خانواده‌ها و جامعه در امر تربیت دینی کودکان و دفع تهدیدها باشد.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت‌خانه، تهران

منابع

- قرآن کریم
- آمدی، عبدالواحد. غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰
- اسحاقی، حسین. سلوک علوی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱، چاپ اول
- برازش، علیرضا. المعجم المفهرس لالفاظ غرر الحکم و درر الکلم، تهران: نشر سپهر، ۱۳۷۱
- پاینده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه. تهران: نشر دنیای دانش، ۱۳۸۲
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ج ۱، ۱۳۹۵، چاپ ۱۴
- پور طهماسبی، سیاوش و سعید. رویکرد اسلامی در بهره گیری از رسانه‌های پست مدرن در تربیت دینی، فصلنامه پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، (۲). ۱۳۹۱
- حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، به تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق
- حسینی، عباس و صدیقه دلوری، خانواده و اینترنت، مجله معارف اسلامی، (۷۱)، ۱۳۸۷
- خطیب، محمد شحات. اصول التریبه الاسلامیه، ریاض: دارالخریجی، ۱۴۱۵ق
- دهنوی، حسین. نسیم مهر، ج ۳، قم: انتشارات خادم الرضا (ع)، ۱۳۸۸، چاپ پنجم
- رضاییان بیلندی، حسین. رسانه و نقش والدین در تربیت فرزندان، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۳
- زارغان، محمد جواد. تربیت دینی، تربیت لیبرال، فصلنامه معرفت، (۳۳)، ۱۳۸۹
- شجاعی، محمدصادق، روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت، نشریه روانشناسی و دین، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸
- صادقی، محمود. احکام بازی‌های رایانه‌ای، قم: نشر معروف، ۱۳۹۴
- عباسی ولدی، محسن. من دیگر ما. قم: انتشارات جامعه الزهراء، ۱۳۹۲. چاپ اول.
- عباسی ولدی، محسن، بشقاب‌های سفره پشت بام مان، انتشارات آیین فطرت، ۱۳۹۳. چاپ ششم
- علاءالدین. علی بن حسام. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۴.
- فیاض بخش، محمدتقی. کرامت نفس در تربیت کودک، تهران: انتشارات فردا، ۱۳۸۹
- عیاشی، محمد بن مسعود. تفسیر العیاشی، تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ق
- کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۹ چاپ دوم.
- لوئیز کوهن و لارنس مانیون، راهنمای عملی تدریس، ترجمه فاطمه شاکری، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
درآموزه‌ها و آوازه‌ها و اسناد

مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۲

مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، قم: انتشارات ام ابیها، ۱۳۷۸.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴. چاپ اول

نوری الطبرسی، حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: نشر: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

هیشمی، علی. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۸، بیروت: ار الكتاب العربی، ۱۹۶۷م. چاپ دوم.



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
موسسه پژوهش و انتشارات

بررسی و تحلیل تسلی‌های قرآن بر مصائب مؤمنان

ملیحه بهرام‌فر^۱

تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۱۵

صص ۱۳۷-۱۰۷

چکیده

در رویکرد دینی، مبتلا شدن انسان به انواع ابتلائات عینی و ذهنی که لازمه زندگی مادی و میدانی برای بروز انتخاب مختارانه انسان در دایره تکالیف است؛ می‌تواند برای انسان مصیبت ایجاد کرده و او را در راه نیل به سعادت دچار چالش نماید. با وجود ارتباط مستقیم بین سطوح معرفتی و مصیبت‌انگاری حوادث، انسان در هر شأنی از شئون اعتقادی، به هنگام مواجهه با مصائب نیازمند تسکین دهنده درونی و بیرونی است؛ چرا که به این ترتیب ضمن کسب آرامش نه تنها در برون رفت از مشکلات در مدار واقع بینی قرار می‌گیرد بلکه تسلی مبتنی بر پشتوانه‌های معرفتی، طی کردن مسیر تکامل همراه با نشاط را برای انسان بیش از پیش فراهم می‌کند. بر این اساس و با توجه به نقش و اهمیت تسلی انسان به خود در هنگام بروز مصائب و در گام بعدی در آرامش‌بخشی و همراهی افراد با یکدیگر و اثرات و پیامدهایی که این همدلی می‌تواند در کوتاه مدت و دراز مدت بر افراد مختلف خانواده و جامعه داشته باشد.

^۱ کارشناسی ارشد تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



دوفصلنامه پژوهش‌های فلسفی و فقهی در آموزه‌های قرآن و حدیث

در این تحقیق سعی شده است که با جستجو در آیات و روایات به بررسی عواملی که سبب ایجاد مصیبت و مصیبت‌انگاری گشته و مبانی تسلی حقیقی و چگونگی عمق‌بخشی به این مفهوم ارزشی پرداخته شود. نتیجه این جستجو و تحقیق، از سویی نشان‌دهنده توجه آموزه‌های اسلامی بر تسلیت‌دادن و تسلیت‌یافتن همراه با بیان راهکارهای آن است که پیامدهای آن نظیر همراهی و انسجام افراد با یکدیگر در جامعه اسلامی را بدنبال می‌آورد و از سویی دیگر این مطلب مهم را خاطر نشان می‌سازد که همدردی و تسلای واقعی فقط در سایه ایمان به خدا و اعتقاد به روز جزا و تخلق به صفات پسندیده اخلاقی پدید می‌آید و مؤثر و ماندگار می‌گردد.

کلمات کلیدی: قرآن و حدیث، زندگی مؤمنانه، مصیبت، تسلیت.

مقدمه

هدف از خلقت و چرایی زیستن همراه با رنج و زحمت برای انسان از مهمترین سؤالاتی است که می‌تواند ذهن انسان هدفمند را به خود مشغول سازد. مصیبت یکی از عینی‌ترین و ملموس‌ترین حقایق زندگی هر انسانی است که برآیند جریان اراده الهی در هستی به شکل قضا و قدر به اضافه مجموعه گزاره‌های دینی حاکی از علم، حکمت و رحمت خداوند و اختیار انسان و محدودیت‌های عالم ماده پدید آورنده آن است. نوع ظرفیت، تکامل و هدایت انسان که از جنس تکلیف و تشریح است نه تکوین و غریزه. اقتضای آن را دارد که دستخوش تغییر و تحول شده و با اختیار گام برداشته، بر اثر پاره‌ای از دگرگونی‌ها کامل‌تر شده تا به کمال شایسته خود برسد. در این میان قطعاً زوایا و پیچیدگی‌های زندگی مومنانه با توجه به سطح و مرتبه رشد یافتگی و نوع مواجهه با اندوه و تأثیر ناشی از آن متفاوت و سبک تسلیت بر آن‌ها مختلف می‌باشد. علامه



دوفصلنامه پژوهش‌های فلسفی و فقهی در آموزه‌های قرآن و حدیث

جوادی آملی در تشریح سطح مصیبت‌زدگی می‌گوید «البته نامگذاری مصیبت و تلخی صبر و سایر عناوین مطروح در این مبحث برای مبتدیان فن اخلاق است؛ و گرنه برای سالکان واصل که امانت بودن همه چیز مشهود آنان است؛ زوال هیچ چیزی مصیبت مصطلح نیست تا صبری را در پی داشته و اجری را مستلزم شود» (جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء ج ۷، ص / ۶۷۵، ۱۳۷۸) با این وجود، در شکل کلی افراد جامعه اسلامی در هر سطح و طبقه‌ای مبتلا به تأثیر تراحمات مختلف بوده و نیاز به تسکین دهنده‌ای مطمئن و با دوام دارند موضوع پژوهشی تسلیت بر مصیبت مؤمنان، بدنبال آنست تا به سوالاتی از جمله، در زندگی مؤمنانه چگونه می‌توان بر مصیبت تسلی یافت؟ و نسبت ظهور و بروز تسلی خداوند با عمل انسان چگونه است؟ و همچنین قرآن کریم در هنگام بروز مصائب چگونه به مؤمنان تسلی داده‌است؟ می‌باشد. این تحقیق براساس روایت نبوی که "هر چیزی که سبب آزار مؤمن شود مصیبت است،"^۲ مصیبت را در شکل عام آن، مورد بررسی قرار می‌دهد. و به تبع آن تسلیت نیز به شکل گسترده مورد بحث قرار می‌گیرد.

بیان مسأله

در دنیای امروز علاوه بر بلایای طبیعی و حوادث ناگوار، انسانها با انواع مختلف و متعددی از ناکامی‌های فردی و جمعی در حوزه‌های مختلف و مبتلا به انواع تألمات روحی و تراحمات فکری می‌گردند به گونه‌ای که فشار ناشی از این مصیبت‌ها معمولاً به کاهش سرزندگی، ضعف تصمیم‌گیری، شکست اراده و امثال اینها می‌انجامد. بدیهی است در چنین شرایطی افراد، نیازمند امدادی بیرونی یا توانی درونی برای مقاومت در برابر فشارهای پیش گفته و جبران آثار آنها هستند تا تسکین و تسلی یابند و بتوانند به شرایط عادی برگردند. این موضوع به طور خاص در مورد کسانی که زندگی مؤمنانه و مبتنی بر ایمان و عمل اسلامی را برگزیده‌اند ظهور بیشتری دارد. حال



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت‌خانه، تهران، آذرماه ۱۳۸۶

چنین انسانی، باید مسلح به ابزار پیشگیری و یا در صورت مبتلا شدن مجهز به مهارت‌های سازگاری باشد تا سختی‌ها، از تألمات حداقلی تا مصائب حداکثری، او را دچار افسردگی نکند و از مسیر مطلوب فطری باز ندارد. همین موضوع می‌طلبد براساس منابع دینی و سنت معصومین علیهم‌السلام پژوهشی پیرامون آن صورت گیرد تا هم از لحاظ نظری به تصحیح و تقویت اعتقاد دینی کمک کند و هم در عمل به تحقق سبک زندگی ایمانی و اسلامی یاری رساند.

مفهوم شناسی

"مصیبه" واژه‌ای است عربی از ریشه "صوب" که به صورت مفرد و اسم فاعل از ثلاثی مجرد باب افعال در قرآن به کار برده می‌شود. "درباره معنای ریشه لغوی مصیبه میان صاحبان فرهنگ لغت تا حدود زیادی اتفاق نظر وجود دارد." **الصَّوْبُ** را به معنای ریختن، فرود آمدن باران (جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، ۱۳۷۶ج ۱، ص ۱۶۴- لسان العرب، ج ۱۰، ص ۵۳۴)، حقیقت و درستی، در مجموع مصیبه را هر امر مکروهی که از روزگار به انسان برسد و بر او نازل گردد دانسته اند (ابن منظور، ج ۱، ص ۵۳۶)

واژه "تسلی" لغتی عربی است که ریشه آن "سلو" است. و هنگامی که می‌گویند کسی در سلوت زندگی می‌کند یعنی اندوه و ناراحتی در زندگی نخواهد داشت. (مقایس الغه، پیشین، ج ۳، ص ۹۱) هر چند لغت تسلی به معنای بر طرف شدن غم و اندوه (حسینی زبیدی، محمد مرتضی، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۳) در قرآن بکار نرفته است اما واژه "السلوی" را که جناب مکارم در اصل به معنی آرامش و تسلی دانسته اند. از همان ریشه بوده و منظور از آن در قرآن کریم هر چیزی است که اضطراب و آشفتگی و نگرانی را به حالت پایداری و سکونت و آرامش نفس تبدیل کند، خواه در مادیات باشد و خواه در معنویات.



فرایند مصیبت

مصیبتی که به انسان می‌رسد، خواه ابتلاء وی به نتایج عملش باشد یا اینکه امتحان الهی برای شناخته شدن یا ارتقاء درجه او باشد؛ در هر صورت به اذن خدا صورت می‌گیرد. (تغابن/۱۱)

علامه طباطبایی با طرح دو موضوع به اثبات این امر می‌پردازد. ایشان مسئله اذن را هم نسبت به عقلا مطرح کرده است (۶۴/نساء) و هم نسبت به غیر عقلا؛ (اعراف/آیه ۵۸) با توجه به این امر اذن در این آیه را تکوینی دانسته و آن عبارت است از بکار انداختن اسباب یا به عبارت دیگر برداشتن موانعی که سر راه سببی از اسباب است. نکته دیگر این که به دلیل اینکه اذن الهی همه مؤثرها را فرا گرفته است، مصائب نیز تکویناً به اذن خدای تعالی صورت می‌گیرد. (طباطبایی، محمدحسین، پیشین، ج ۱۹، ص ۵۱۱)

نسبی بودن مصائب

یقیناً نمی‌توان برای نگرش و رفتار همه انسان‌ها در مواجهه با مصیبت و بلا رتبه و سطح یکسانی قائل شد؛ بلا به رسم مادی بودن عالم، به شکل جریانی در گذشته، حال و آینده استمرار دارد. تنها چیزی که باعث تفاوت در جریان بلا می‌شود؛ عنوان و اثر این بلاها با اختلاف دیدگاه‌ها و موقعیت‌ها است. با دقت در کلام الهی و روایات مرتبط، افراد در مواجهه با مصائب به سه گروه تقسیم می‌شوند. مواجهه با محنت‌ها در دسته اول -انبیا و مخلصین- جز فعلیت یافتن فضائل نهفته در نفسشان اثری ندارد. ناگواری‌ها در عین داشتن کراهت طبع برای این نوع از افراد سبب برخورداری آنها و دیگران از این فضایل به فعلیت در آمده، شده و باعث ترفیع درجه آنان می‌شود. (۱۵۷/بقره) دسته دوم کسانی هستند که ایمان و فسق در درونشان قرار نگرفته و در مواجهه با وقایع ناخوشایند، ذاتشان را بروز می‌دهند؛ از این منظر ابتلائات برای اینان در حکم امتحان و



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آموخته‌ها و آوان سنّت

آزمایش الهی است. (۳/انسان) نگرش و جهان بینی گروه سوم نیز، مبتنی بر مادیات جریان یافته و در زندگیشان جز بر هوای نفس تکیه و اعتماد ندارند؛ بدون شک، مصائب برای این طائفه جنبه عذاب دارد، و خدای تعالی می‌خواهد با فرستادن بلاها نسل این طائفه را بر اندازد. (۱۱/انبیاء).

سبب مصائب

در چرائی رسیدن بلاها به انسان علل متفاوتی می‌تواند نقش آفرینی کند. ناگواری‌ها را بر اساس اینکه محصول چه نوع عللی است؛ می‌توان تقسیم بندی کرد.

الف) مصائبی که عمل انسان در آن دخالت نداشته و به مشیت الهی به انسان می‌رسد تا او مورد امتحان واقع شده و رفعت مقام بیابد. (۲۲/حدید) بسیاری از انبیاء و صلحاء گرفتار اینگونه مصائب می‌شوند. ب) مصائبی که در نتیجه عمل انسان به او می‌رسد و آن ناشی از دو نوع رفتار است. مصائبی که نتیجه عمل سوء و ناشایست انسان است. (۳۰/شوری) نوع دیگری از مصائب، نتیجه عمل صالح و شایسته انسان است. تفاوتی که در این دو نوع از بلاها وجود دارد این است که در نوع دوم این خود انسان است که خود را به بلا نزدیک می‌کند. علامه در تفسیر آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷ بقره این نوع بلا را بلائی می‌دانند که بندگان به جرم پیروی از دین توحید و اجابت دعوت حق بدان مبتلا گشته اند. (طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱، ص ۵۱۷) از مصائب دیگری که دامنگیر انسان می‌شود؛ اثر و نتیجه عملکرد نیاکان و یا عموم جامعه است که به عنوان مثال بوسیله آیه ۹/نساء و ۴۱/روم به این امر تصریح شده است.

مصیبت و تسلیت از منظر اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان

از آنجا که وجود مصیبت در زندگی انسان، غیرقابل انکار و اثرات و عوارض آن بر آدمیان واضح و آشکار است، از دیر باز مورد توجه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان قرار دارد. متفکران



دفتر مطالعات پژوهشی و فرهنگی
در آموخته‌ها و آوان‌سنت

غیر مسلمان و بویژه محققان مادی‌گرا بر اساس رویکرد تجربه‌گرایی و روانشناختی خود، دیدگاهی منفی به پدیده مصیبت داشته بر همین اساس راه‌هایی را نشان می‌دهند که افراد را در مواجهه با مصیبت به تحمل و نهایتاً فراموشی برسانند. البته در چند دهه اخیر گروه جدیدی از روانشناسان غربی نظیر سلیگمن و دیگران شکل گرفته‌اند که رویکردی مثبت‌اندیش به ناملایمات زندگی دارند و در نتیجه سعی می‌کنند با توجه کردن و توجه دادن به آثار سازنده سختی‌ها روش‌هایی برای تحمل سختی‌ها و حتی استقبال از آنها توصیه کنند و با تغییر نگاه، آنها را فرصتی برای حس منفعت‌طلبی انسان‌شناسی خودمحور غربی قلمداد می‌کنند.

در سوی دیگر، رویکرد متفکران مسلمان به موضوع مصیبت و تسلیت کاملاً متأثر از ادبیات قرآنی و روایی بوده و کارکرد آن در جهت رشد و تربیت معنوی انسان است. شهید مطهری درد جدایی از حق و آرزو و اشتیاق تقرب به ذات او و حرکت به سوی پروردگار را مهمترین مصیبت برای نوع بشر می‌داند. (رک «مطهری، مرتضی، قم، انتشارات صدرا، انسان کامل، ص ۷۹، ۱۳۶۷) علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۵۶ بقره می‌نویسد کسی که باور دارد مالک هیچ چیز نیست، دیگر نه از ورود مصیبت متأثر میشود و نه از فقدان مایملکش اندوهناک می‌گردد. علامه صبری را که مبتنی بر ایمان به "انا لله" و بازگشتی چونان "الیه راجعون" باشد را بهترین صبر تحقق یافته می‌داند که ریشه هر نوع جزع و فرعی را به هنگام مصیبت در دل می‌سوزاند. (رک «طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱، ص ۵۳۳) علامه جوادی آملی در تفسیر آیه "۱۵۶ بقره" می‌فرماید: سرّ تسلیت بودن رجوع به خداوند حکیم عادل این است که اگر رخداد ناگوار مطابق عدل بود؛ انسان صابر جزای خود را خواهد یافت، و اگر ظلم بود خدای سبحان انتقام آن را خواهد گرفت. (جوادی آملی، عبدالله، پیشین، ج ۷، ص ۶۷۹) در مجموع می‌توان گفت نظرات اندیشمندان مسلمان خصوصاً



دفتر مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و تفسیری
مجلس شورای اسلامی ایران

عالمان شیعه در موضوع مصیبت و تسلیت برگرفته از جهان بینی توحیدی بوده و بیشتر جنبه تبیین، تحلیل و تعلیل آموزه‌های قرآن کریم و مکتب اهل بیت را دارد.

خاستگاه مصیبت در زندگی انسان

وقوع عامل مصیبت، به تنهایی برای پدید آمدن آثار و عوارض مصیبت کافی نیست؛ بلکه نیازمند وجود صفاتی در انسان و ویژگیهایی در فضای زندگی اوست که می‌توان آنها را خاستگاه و رویشگاه مصیبت نامید. در این بخش به اجمال به آنها پرداخته می‌شود.

مورد تکلیف بودن انسان و تطابق تکالیف با توان مکلف

واضح است، در برخی موارد، احکام تکلیفی برای شخص مکلف نوعی محدودیت یا سختی به همراه داشته که منجر می‌شود، تا با ابهام ذهنی یا اکراه عملی به آن عمل کند و حتی گاهی با نتایج و پیامدهای رنج آور یا نامطلوب این عمل به تکلیف، مواجه شود و خود را مصیبت زده بداند؛ اما باید دانست بدون تردید میان تکالیف الهی و توانایی‌های انسان تطابق وجود دارد. به تصریح قرآن کریم تکالیفی که موضوع امتحانات بوده متناسب با ظرفیت‌ها و ویژگی‌های افراد است. چرا که خداوند هیچ کسی را بیش از وسعش تکلیف نمی‌کند (۲۸۶/بقره). وسع را به معنای توان و کنایه از ظرفیت نفس خوانده‌اند و تعبیر "وسع نفس" را شامل هر گونه توان نفسانی، از قدرت دریافت و اراده و اختیار و اعمال دانسته‌اند و هر چه در طریق کمال، این میدانها وسیعتر و توان اندیشه و اراده بیشتر گردد تکلیف و مسئولیت افزایش می‌یابد. (طالقانی، محمود، تفسیر پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۲ ص / ۲۷۸ ، ۱۳۶۲) در واقع مشخص می‌گردد که اراده خداوند در مکلف قراردادن انسان، پدیدآور میدانی است که حضور در آن مستلزم مواجهه با دشواری‌های



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آسوزده لاهوران سنه

عمل به تکلیف است؛ که در شرایط واقع گرایانه، انسان می‌تواند آن را پذیرش و حتی از آن استقبال نماید.

خصوصیات و ضعف‌های ذاتی انسان

در حرکت انسان به سوی اهداف متعالی، شناسایی و جبران نقاط ضعف از مهمترین وظایفی است که هر رونده‌ای در مسیر تکامل، به دقت در آن نیاز دارد. آیات فراوانی در قرآن به بیان اوصاف و خصایص انسان می‌پردازد. در برخی، مورد ستایش قرار گرفته و در برخی از او نکوهش شده‌است. اوصاف ستایش شده مبتنی بر فطرت گرایی و منشأ ویژگی‌های نکوهش شده طبیعت گرایی انسان است. (۳۷/انبیاء) (معارج/۱۹) سهل انگاری درباره اوصاف منفی بستری مناسب برای انحراف بینش‌ها و گرایش‌ها و به تبع آن انحراف رفتارها را به وجود می‌آورد. (جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم: انتشارات اسراء، ص/۲۳۸، ۱۳۹۲) لذا طبیعت ضعیف افراد می‌تواند دست مایه وسوسه‌های شیطان قرار گرفته و او با کربه نشان دادن شرایط ناگوار، تخیل انسان را به بازی گرفته و خشم، غضب، ترس و اندوه را در آدمی به فوران در بیاورد و مصیبت‌های کوچک را در نظر او بزرگ جلوه دهد. امیر المؤمنین علیه السلام شاید با توجه به همین نکته می‌فرماید: کسی که مصیبت‌های کوچک را بزرگ شمارد خدا او را به مصیبت‌های بزرگ مبتلا خواهد کرد. (شریف الرضی محمدبن حسین، نهج البلاغه، حکمت/۴۴۸ ترجمه محمد دشتی، قم: ۱۳۷۹)

تأثیر وسوسه و مکر شیاطین

شیطان به عنوان جزیی از نظام خلقت و به عنوان دشمن قسم خورده انسان معرفی شده است. (۸۲/ص) علامه جوادی در کتاب تفسیر انسان به انسان، با اشاره به ایفای نقش خصمانه شیطان فرایند فریبکاری او را از طریق ایجاد انحراف در ساختار علم، میل و عمل انسان دانسته و



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت‌خانه، تهران

به نوع تفاوت مبارزه شیطان با دیگر دشمنان پرداخته و می‌فرماید: شیطان نظیر دشمنان دیگر نیست که از انسان جان یا خاک بستاند، بلکه او می‌خواهد انسان را زنده و اسیر نگاه دارد و در همه مجاری ادراکی و تحریکی پیرو خود کند تا عمری دراز در گناه به سر برد و دیگران را نیز گمراه کند. (جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، ص/۳۷۴)

انسان در بزنگاه مواجهه با مشکلات و مصائب گوناگون، به دلیل ابتلا به نوعی افسردگی و تشویش خاطر، می‌تواند طعمه مناسبی برای فریب کاری شیطان باشد. مؤلف تفسیر انسان به انسان، از جمله مهمترین فعالیت‌های دشمن قسم خورده انسان را مغالطه بینشی یا منطقی در حوزه اندیشه انسان می‌داند. (جوادی آملی، عبدالله، پیشین، ص/۳۴۸) از جمله مغالطه‌های شیطان بزرگنمایی مشکلات کوچک است، ابلیس در مسیر منحرف کردن انسان گاه شرایط را طوری در نظر انسان جلوه می‌دهد که از کاه، کوه ساخته و گرفتاری را با بزرگنمایی به انسان نمایش می‌دهد و در مواردی با تمام قوا چنان گستره عواطف و رفتار انسانی او را علاوه بر حوزه اندیشه، دچار تخیل می‌کند که او را مطمئن می‌سازد که گرفتار تعب و رنجی خواهد شد تا آدمی را محزون کرده و در جهت اهداف شوم خود راه را بر وی بندد. (۱۰/مجادله) از این روست که هرگاه آدمی بتواند این خواسته‌ها و امیال را که توسط شیطان به دایره ذهن او هجوم می‌آورند؛ قبل از اینکه منجر به عمل شوند تزکیه و تصفیه نماید به صراط مستقیم که رستگاری و سعادت ابدی است راه می‌یابد.

جایگاه مصیبت در تکامل انسان (تلازم بندگی انسان و آزمایش شدن)

از منظر قرآن، سنت‌هایی تخلف ناپذیر، بر حیات انسان‌ها حکومت می‌کند که یکی از این سنت‌ها، سنت امتحان و آزمایش است. کشش‌های متضادی که در درون آدمی وجود دارد، همواره او را در معرض آزمایش قرار می‌دهد. او باید بر سر انتخابی نشأت گرفته از سر میل و خودخواهی آنچه



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آموخته‌ها و آوان سبک

خود می‌خواهد و یا انتخاب آنچه خدا می‌خواهد قرار گرفته و خیر را بر گزینند تا گوهر وجودی خویش را به اثبات برساند. (ملک/۲) ابتلائات با به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه، استعدادهای نهفته انسان را بیدار و او را از شک علمی و تردید عملی باز می‌دارد. انسان در پرتو آزمون الهی، نسبت به وضعیت خود آگاهی پیدا کرده و با دقت و مراقبت در اعمال و نیات به میدان جهاد اکبر راه می‌یابد؛ آن‌گاه با استقامت در صراط مستقیم متنعم به پاداش الهی می‌گردد. (بقره/۱۲۴) از طرفی دیگر خداوند فقط انسان مخلص را به قرب خویش می‌پذیرد، از این رو کسی که خواهان تقرب است باید با امتحان صحنه قلبش خالص شود تا خداوند او را بپذیرد.

تلازم امتحان انسان و مصیبت

بلاها هر چند به ظاهر سختی و محنت هستند؛ ولی آثار و فوایدی دارند که آن‌ها را در ردیف برترین موهبت‌های الهی قرار می‌دهد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: "مصیبت‌ها، هدایایی از جانب خداست. (کلینی محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۰) این سخن از چند وجه قابل بررسی است.

اولاً: خداوند کریم ضمن اینکه رحمت بر بندگان را، بر خودش واجب نموده است؛ (انعام/۵۴) هدف اصلی خلقت را عبودیت و در انتها، رسیدن به "وجه الله" قرارداده است. (ذاریات/۵۶) با توجه به دو مقدمه فوق، بر خداوند است، از هر نوع زمینه‌سازی برای برگشت بندگان به سوی خویش دریغ نفرماید. که یکی از این مقدمات قرار گرفتن انسان در بوته گرفتاری‌ها است تا انسان تسلیم حق گشته، مسیر خود را به سوی خدا سوق دهد.

ثانیاً: ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه انسان در بوته امتحان، تنها در محدودیت‌ها و شرایط سخت می‌تواند ظهور یافته و به فعلیت برسد. شهید مطهری نیز سختی‌ها و گرفتاری‌ها را مقدمه پیشرفت



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت‌خانه، تهران

در همه موجودات زنده بالاخص انسان می‌داند ایشان گرفتاری‌ها و بلاها را سبب تحریک و نیرومندی انسان و فقدان محنت و رنج را در زندگی، سبب تباهی انسان بیان می‌کند. (مطهری مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ج ۱ ص ۱۷۶، ۱۳۸۹)

ثالثاً: انسان‌های غیر معصوم در دنیا به گناهان و لغزش‌هایی دچار می‌شوند که عقوبت الهی در آخرت را به همراه دارد. خداوند بسیاری از این لغزش‌ها را در دنیا عفو (شوری/۳۰) و بسیاری را نیز در همین جهان مادی بوسیله بلاها و شداید با مؤمنین، تسویه می‌کند. (محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۲، ص ۵۳).

رابعاً: آدمی به دلیل برخورداری از نعمت‌ها خود را دارای مقامی ارزشمند در پیشگاه الهی تصور می‌کند، از این رو دچار غفلت می‌گردد (اعراف/۱۷۹) گرفتار شدن انسان به انواع تألمات باعث می‌شود انسان بر فقر ذاتی خویش مطلع شود و دست نیاز به سوی قادر بی‌نیاز بلند کند.

پیچیده بودن دنیا در بلاها

شناخت دنیا با تمامی ابعاد آن، در سایه ایمان به خدا به انسان کمک می‌کند حیات طیب را از غیر آن بشناسد و ماهیت حیات دنیا را ناپاک و پیچیده شده در بلا دانسته و آن را غیر قابل تفکیک از زندگی مادی انسان بداند. یکی از علماء مضمونی را در وصف ویژگی‌های دنیا به این ترتیب بیان می‌دارد: "دنیا سرشتی بی‌صفا دارد، ولی تو از آن انتظار خلوص و صفا داری؛ کسی که از روزگار انتظاری غیر از این داشته باشد مانند کسی است که در آتش به دنبال آب می‌گردد؛ اگر به دنبال چنین امر محالی باشی بدان که خانه‌ات را بر کناره پرتگاهی هولناک بنا کرده‌ای." (عاملی، زین‌الدین احمد، پیشین، ص ۲۷) قرآن کریم به طور مکرر انسان را نسبت به ماهیت دنیا هشدار داده است. (۱۸۵/آل عمران) علامه طباطبائی "غرور" به کار رفته در این آیه را به معنای این دانسته،



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
درآموزه‌ها و ادیان و مذاهب

که کسی آدمی را به شری وادار کند که به صورت خیر باشد. (طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۱۶، ص ۴۲۸) با پذیرش پیچیده بودن سختی و راحتی در دنیا ابتلائات بر انسان آسان و شیرین خواهد شد.

مصیبت پنداری، محصول جزئی نگری در عالم دنیا

عامل اصلی شبهات و انگاره‌های غلط انسان نسبت به رویدادهای دنیوی حاصل قیاس و نگرش محدود و جزء انگارانه، او به نظام هستی است. یکی از موضوعاتی که می‌تواند سبب جزئی نگری و به تبع آن، خطا در نگرش انسان شود؛ بی توجهی به اصل "خوب و بد نسبی" است. هر رخداد اتفاقی در هستی، به سبب واقع شدن در چهار چوب ربوبیت الهی، در برگیرنده خیری است که در نظام کلی آفرینش معنا پیدا می‌کند. اما انسان به دلیل دید محدود و محدودیت در علم، نمی‌تواند غایت امور را مشاهده و درک کند؛ لذا دچار مصیبت انگاری می‌شود.

دومین موضوعی که می‌تواند سبب جزئی نگری شود؛ بی توجهی به نوع آفرینش خدا است. خداوند هرگز شر و بدی نیافریده است؛ در واقع شر نسبت به مورد خودش شر بوده و در کلیت نظام آفرینش خیر است؛ موقعیتی که هیچ خیری نمی‌تواند جای آن را بگیرد.

در نظر نگرفتن تفاوت در قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی که به اراده و مشیت الهی محقق شده است، نیز سبب رویکرد جزء نگری می‌شود. در تفسیر قمی ذیل آیه (شوری/۲۷) از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: اگر خدا رزق را برای همگان، بسط می‌داد مردم طغیان کرده بغی و ستم می‌کردند، ... خدا چون با خیر و بصیر است هر چه بخواهد به اندازه نازل می‌کند، آن مقداری که می‌داند صلاح به حال ایشان، و دین و دنیای آنها است (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: نشر دارالکتاب، ج ۲، ص ۲۷۶، ۱۳۶۳)



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آموخته‌ها و آوازه‌ها

لازمه جهان مادی علاوه بر محدودیت، محرومیت از بعضی منافع است به عنوان مثال: آتش علی رغم همه فوایدی که بر آن مترتب است؛ اقتضای سوزاندن دارد. نمی‌توان انتظار داشت آتش در مواقع ضرر اثر سوزندگی خود را از دست بدهد و موجب رنج و اندوه نشود.

جزیی نگری به معنای در نظر نگرفتن نسبت بین دنیا و آخرت نیز می‌تواند موجبات مصیبت انگاری حوادث شود. اگر وضعیت افراد، در آخرت را در نظر بگیریم به راحتی حکم می‌کنیم؛ بلاهای دنیوی، در مقابل عذاب اخروی مصیبت و بلا محسوب نمی‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرمایند: اگر پاداش و نتیجه خیر مصیبت وارد بر خود را می‌دانستی، بدون هیچ شکی در می‌یافتی که سختی و مصیبت، در مقایسه با ثواب عظیمی که خداوند برای اهل تسلیم و صبر آماده نموده است، بسیار کوچک و حقیر است. (بحارالانوار، پیشین، ج ۷۴، ص ۱۶۴)

آرامش حقیقی راهی برای تحمل مصیبت

آدمی در موقعیت‌های گوناگون، برای دست یابی به خوشبختی، متوسل به اسباب مختلفی شده است. شرایط سخت از جمله موقعیت‌هایی است که تأثیر و نگرانی از دست دادن وضعیت مطابق میل تعادل روحی و جسمی را بر هم زده و برخی اوقات انسان به منظور بازگشت به شرایط مطلوب، در عوض روی آوردن به مأمّن واقعی به اسباب و علل غیر واقعی متوسل می‌شود که این پناهندگی جز افزایش اضطراب و آرامش کاذب چیزی به همراه نداشته (یونس/۷) لذا دلش به آسایشی کاذب، تسلی می‌یابد. (نجم/۳۰)

اما قرآن در ترسیم حوزه سعادت و خوشبختی با ذکر مؤلفه‌هایی، سخن از اطمینانی به میان می‌آورد که با بهره مندی انسان از این مؤلفه‌ها امکان رسیدن به آرامش حقیقی نه تنها امکان پذیر بوده بلکه سهل الوصول است. رهاورد این اطمینان تکیه زدن به پروردگاری است که پشتوانه



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آموخته‌ها و آوازه‌ها

محکم و عمیق معرفتی حاصل از آن سبب کنترل نظام نفس، اندک دیدن مشکل و غلبه انسان بر ناملایمات، می‌شود. چنانچه فرموده اند: اگر بنده تدبیر امور خود و زندگی خود را به مدبر اصلی آن یعنی خداوند متعال واگذار نماید، مصائب و سختی‌های دنیا بر او آسان و حقیر می‌گردد. (امام صادق علیه السلام بحارالانوار، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۴)

انواع تسلیت از منظر قرآن کریم

برخی اوقات میدین امتحان که برای دستیابی به موقعیت‌ها، طراحی شده‌است؛ در ذات خود برای انسان ناملایم است. این دغدغه‌های پیش از امتحان و دشواری خود آزمون و شکست احتمالی پس از آن، می‌تواند خاستگاه مصیبت زدگی انسان مورد سنجش باشد. لذا خداوند متعال در مصحف شریفش که از آن به عنوان تسلیتی عظیم یاد شده‌است؛ تسلی‌هایی با صور گوناگون، با توجه به سطح مخاطبین، حالات روحی افراد و نوع مصیبت، بیان کرده است که به شرح آن می‌پردازیم.

شیوه‌های تسلی خداوند به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

واضح است مقاطع گوناگون و جریانات متفاوت در حالات روحی پیامبر تأثیرات متفاوتی برجای گذاشته‌اند و دلایل حزن و تأثر آن حضرت متفاوت بوده است. لذا به تناسب وقایع، نوع تسلی خداوند نیز متفاوت و به شیوه‌های گوناگون بوده است.

شیوه اول در مواردی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به دلیل اینکه پیام الهی را تنها عامل واقعی حیات مردم می‌دانست (۲۴/انفال) لذا از بی توجهی افراد دچار اندوه شده و خداوند پیامبر را بر این بی توجهی تسلیت می‌دهد. (شعراء/۳)



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و ادیان سنت

شیوه دوم مربوط به موقعیت‌هایی است که پیامبر با وجود تلاش‌های طاقت فرسا در امر تبلیغ، دچار اندوه و ناراحتی می‌شدند. در این باره نیز خدای متعال قلب رسولش را تشفی داده و بر تأثیر او مرهم می‌گذارد. (هود/۱۲)

سومین نوع به مواردی مربوط است که نبی مکرم ﷺ از نگرانی مستور ماندن و از بین رفتن دین خدا و غلبه کفار بر دینداران محزون می‌شود. و خداوند قلب آن جناب را از تشویش و اضطراب رها می‌سازد؛ (غافر/۷۷) مفسر من وحی القرآن نیز در بیان آیه ۶۴ انفال، سخن خدا در اطمینان بخشی به پیامبر را آورده است. (فضل الله سید محمد حسین، پیشین، ج ۱۰، ص ۴۱۷)

انواع تسلی‌های خدا به پیامبر (تسلی به پیامبر با یادآوری شرایط پیامبران پیشین)

خدای سبحان از رسول گرامی ﷺ صبر و استقامتی برتر از همه پیامبران می‌خواهد، از این رو داستان پیامبران پیشین و مقاومت ایشان در برابر سختی‌ها را به آن حضرت یادآور می‌شود، که نه تنها مردم دعوت پیامبران خدا را اجابت نمی‌کردند، بلکه مقابل آن‌ها می‌ایستادند و آنان را می‌آزرندند. (انعام/۳۴)

تسلی به پیامبر با تعلیم شیوه مجادله و پاسخگویی

نوع دیگری از تسلی‌های خدا نسبت به رسول ارجمندش، القای کلام به آن جناب است که به طور معمول با لفظ "قل" ادا می‌شود. (۲۸/ملک) (۲۹/ملک) این آیات در حقیقت نوعی دلداری به پیغمبر اسلام ﷺ و مؤمنان است که تصور نکنند در این مبارزه گسترده حق و باطل، تنها هستند، بلکه خداوند بخشنده مهربان، یار و یاور آنها است.



دفتر علم و پژوهش مجلس شورای اسلامی
در آموزه‌های قرآنی و احکام سنت

تسلی به پیامبر با اعلام حمایت همه جانبه

در آیات دیگری از کلام الهی، پروردگار متعال به رسول گرامیش یادآوری کرده، خداوند با همه عظمتش پشتیبان او بوده و تمامی لشکریان خدا به اذنش، یاریگر اویند؛ (روبایهای مکرر، جلوه دادن سپاه اسلام در نظر کافران، نزول فرشتگان، باران به موقع، سفت شدن شنهای روان و...) به این ترتیب او را بر مشکلات تسلی بخشیده و با دادن وعده‌های متفاوت دلگرم می‌سازد. (۴۳/انفال). (۴۴/انفال) (۱۲/انفال)

تسلی به پیامبر با نزول تدریجی قرآن

نزول تدریجی قرآن بر قلب پیامبر می‌تواند یکی از دلایل، استحکام و تسلی ایشان در ناملایمات و مشکلاتی باشد که به تدریج با آنها مواجه می‌شده‌اند. (۳۲/فرقان) صاحب تفسیر نور در شرح این آیه، یکی از دلایل این نوع نزول را، پویایی ارتباط دین، با حوادث و مناسبت‌ها دانسته و نزول تدریجی را عامل ارتباط دائمی و مستمر پیامبر با سرچشمه وحی، و مایه‌ی استواری او در راه موانع رسالتش می‌داند. (قرائتی محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی در سهایبی از قرآن، ج ۶، ص ۲۵۲، ۱۳۸۳)

تسلی خداوند به سایر پیامبران علیهم‌السلام

خداوند متعال به صور مختلف و در شرایط متفاوت به رسولان برگزیده‌اش که بیش از سایر مردمان با شداید و ناملایمات مواجه شده‌اند تسلی داده‌است و در قرآن کریم آنها را برای تعلیم و تذکر بیان کرده‌است. بی توجهی به امر خداوند، سبب مصیبت زدگی آدم علیه‌السلام شد و او را دچار اندوه و تاجر شدید کرد؛ خدای متعال نیز با پذیرش توبه‌اش او را به دار کرامت و سعادت برگردانید؛ و سبب آرامش او را فراهم نمود. (۲۳/اعراف) (۳۸/بقره) در آیاتی دیگر علامه معتقد



دوستان بیرون ایران در آموزه لا اله الا الله

است به کار بردن کلام الهی " فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ " (۳۶/هود) توسط خدا تسلیتی است که به حضرت نوح داده شده است تا قلب شریف آن جناب را از تاثر و اندوهی که از دیدن اعمال کفار و رفتارشان با وی و با مؤمنین و از یادآوری خاطره‌های چندین ساله از آزار و اذیت کفار آکنده گشته سبک بار کند. همچنین بشارتی که از طرف خدا مبنی بر، سر بلند بیرون آمدن حضرت ابراهیم علیه السلام از امتحان الهی است؛ خبر مسرت بخش و تسلی بزرگی بر اندوه و ترس به انجام نرسیدن تکلیف الهی و تأثر قبل از، از دست دادن فرزند است.

داستان حضرت موسی علیه السلام را نیز می توان شاهدی بر امر تسلی خدا بر پیامبر خود در مسیر نشان دادن معجزه‌اش، دعوت فرعون به دین توحیدی و برتری معجزه حضرت بر سحر ساحران و نجات بنی اسرائیل از شر فرعونیان. (۴۵، ۴۶ طه) دانست. علامه در حقیقت واژه "لا تخافا" را تأمینی که با وعده نصرت همراه است دانسته و عبارت "إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأُرِي" را دلیل آن تأمین می‌داند که دیگر جایی برای ترس آنها باقی نمی‌ماند. در بخشی دیگر آیات قرآن کریم، در پی مکر کافران ضد حضرت عیسی علیه السلام خداوند به آن حضرت علیه السلام دلداری می‌دهد که نگران و ترسان از آینده نباشد؛ چرا که در نهایت حرکت پیامبران با برتری موحدان بر کافران رقم خواهد خورد. و این دلداری در بخش دوم آیه با یادآوری بازگشت مخلوقات به سمت خدای متعال، و اجرای بحق حکم او و در آیه بعدی با تذکر این نکته که ظلم ظالمان و انکار منکران در قیامت بدون پاسخ نخواهد ماند سبب تسلی بر انبیاء و اولیاء می‌شود. (۱۵۵/آل عمران)

تسلی خداوند به مؤمنان و مجاهدان

روشن است که مجاهده در راه خدا آکنده از سختی‌هایی است که انسان مؤمن باید آنها را با جان و دل بخرد، از محرومیت از لذایذ دنیوی گرفته تا اهداء جان شیرین به پیشگاه حضرت حق و



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آموخته‌ها و ادیان سنت

این معاوضه هنگامی برای انسان مطلوب است که عَوَضی اکمل، برای او به همرا داشته باشد. لذا در آیات مربوط به جهاد، به لحاظ کارکرد پاداش در تحمل شدائد، خداوند بی‌درنگ پس از مجاهدت در راه خدا از گونه‌های مختلف پاداش سخن به میان می‌آورد. تسلی با وعده پاداش الهی (توبه/ ۲۰-۲۱) (۷۴/ انفال) (۲۱/ توبه)، تسلی با وعده هدایت (۶۹/ عنکبوت)، تسلی با وعده نصرت برای مؤمنان (۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳/ صافات) از طرفی امیدواری و اطمینان به اینکه شخص مجرم و گناهکار تنبیه و عذاب خواهد شد و به کیفر اعمال و گفتار زشت و ظالمانه خود خواهد رسید؛ سبب تسلی افراد را فراهم می‌کند. (۹/ تحریم)

تسلی خداوند به عموم بندگان

دلاری و تسلی بخشی به افراد به شکل عام و مؤمنان به شکل خاص، سنتی الهی است که قرآن در آیات فراوانی به آن تصریح کرده است. خداوند متعال در آیه (۲/ طلاق) با توجه به جباریت خود همه انسان‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: هرکس از محرمات الهی بپرهیزد، و حرمت شرایع را حفظ نماید، برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات فراهم می‌گردد. همچنین قرآن با طرح زندگی مادران حضرت عیسی و حضرت موسی علیهم‌السلام " به تأثیر نقش تقوا در برون رفت از مشکلات زندگی پرداخته و با به نمایش گذاردن آرامش واقعی ایشان در نتیجه دل سپاری به خداوند متعال بر این حقیقت صحه می‌گذارد. (۱۸ الی ۲۴ مریم) و (۷/ قصص)

تسلی فرشتگان به پیامبران و مؤمنان

فرشتگان به عنوان مقربان عرش خداوند و مأموران او با نزول بر پیامبران و همراهی با ایشان به صورت‌های مختلف موجب آرامش و تسلی انبیای الهی و حتی گرویدگان به انبیا می‌شدند. (۲۸/ ذاریات) (۷۷/ هود) (۸۱/ هود) (فصلت/ ۳۰)



دفترتاسلامی پژوهش‌ها و تحقیقات در آموزه‌ها و آداب و سنن
تسلی پیامبر اعظم به پیروان

پیامبر ﷺ، به جهت بهره مندی از رحمتی خاص از جانب خدا نسبت به مردم، دارای منشی کریمانه بوده است که همین توجه و مهربانی، همواره سبب تسلی افراد در مشکلات و مسائل مختلف شده است. رسول گرامی اسلام در موقعیت‌های متفاوت مثل: عیادت، جنگ، مصیبت و حزن، همدردی و تسلی خود را نسبت به افراد ابراز می‌کردند. (طباطبایی، محمد حسین، سنن النبی، ترجمه حامد رحمت کاشانی، تهران، پیام عدالت، ص ۳۹) در آیه ۱۰۳ از سوره توبه نیز خداوند با امر به پیامبر مبنی بر دعای ایشان در حق مردم سبب آرامش آنها را فراهم می‌کند. همچنین ایشان در مواجهه با صاحبان عزا، شیوه و منش تسلیت گویی خاصی را رعایت می‌کردند که می‌تواند الگویی مناسب برای بیان تسلیت و اظهار ناراحتی باشد. (حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، مستدرک الصحیحین، دار المعرفه، ج ۳، ص ۲۷۳، بیروت، ۱۴۱۸ ق)

تسلی انسان به سایر افراد

فرد همدلی کننده به منظور کم کردن اثرات سوء مصیبت باید مؤدب به آدابی شود که تا حدودی موجبات تسکین فرد گرفتار را فراهم آورد. تسلیت به عنوان سنتی الهی راه کاری توصیه شده در قرآن است که می‌تواند رفتار شخص مصیبت زده را، به حالت تعادل نزدیک ساخته و او را نسبت به موقعیتش راضی نگه دارد. کلمه تعزیت مترادف با تسلیت بوده و "به معنای این است که شخص متالم را به صبر دعوت کردم و او نیز صبر پیشه کرد". (عاملی، زین العابدین بن علی، آرامش بخش دلها در مصیبت و بلاها، ص ۱۵۷، انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۲) در اهمیت توصیه به صبر و شکیبایی همین بس که قرآن کریم، تنها کسانی



دفتر تبلیغات، محمد حسین، پیشین، ج ۲۰، ص ۶۱۲

را که ضمن پذیرش ایمان، دعوت به حق و صبر می‌کنند در خسران نمی‌داند. (۳/عصر) علامه طباطبائی صبر را در این آیه برخورد با مصائبی می‌داند که تسلیم در برابر قضا و قدر الهی است. (طباطبائی، محمد حسین، پیشین، ج ۲۰، ص ۶۱۲)

از دیگر روش‌های تسلی بخش، آن است که عاقبت نیک و فرجام همراه با عافیت گوشزد شده و مصیبت زده را به آینده امیدوار کرد. یادآوری این مهم به مؤمنین، که آنها بعد از صبر بر مصیبت، شامل رحمت خاص و عام الهی قرار گرفته و از آن بهره مند می‌شوند و به این جهت هدایت می‌یابند برای آنها سبب تسلی است. نقش دلداری در فرد مصیبت‌زده آنچنان زیاد است که حتی دیدار شخص می‌تواند مصیبت‌زده را دلداری دهد. (محمدری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دفتر تبلیغات، ج ۶ ص ۳۰۸)

تسلی انسان به خودش

انسان لازمست، برای کسب آرامش در زندگی آگاهی‌ها و توانایی‌هایی (پاکزاد عبدالعلی، مقاله مهارت تحمل مرگ عزیزان در قرآن، مجله معرفت، ۱۳۸۹) را کسب کرده که به او قدرت دهد تا فشارهای روحی حاصل از شداید را کاهش داده و از آن کمال بهره را ببرد. این گونه از تسلی دادن، باید مهارت فرد شود یعنی بتواند به سهولت و به جا از آنها استفاده کند، اینگونه از مهارتها می‌تواند در حوزه افکار یا افعال یا اوصاف کسب شده و ظهور یابد.

مهارت‌های فکری

منظور مهارتی است که در جریان مواجهه با مصیبت بتواند فکر انسان مؤمن را با حداقل تأمل و حداکثر نتیجه، به تحمل و تحلیل مصیبت پیش آمده برساند. شناخت نسبی در مورد خدای متعال و عمق بخشی به آن در تسلی بخشی انسان به خویشتن در دامنه مهارت‌های فکری قابل توجه است.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آراء و مقالات

درک مالکیت خداوند

یکی از راهکارهای ارائه شده در قرآن برای تسلی بر مصائب، این است که خداوند در آیات متعددی به مالکیت خویش توجه داده است. علامه جوادی آملی در تفسیر آیه (۱۵۶ بقره) می‌فرماید: اگر انسان خردمند اقرار دارد که مالک حقیقی خداست و آنچه در اختیار بشر قرار دارد عاریه‌ای بیش نیست، بازگرداندن عاریه اندوهی ندارد و حتماً از جرع می‌پرهیزد و بردبار می‌شود. (جوادی آملی، عبدالله، پیشین، ج ۷، ص ۶۹۰)

درک معیت خداوند

دومین راهکار ارائه شده در قرآن برای اینکه انسان قادر بر شکیبایی در ناگواری‌ها باشد اینست که خود را در محضر باری تعالی دیده و او را شاهد بر اعمال خویش بداند. (۶۱/یونس). تنها درک معیت و حضور خدای تعالی است، که سال‌های سپری شدن در زندان را برای حضرت یوسف سهل و دلپذیر می‌کند (یوسف/۳۳) و رنج گفتار بدترین مردم از لحاظ منزلت را، برای حضرت یوسف هموار می‌سازد (۷۷/یوسف)

درک مشیت خداوند

شناسایی حقیقی آفرینش با توجه به علم محدود و نسبی آدمی به وقایع، ناقص می‌باشد لذا ایمان به تصریحات قرآنی، در زمینه حق بودن نظام کلی آفرینش از طرفی سبب ایجاد اطمینان نسبت به حکمت الهی شده و از طرف دیگر انسان را به این باور می‌رساند که مصیبت نیز که به عنوان یکی از اجزاء نظام هستی، است جز درستی و حق، نیست. (۷/انفال)



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی مجلس شورای اسلامی

درک عظمت الهی

تفسیر نمونه ذیل آیه " ۴۱/رعد" عظمت الهی را، در این آیه حول دو محور بیان می‌کند: آیه از طرفی به قانون "فنا" برای همه افراد می‌پردازد و از سویی دیگر سخن از حسابرسی دقیق به امور بندگان می‌کند. از این رو دقت در عظمت الهی تحمل شداید و ناگواری‌ها را برای انسان تسهیل می‌سازد. (مکارم، ناصر، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۵۱)

مهارت‌های فعلی

منظور از این مهارت، انجام اعمال و پرهیز از افعالی است که انسان را از درافتادن به مهلکه و گرفتاری حفظ کرده، یا او را از صحنه خطر و نیاز رهایی می‌دهد. کسب مهارت‌های فعلی به مقدماتی نیازمند است که از مهمترین این مقدمات می‌توان به نیایش به درگاه الهی نام برد.

یاد خدا و مناجات

انسان در طول زندگی بدون تردید به منظور گذر از موانع به روح توانمند نیاز دارد که توجه و یاد خدا سبب ایجاد قوت قلب و روح گشته که از مقدمات عملکرد دین مدارانه است. در این مقاطع به دلیل اینکه رفتار انسان با فطرتش همسو می‌شود انسان تسکین پیدا کرده و تشویش و نگرانی از دلش رخت برمی‌بندد. شاید بتوان گفت از همین رو انبیاء بزرگ الهی در تمامی حالات و مواقف، دست به دعا برداشته و از او طلب مغفرت می‌کردند. (۲۴/قصص)

تقوامداری

یکی از برجسته‌ترین مهارت‌های فعلی توصیه شده در قرآن، در هنگام مواجهه با بن بست‌ها، تقوامداری است. (طلاق/۲) عامل تقوا علاوه بر اینکه آدمی را برخوردار از همراهی و هدایت‌گری



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌های قرآنی و حدیثی

خدای متعال در تمامی مراحل زندگی می‌کند. (نحل / ۱۲۸) به مدد این همراهی، در هیچ زمانی احساس تنهایی نکرده و به اراده و عزمی جدی می‌رساند که توانش را در تحمل مشکلات افزایش داده و با استقبال از مشکلات به سیر در مسیر بندگی سرعت می‌بخشد. (آل عمران / ۱۸۶) حزن ممدوح و استرجاع نیز دو مهارت دیگری است که می‌توان با استمداد از آنها در تسلی به خود یاری رساند. حضرت امام کاظم علیه السلام در اهمیت استرجاع صبورانه می‌فرماید: تنها به واسطه صبر بر مصیبت و توجه به جایگاه خداوند متعال در هستی است که انسان از مصائب خویش بهره می‌برد. (حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ص ۴۰۳)

مهارت‌های وصفی

این دسته از مهارت‌ها، حالت و صفتی را در نفس انسان پدید می‌آورند که قدرت تحمل نامالایمات یا غلبه بر مصیبت‌ها را فراهم می‌سازد.

توکل

توکل از ثمرات تقوamداری بوده و جریانی است که می‌تواند اراده انسان را تسلیم اراده الهی گرداند. در حکمتی از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ضرورت توکل آمده است به یقین بدانید؛ خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت کوش و در طرح و نقشه نیرومند باشد؛ بیش از آنچه که در علم الهی وعده فرمود، قرار نخواهد داد، و میان بنده هر چند ناتوان و کم سیاست باشد و آنچه در قرآن برای او رقم زده حایل نخواهد گذاشت، هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد از همه مردم آسوده‌تر است و سود بیشتری خواهد برد. (نهج البلاغه، پیشین، حکمت ۲۷۳)

تسلیم و رضا

در علم اخلاق، تسلیم، انقیاد باطنی و اعتقاد و گرویدن قلبی در مقابل حق معنا شده است



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
موسسه پژوهشی و فرهنگی مجلس شورای اسلامی

(خمینی، روح الله، پیشین، ص/۴۰۲) تسلیم محض بودن اولیای الهی سبب می‌شود ایشان با مقایسه تصور کوچکی خود در مقابل بزرگی و عظمت خدا، خود را در مقابل اراده او فاقد اراده بدانند؛ سر تعظیم فرود آورده و با تکیه به خدای متعال، توان تحمل خویش را افزایش دهند. شاید بتوان گفت از همین منظر و مبتنی بر همین اصل، انبیاء و اولیای گرامی مهم‌ترین عنصر در تحمل مصائب و ناگواری‌ها را تسلیم امر خدا دانسته و نسبت به آن شکرگذار بوده‌اند. زراره می‌گوید: فرزندی از امام صادق علیه السلام در زمان امام باقر علیه السلام مریض شد. امام باقر علیه السلام کنار بستر آن بیمار نشسته بود و از او مواظبت می‌کرد. اتفاقاً آن کودک درگذشت. حضرت چشمان و دهان او را بست و فرمود: ما تا امر خدا فرود نیامده، بی‌تابی می‌کنیم، ولی هنگامی که امر خدا نازل شود واکنشی جز تسلیم نشان نمی‌دهیم.

در مجموع با توجه به مواردی که در بالا به آن اشاره شد می‌توان اصل ارتباط بین ملکات اخلاقی و فضایل نفسانی و تسلی یافتن بر خویش را بر دو محور زیر استوار دانست:
اصل اول) کسی که در برابر خواست خدا تسلیم و راضی است، معتقد است آنچه را خدا می‌خواهد، مصلحت و خیر اوست.

اصل دوم) آنچه خداوند با مشیت خود اراده کرده و به انجام می‌رساند بشر قدرت تغییر آن را ندارد.

آثار تسلیم

تسلیم دادن یا تسلی یافتن مانند هر عمل دیگری علاوه بر نتیجه و محصول مستقیم دارای آثار و پیامدهایی قابل توجه می‌باشد. محصول مستقیم تسلیم، همانا کاهش غم و اندوه می‌باشد اما



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌های قرآنی

تسلیت اظهار شده مبتنی بر قالب و محتوای خود و بنا به تکرار و تأکید در ابراز و توجه و تأمل در دریافت، می‌تواند برای تسلیت گیرنده، تسلیت دهنده، مشاهده کننده و سایر افراد مرتبط پیامدهای ماندگاری به همراه داشته باشد.

آثار تسلی در تسلیت دهنده

وظیفه آرامش بخشی برای تسلیت دهنده، تعهدی فرض شده است که او را در مسیر رعایت حقوق فرد مصیبت دیده، برخوردار از پیامدهای مثبت انجام تکلیف می‌کند. که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد.

۱) هر چه قدر شخص در ارتباط با رعایت حقوق دیگران متعهدتر گردد خداوند او را در مسیر معرفت، هر چه بیشتر هدایت کرده و در مجموع انسان به آرامش و سکینتی الهی دست پیدا خواهد کرد. (۴/فتح) این مهم سبب زدودن غفلت از انسان شده به طوری که او را در مقایسه با فرد مبتلا شکرگذار نعمات در اختیار، قرار می‌دهد چرا که خداوند متعال نعمتی را که به گروهی از انسان‌ها ارزانی داشته بود، به واسطه شاکر بودنشان به نعمت تبدیل کرد و مصیبتی را که بر گروهی دیگر نازل فرموده بود، به واسطه صابر بودنشان، به نعمت مبدل ساخت. (کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۲، ص ۹۲)

۲) تسلیت دادن مانند هر عمل ارزشی، با دارا بودن پشتوانه‌های معرفتی است که تحکیم و دوام می‌یابد در غیر این صورت ممکن است دستخوش سلايق مختلف شده و در حد یک همدردی صرف باقی بماند. امر به معروف و نهی از منکر عنوانی است بر چهارچوب وظیفه‌ای مهم و توصیه شده در شرع که در قبال هموعان بر عهده افراد قرار دارد.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آوران سنت

۳) همچنین اطمینان به برخورداری از رضایت و پاداش الهی در ازای عمل به وظیفه و تکلیف، در انسان تأثیری را بر جای می‌گذارد که او را در انجام وظیفه خویش مصمم و با نشاط می‌گرداند. آنجا که رسول خدا ﷺ درباره دلداری فرد مصیبت دیده می‌فرماید: هر کس مصیبت دیده‌ای را دلداری دهد، پاداشی همانند پاداش مصیبت دیده دارد، بی آنکه خدا از اجر صاحب عزا چیزی بکاهد. (کلینی، محمد بن یعقوب پیشین، ج ۳، ص ۲۰۵)

آثار تسلی در تسلیت گیرنده

شخص متأثر ممکن است در نتیجه عدم تعادل روحی و جسمی مناسب، واکنش‌هایی را از خود ظاهر کند که نتیجه هیجانات کنترل نشده، افسردگی، احساس یاس و نومیدی و... است. در این شرایط، نیاز به حمایت‌کننده‌ای که با ایجاد تمرکز نسبی بتواند افکار او را از دغدغه و پراکندگی برهاند، ضروری به نظر می‌رسد. چرا که هر گونه توفیقی در مسیر زندگی، ناشی از تمرکز است (معاونت تحقیق موسسه مطالعات راهبردی، نگرشی دیگر به مصیبت و بلا، مشهد مقدس انتشارات موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ص ۲۱، ۱۳۹۰) به این ترتیب در هنگام وقوع مصائب که افراد با محدودیت‌های متفاوتی مواجه می‌شوند؛ نتیجه امر تسلیت گویی باید تبدیل موقعیت ناگوار به فرصت ایجاد تمرکز باشد تا فرد بهره کافی را از شرایط به وجود آمده کسب کند. این مهم می‌تواند با یادآوری نعمات و ایجاد تذکر که به شکل گیری و افزایش مقاومت و در نهایت شرایطی که بتواند موجبات آرامش را برای فرد به همراه بیاورد امکان پذیر می‌شود. همچنین انجام اقداماتی که مصداق همدردی و دلجویی نسبت به مصیبت زده باشد می‌تواند برکسانی که شاهد و ناظر این صحنه‌ها هستند خصوصاً در نسل جوان، به حفظ فرهنگ و



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

آداب و رسوم یک جامعه کمک کند؛ علاوه بر این، می‌تواند به صورت پیش‌گیرانه توانایی مواجهه با مصیبت را در گروه شاهد تقویت نماید.

آثار تسلی در خانواده

خانواده، نخستین کانون رشد و آرامش بشری است که انسجام و همراهی بین اعضای آن از اهمیت بالایی برخوردار است. خانواده محلی است که تلاطم‌های روحی و تألمات جسم در آنجا به آرامش تبدیل می‌شود. افراد با همدلی از موهبت ارتباطی محبت‌آمیز از جانب خدا بهره‌جسته و بستری تسلیت‌دهنده در سراشیبی‌های زندگی برای افراد فراهم می‌کنند. خروجی این همراهی می‌تواند اعضاء را در مشکلات، استوار و در مسیر طاعت الهی حفظ نماید. پیوند با خویشاوندان و تسلی آنها در مشکلات نیز از شیوه‌های همدلی و راه‌های مهم رشد و تعالی و تقرب به خدای سبحان است. مصداق کامل "همراهی و همدلی با بستگان این است که پیش از اظهار آنها، نیازشان را برطرف و آنان را خوشحال سازد. (تسنیم، پیشین، جلد ۲، ص ۵۶۰) همچنین در وسیع‌ترین حالت می‌توان به مصائبی توجه کرد که بخشی از اجتماع یا سراسر جامعه را درگیر می‌نماید در چنین شرایطی آن اجزایی از جامعه که کمتر در معرض تأثیر بوده‌اند با ابراز همدردی یا گسیل کمک و یاری و پذیرش اقشار و گروه‌های آسیب‌دیده در میان خود که هر یک مصداقی از تسلیت در ابعاد اجتماعی می‌باشد، می‌توانند به مواجهه صحیح با عوارض منفی و نامطلوب مصائب کمک کنند.



مواجهه انسان با فراز و نشیب زندگی دیگران و یا مبتلا شدن به چالش‌های مختلف زندگی خود، می‌تواند آغازگر تفکری حرکت آفرین و یا تخیلی منزوی کننده باشد. لذا کسب پشتوانه‌های معرفتی در تلاش برای شناسایی دلایل به وجود آمدن مصائب و کوشش برای مواجهه صحیح و مناسب با مشکلات از اهمیت بالایی برخوردار گشته و به تفکر و نگرش انسان جهت می‌دهد. قرآن کریم به صراحت اعلام می‌دارد که واقعیت زندگی دنیایی انسان دارای دو مشخصه ابتلا و امتحان است؛ یعنی حتماً به بلا و مصیبت گرفتار خواهد شد و این ابتلا برای امتحان او است. در نتیجه باور و اعتقاد نسبت به این خبر قرآنی سبب می‌شود تا شناخت نسبت به مختصات امتحان، اعم از موضوعات، معیارهای آزمایش کننده، ویژگی‌های فرد امتحان شونده، شرایط آزمون، موانعی که بر سر راه ابتلا وجود خواهد داشت و... اهمیت یافته و مورد توجه قرار گیرد.

از این رو نتایج به دست آمده نشان می‌دهد دست یافتن به تسلی و کسب پشتوانه‌های معرفتی که آرامشی ماندگار به همراه دارد، از طرفی نیاز زندگی انسان و مقذور او بوده و از طرف دیگر مهمترین مؤلفه برای تحمل پذیرکردن شرایط نامطلوب زندگی و غلبه بر آثار و عوارض مصیبت‌ها می‌باشد. این اهمیت را قرآن کریم، گاه با تکیه بر قدرت لایزال الهی (حاکمیت، مالکیت) و گاه با استناد به فضایل اخلاقی در وجود انسان (تحمل، صبر و سکینت) و مواقعی با پرهیز دادن انسان نسبت به دشمنان (شیطان، هوای نفس) به انسان یادآوری و به این سبب موجبات دلداری و تسلیت او را فراهم می‌کند.



- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر
نهج البلاغه، شریف الرضی، محمدبن حسین، ترجمه محمد دشتی، قم، ۱۳۷۹
کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، کتاب فروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۶۹ق
پاکزاد، عبدالعلی، مهارت تحمل فقدان(مرگ) عزیزان در قرآن، معرفت، ۱۳۸۹، ش ۱۵۲
پاینده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه کلمات قصار حضرت رسول اکرم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۶۰
جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۹۲
جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸
جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت، ۱۳۷۶
حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، مستدرک الصحیحین، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۸ق
حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ق
حسینی زبیدی محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق
حقی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر
خاکی، غلامرضا، روش تحقیق در مدیریت، تهران: فوران، ۱۳۹۱
زحیلی، وهبه، المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق
شهیدثانی، زین العابدین، آرامش بخش دلها در مصیبت و بلاها، علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۲
طالقانی، سید محمود، تفسیر پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار ۱۳۶۲
طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۴
طباطبایی، محمد حسین، سنن النبی، تهران: انتشارات پیام عدالت
فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دارالملاک لطباعة و النشر ۱۴۱۹ق
قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: نشر دارالکتاب، ۱۳۶۳
قرائتی محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی در سهایی از قرآن، ج ۶، ص ۲۵۲، ۱۳۸۳
مقایس الغه، پیشین، ج ۳، ص ۹۱
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دفتر تبلیغات
مصطفوی حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸



دفتر نشر و آموزش عالی مجلس شورای اسلامی

- مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹
- معاونت تحقیق، نگرشی دیگر به مصیبت و بلاء، مطالعات علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۰
- محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت: ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۲، ص ۵۳
- میرزا خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ ق
- لسان العرب، پیشین، ج ۱، ص ۵۳



دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
آموزه‌ها و آراء و مقالات

مهارت‌های تدریس با اقتباس از قرآن کریم

دکتر علی غضنفری^۱

محمد مهدی خبیر^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش ۹۶/۱۱/۱۵

صص ۱۶۵-۱۳۹

چکیده

در زمینه تعلیم و تربیت می‌توان مهم‌ترین علت شکست نظریه‌های غربی را، مبتنی بودن آنها بر نگاه‌های غیر الهی و گرایش‌های غیر آسمانی دانست. از جمله بزرگ‌ترین غفلت‌هایی که در زمینه تعلیم و تربیت در جامعه مسلمانان صورت گرفته است، عدم توجه کافی در بازشناسی حوزه‌های مختلف تعلیم و تربیت از جمله در زمینه مهارت‌های تدریس می‌باشد. گرچه در خصوص مهارت‌های تدریس کارهای فراوانی از سوی دانشمندان صورت گرفته است؛ اما حاصل کار یا در نتیجه تحقیقات تجربی بوده و یا اگر از جانب دانشمندان مسلمان صورت گرفته براساس روایات انجام شده است. جنبه تمایز این نوشتار با تحقیقات صورت گرفته این است که نگارنده روش‌ها و مهارت‌های تدریس را با اقتباس از قرآن کریم انجام داده و مهارت‌های معلمی بر اساس زمان تدریس و شخصیت معلم دسته بندی کرده است. در

^۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ali@qazanfari.net

^۲. دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه میبد، kheibarmohammadmehdi@yahoo.com



دوفصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی در آموزه‌های قرآن و سنت

این پژوهش مهارت‌های تدریس شامل مهارت‌های قبل، ضمن و بعد از تدریس و شخصیت معلم شامل مهارت‌های تخصصی، شناختی، اخلاقی بیان شده است.

کلید واژه‌ها: تدریس، مهارت تدریس، کلاس‌داری، قرآن.

مقدمه

امروزه فعالیت‌های آموزشی، سهم زیادی از سرمایه‌ها و هزینه‌های دولت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. پرداختن به بحث تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن، از یک جهت پاسخ به یکی از دغدغه‌های مهم در زمینه اسلامی کردن علوم انسانی است. اسلامی کردن تعلیم و تربیت به معنای استفاده از منابع غنی دینی برای نظریه پردازی و تولید علم است. به عبارت دیگر؛ تعلیم و تربیت اسلامی شامل مجموعه اطلاعاتی است که از منابع اختصاصی دین (کتاب و سنت) استخراج شده باشند، که البته این معلومات باید نتایجی یقینی باشند که با روش‌های یقینی از منابع یقینی به دست آمده باشند. تحقق این امر از یک سو مستلزم بررسی منابع علمی معتبر و از طرف دیگر بررسی میزان درستی و نادرستی آن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، به عنوان مرجع دینی مطمئن برای پاسخگویی به تمامی نیازهای هدایتی بشر در همه اعصار می‌باشد.

تدریس در علوم مختلفی مانند روان‌شناسی، فلسفه، اخلاق و به طور عمده در حوزه تعلیم و تربیت بسیار مورد دقت و موشکافی قرار گرفته است. در این میان قرآن کریم با تعلیم رسولان و در مرتبه پایین‌تری تعلیم رسولان به مخاطبان‌شان و حتی در مراتب نازل‌تری در بین عموم مردم، به این امر مهم پرداخته است. در قرآن کریم نیز در ۶ آیه، مشتقات تدریس بکار رفته است و امر



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های قرآن و سنت

تدریس چنان با ارزش شمرده شده که راه ربانی شدن و خدایی شدن را، تعلیم و تدریس دائمی کتب آسمانی معرفی می‌کند. خداوند در سوره آل عمران آیه ۷۹ می‌فرماید: مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالتَّوْبَةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَآ كُنْ كُونُوا رَبَّانِينَ بِهِ مَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَ بِهِ مَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ. (هیچ بشری را نسزد که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد سپس او به مردم بگوید: «به جای خدا، بندگان من باشید.» بلکه [باید بگوید]: «به سبب آنکه کتاب [آسمانی] تعلیم می‌دادید و از آن رو که درس می‌خواندید، علمای دین باشید. به علاوه در بیان دینی و مکتب قرآنی ما، واژه تعلیم و آموزش به نوعی از ابتدای خلقت انسان مطرح شده بود وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا (بقره/۳۲) و خدا همه نام‌ها را به آدم پیاموخت.

یکی از ابزارهای مهم تدریس، مهارت‌های تدریس هستند که بر روابط بین انسان‌ها، اصلاح رفتار و انگیزش، تأثیر شگرفی دارند. این ابزارها آن چنان از حساسیت خاصی برخوردارند که کاربرد بجا و بموقع آن، متضمن آثار مثبت و سازنده و کاربرد نابجای آن‌ها، رفتارهای منفی و مخرب را در پی خواهد داشت. «هر استاد برای بالا بردن کیفیت تدریس و یادگیری فراگیران، علاوه بر استفاده از طرح نظام یافته درس، لازم است از مهارت‌هایی که تحت عنوان مهارت‌های تدریس نامیده می‌شوند، در تدریس کلاسی بهره گیرد». (رتوفی، محمد حسین، ص ۶۷)



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

۱- انواع مهارت‌ها بر اساس زمان تدریس: مهارت‌های تدریس با توجه به زمان اجرای فعالیت‌های آموزشی به سه دسته مهارت‌های قبل از تدریس، ضمن تدریس و بعد از تدریس تقسیم می‌شوند. در ادامه به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱- مهارت‌های قبل از تدریس: مهارت‌های قبل از تدریس، در ارتباط با مجموعه فعالیت‌هایی است که معلم قبل از رفتن به کلاس آن‌ها را انجام می‌دهد. صفوی این مهارت‌ها را به اجزاء زیر دسته بندی کرده است: «۱. تعیین هدف درس جدید ۲. تعیین رفتار ورودی ۳. کارهای مقدماتی قبل از شروع تدریس ۴. آماده سازی ۵. ارزشیابی». (صفوی، امان الله (۱۳۸۶)، کلیات روشها و فنون تدریس (متن کامل)، ص ۲۵۷) در ادامه به بررسی هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱- تعیین هدف درس جدید: اهداف آموزشی به سه دسته اهداف کلی، اهداف جزئی و اهداف رفتاری تقسیم می‌شوند:

۱-۱-۲- الف. اهداف کلی: انتخاب و یا تدوین اهداف کلی به مشخص کردن محدوده محتوای مورد بحث کمک می‌کند و چون با وجود اهداف کلی، معلم می‌تواند برای تدریس هر جلسه از درس خود محدوده خاصی را در نظر داشته باشد، بنابراین خودبخود محتوی به‌طور صحیحی از ساده به پیچیده مطرح شده و در هر جلسه معلم به قسمتی خاص از آن پرداخته و از تداخل مطالب با یکدیگر جلوگیری می‌کند. برای نمونه در قرآن کریم، در زمینه خلقت، یک هدف کلی مطرح شده است و اهداف دیگر هر کدام به نوعی بدان برمی‌گردند. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزش و آوران سنت

ب.اهداف جزئی: اهداف جزئی از آن نظر مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرند که اهداف کلی به خودی خود و به دلیل مبهم و کلی بودنشان نمی‌توانند به راحتی مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین لازم است اهداف کلی را به اجزای کوچک‌تر و خردتری که همان اهداف جزئی هستند تقسیم نمود تا با صراحتی که در آن‌ها مطرح است آموزش را قابل اجرا نمود. مانند امر به رعایت تقوا در آیات: *وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ* (بقره/۴۸)؛ *وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ* (بقره/۱۹۴)

ج.اهداف رفتاری: اینگونه اهداف عبارتند از رفتار و یا عملی که بروز آن از فراگیر انتظار می‌رود؛ بصورتی آن فعل قابل مشاهده باشد. با تأمل در آیه: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ* (بقره/۱۸۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه داشتن بر شما مقرر شد، هم چنان که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند مقرر شده بود، تا پرهیزگار شوید. ملاحظه می‌شود که تقوا یک هدف جزئی است که روزه، هدف رفتاری آن محسوب می‌شود.

۱-۱-۲- تعیین رفتار ورودی: رفتار ورودی شامل آموخته‌ها و توانایی‌هایی است که شاگرد قبل از شروع درس جدید، باید آن‌ها را کسب کرده باشد تا بتواند درس جدید را فرا گیرد. در آیه: *قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ...* (حجرات/۱۴) عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! ...» خداوند مهربان شرط ورود به وادی ایمان را تسلیم قوانین اسلام بودن معرفی کرده است.



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

۱-۱-۳- کارهای مقدماتی قبل از شروع تدریس: هر معلمی قبل از شروع تدریس باید از حضور و غیاب دانش آموزان آگاهی حاصل کند و مطمئن شود که آنان از نظر سلامت روانی و جسمی برای شروع درس آمادگی دارند. در ادامه به مهم‌ترین کارهای مقدماتی اشاره می‌شود.

الف. حضور و غیاب: حضور منظم دانش آموز در کلاس کلید موفقیت آنان بشمار می‌رود. حضور یابی و وقت شناسی در مدرسه به ویژگی‌های رشد شخصیتی مثل احترام، مسئولیت پذیری و صداقت مربوط می‌شوند با دقت در آیه: وَ تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (نمل/۲۰) و جویای حال پرندگان شد و گفت: «مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم؟ یا شاید از غایبان است؟ می‌توان دریافت که حضرت سلیمان علیه السلام به حضور و غیاب اهمیت می‌داده است.

ب. جایگاه معلم در کلاس درس: جای معلم در کلاس می‌تواند تأثیر زیادی در کارایی او داشته باشد. تسلط و نظارت بر تمام کلاس موجب می‌شود تا سایر نقاط کلاس به منطقه تحت کنترل دانش آموزان تبدیل نشود. از ماجرای حضرت سلیمان علیه السلام و موجودات تحت نظارت وی بدست می‌آید که سلیمان در چنان جایگاهی قرار گرفته بود که بر آنان اشراف داشته است؛ زیرا از بین تمامی موجودات تحت مدیریت وی، غیبت هدهد را به خوبی توانسته تشخیص دهد.

۱-۱-۴- آماده سازی: معمولاً پس از انجام کارهای مقدماتی و قبل از ارائه درس جدید معلم باید طی مقدمه‌ای دانش آموزان را برای توجه و یادگرفتن درس آماده سازد و در آنان انگیزه و شوق آموختن ایجاد کند. یکی از وظایف مهم معلم در کلاس درس، ایجاد انگیزه و علاقه به یادگیری است. انگیزه، تمایل به انجام کار (رابینز، استیفن. پی (۱۳۷۴)، مترجمین: پارسائیان، علی؛



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آئینه پژوهش‌های قرآنی

اعرابی، مدیریت رفتار سازمانی، ج ۱، ص ۱۹) و نوعی عامل و نیروی درونی است که رفتار فرد را موجب می‌شود و در جهت معین سوق می‌دهد و او را آشکارا به فعالیت خاصی وا می‌دارد. (شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۷)، دیدگاه‌های روان‌شناختی مصباح یزدی، ص ۵۹)

در قرآن کریم به این نیاز روحی توجه خاصی صورت گرفته است و استفاده از تشویق و تحریض را به عنوان عامل برانگیزاننده میل و اراده مخاطبین، در سر لوحه برنامه آموزشی خود قرار داده‌است. خداوند در قرآن به پیامبر اسلام ﷺ امر می‌فرماید که: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال/ ۶۵) ای پیامبر! مؤمنان را به کارزار برانگیز، اگر از شما بیست تن شکیبیا باشند بر دویست تن پیروز می‌گردند و اگر از شما صد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌شوند زیرا آنان گروهی هستند که در نمی‌یابند.

۱-۴-۱- روش‌های ایجاد انگیزه: از آنجا که هوش و استعداد تحصیلی به‌عنوان دو عامل اساسی در پیشرفت تحصیلی، کمتر تحت تأثیر معلم یا مربی واقع می‌شود، سعی بر آن است که با افزایش انگیزه دانش‌آموزان، حداکثر بهره‌وری از هوش صورت گیرد. در ادامه به برخی روش‌های ایجاد انگیزه اشاره می‌شود.

۱-۴-۱-۱- تشویق: یکی از روش‌هایی که قرآن برای ایجاد انگیزه در انسان از آن بهره برده، روش تشویق است. برای نمونه خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که هنگام گرفتن زکات از مردم، آنان را تشویق کند: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (توبه/ ۱۰۳) از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و



دفتر مطالعات و پژوهش‌های دینی و فرهنگی
در آموخته‌ها و آوان‌سنت

پاکیزه‌شان سازی، و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است، و خدا شنوای داناست. «این آیه نشان می‌دهد که حتی در برابر انجام وظائف واجب باید از مردم تشکر و تقدیر کرد و مخصوصاً از طریق معنوی و روانی آن‌ها را تشویق نمود». (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ج ۸، ص ۱۱۸)

۱-۱-۴-۱-۲- بیان هدف درس: «انگیزه وقتی حاصل می‌شود که علم آموز، هدف مطلب را تشخیص دهد. از سوی دیگر، هدف هر مطلبی پاسخ به نیازی است و اگر نیاز را کشش روحی به سوی یافتن چیزی در خودش بدانیم، به محض احساس این کشش درونی توسط علم آموز، زمینه فهم درس فراهم می‌شود». (واسطی، عبدالحمید راهنمای تدریس با اقتباس از نگرش اسلام به علم و علم آموزی، ص ۶۵) به عنوان نمونه رسیدن به تقوا، انگیزه‌ای برای روزه گرفتن مطرح شده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

۱-۱-۴-۱-۳- پرسش: با ایجاد پرسش به عنوان نماد نیاز، می‌توان بین مطلب درسی و هدف آن رابطه برقرار کرد و از این راه انگیزه علم آموز را برای مشارکت هر چه بیشتر در فرایند تدریس دو چندان کرد. مانند نخستین آیه سوره مبارکه البناء که خداوند می‌فرماید: **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (النبأ/۱)** از همدیگر از چه می‌پرسند؟

۱-۱-۴-۱-۴- بیان کاربردها و ضرورت فراگیری درس: «حتی سخت‌ترین یا کم جاذبه‌ترین درس‌ها نیز در صورتی که اهمیت و کاربرد آن‌ها به خوبی تبیین شود، مخاطبان بسیاری خواهند یافت». (واسطی، عبدالحمید ص ۱۱) به عنوان نمونه خداوند برای ترغیب مردم به دعا کردن، ضرورت دعا را: **قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ... (فرقان/۷۷)** و کاربرد آنرا: **وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي**



وَفَضَّلْنَا بِرُؤُوسِهِمْ فِي الْأَعْيُنِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْهِمُ الْكُتُبَ وَالْحِزْبَ
عَنْيَ فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره/۱۸۶)

معرفی می‌کند.

۱-۱-۵- ارزشیابی تشخیصی: اگر معلم از میزان معلومات و مهارت‌های شاگردان خود مطلع نباشد، ممکن است پیچیدگی مطالب آموزشی را بدون توجه به توانایی‌ها و قابلیت‌های شاگردانش انتخاب کند و نمی‌توان از شاگرد انتظار داشت که مفهوم درس جدید را بفهمد. خداوند قبل از آدمیان، آنها را نوعی ارزشیابی اولیه کرده و در این رابطه می‌فرماید: **وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (اعراف/۱۷۲)** و [به خاطر بیاور] زمانی را که پروردگارت از صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود): «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگوئید: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)»

۱-۲- مهارت‌های ضمن تدریس: در برگیرنده فعالیت‌هایی است که معلم به هنگام تدریس در کلاس انجام می‌دهد. این مهارتها را می‌توان به بخشهای زیر تقسیم نمود:

۱-۲-۱- اجرای آزمون رفتار ورودی: آزمون رفتار ورودی وسیله‌ای است که میزان آگاهی دانش آموز را در رابطه با آنچه باید بیاموزد، می‌سنجد. این نوع ارزشیابی از طریق سؤال صورت گیرد برای مثال خداوند متعال در مورد قرار دادن انسان به عنوان خلیفه بر روی زمین از ملائکه نظر خواهی می‌کند. تذکر این نکته ضروری می‌نماید که اگرچه خداوند از ضمیر ملائک با خبر است، با این حال برای شناخت سطح دانسته‌هایشان، بدین صورت طرح مسئله می‌کند: **وَ إِذْ قَالَ**



دوستان عزیزان! این را آموزه اول است

رَبُّكَ لِلْمَلَأَنَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ
نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره/۳۰)

۱-۲-۲- برقراری ارتباط: «عمده‌ترین مسئله و مهم‌ترین مهارت ضمن تدریس، برقراری ارتباط صحیح بین معلم و شاگردان است؛ چنانچه این رابطه به خوبی برقرار شود، هدف‌های آموزشی با کیفیت و سهولت بیشتری تحقق می‌یابند». (صفوی، امان الله، روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس، ص ۲۶۸) به عنوان نمونه، در سوره مبارکه ضحی که پس از دوره فترت وحی بر پیامبر عظیم الشان نازل شده (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۷، ص ۹۵)، به خوبی می‌توانیم تفقد و دلجویی خداوند متعال را نسبت به پیامبر بزرگ اسلام دریابیم، به طوری که آیات این سوره از نظر محتوا و نظم آهنگ بسیار دلنواز و روح افزا و آرامش بخش است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالضُّحَى (۱) وَالْأَيْلِ إِذَا سَجَى (۲) مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (۳) وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى (۴) وَ لَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵) أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى (۶) وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (۷) وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى (۸) فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹) وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰) وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

۱-۲-۳- تمرکز بخشی: یکی از وظایف مهم معلم این است که عوامل مخمل را با مهارت‌های ویژه‌ای برطرف سازد. مهارت تمرکز بخشی از جمله فنونی است که برای جلب توجه دانش آموزان و تمرکز بخشیدن به حواس آن‌ها به کار می‌روند. در زیر به معرفی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۲-۳-۱- توجه به نقش صدا و بیان معلم: «ممکن است دو نفر یک موضوع را با دو صدای مختلف ارائه کنند اما اثر آن‌ها در یادگیری متفاوت باشد؛ بنابراین صدا نقش مؤثری در ایجاد



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آموزه لاوان سنت

ارتباط بین معلم و دانش آموز دارد که توجه به آن، میزان بهره گیری از فرایند آموزشی را افزایش می دهد». (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۷، ص ۹۵) این امر در داستان حضرت موسی و هارون چنین بیان شده است: وَ أَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (قصص/۳۴) و برادرم هارون زبانش از من فصیح تر است؛ او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند؛ می ترسم مرا تکذیب کنند! و بیان روان، از عوامل مؤثر در تدریس موفق شمرده است.

۱-۲-۳-۲- توجه دادن کلامی و غیر کلامی: «با استفاده از ارتباط کلامی و غیر کلامی، می توان توجه دانش آموزان را به سخنان معلم جلب کرد». (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۷، ص ۹۵) نمونه توجه کلامی و غیر کلامی در قرآن کریم، فراوان به کار رفته است که در ادامه از هر کدام یک مورد بیان می شود؛

توجه کلامی: وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (لقمان/۱۳) و لقمان به پسرش گفت- و او را پند می داد- که: ای پسرک من، به خدا شرک میاور، زیرا شرک ستمی است بزرگ. حضرت لقمان در صدد موعظه پسرش، سخن خود را با « یا بُنَيَّ » آغاز می کند و این حاکی از میزان اثر گذاری توجه کلامی به شاگردان در حین تدریس می باشد.

توجه غیر کلامی: قَالَ يَا بَنُ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَمْ تَرْقُبُ قَوْلِي (طه/۹۴) گفت: ای پسر مادرم، چنگ به ریش و سر من مینداز. من



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و آداب سنت

ترسیدم که بگویی: تو میان بنی اسرائیل جدایی افکندی، و گفتار مرا رعایت نکردی. هر چند در این آیه، توجه غیر کلامی از نوع خشن و جدی آن می‌باشد، اما به هر حال می‌تواند دلیلی بر تأثیر عوامل غیر کلامی در گفتار باشد.

۱-۲-۳-۴- ایجاد تنوع در برقراری رابطه بین افراد کلاس: «معلم با ایجاد تغییر در شکل رابطه متقابل بین افراد کلاس، می‌تواند توجه دانش آموزان را به جریان تدریس جلب نماید. در کلاس درس معمولاً روابط زیر می‌تواند ایجاد شود: رابطه معلم با شاگرد - رابطه معلم با شاگردان - رابطه شاگرد با شاگرد - رابطه شاگرد با شاگردان - رابطه گروهی از شاگردان با گروه دیگری از شاگردان». (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۷، ص ۲۷۵ - ۲۷۴) در آیات بسیاری از قرآن کریم، در قالب صنعت التفات به این مهم پرداخته شده است.

۱-۲-۳-۵- سکوت: «سکوت نیز یکی از فنونی است که می‌تواند حواس دانش آموزان را به تدریس تمرکز بخشد». (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۷، ص ۲۷۵) فلذا گاهی باید در برابر بی نظمی شاگردان سکوت کرد، آنچنان که حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ در برابر آن قوم سرکش، چاره کار را در سکوت می‌بیند و می‌فرماید: «فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ أَنْسِيَا» (مریم/۲۶) بنابراین معلم می‌تواند در پاسخ به سؤال دانش آموز و در حساس‌ترین جای سخن، که نیاز به تأمل بیشتری دارد، از سکوت آنی و مقطعی برای ایجاد توجه و تمرکز بیشتر در مخاطب، استفاده ببرد.



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

۱-۲-۳-۶- به کارگیری حواس مختلف: «معلم با توجه به موضوع درس و در نظر گرفتن

موقعیت می‌تواند از حواس بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی و چشایی استفاده کند و از این طریق نیز توجه دانش آموزان را به درس جلب نماید». (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۷، ص ۲۷۵)

۱-۲-۴- آماده سازی: هدف از آماده سازی، عبارت است از متمرکز نمودن حواس دانش

آموزان، معرفی ضمنی و غیر مستقیم موضوع درس، ایجاد علاقه، انگیزه و کنجکاوی در دانش آموز برای یادگیری مطلب جدید. (تک فلاح، داوود (۱۳۹۰)، کاربرد مهارت های تدریس و روانشناسی در آموزش قرآن، ص ۱۴۳) با بررسی آیات ابتدایی سوره مبارکه یوسف، خداوند متعال جهت تبیین اهمیت قصه حضرت یوسف علیه السلام، آماده سازی ذهن مخاطب و ایجاد انگیزه در وی، نقل داستان را با نکات مهمی آغاز می‌کند: نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِهٖ مَا أُوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَٰذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (یوسف/۳) ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق این قرآن- که به تو وحی کردیم- بر تو بازگو می‌کنیم؛ و مسلماً پیش از این، از آن خبر نداشتی! مواردی که خداوند برای آماده سازی مخاطب قبل از شروع داستان حضرت یوسف علیه السلام بیان کرده، عبارت‌اند از: خداوند قصه گوست: نَحْنُ نَقُصُّ؛ بهترین داستان است: أَحْسَنَ الْقَصَصِ؛ بر اساس وحی است. به ما أُوْحَيْنَا؛ در شنیدن این داستان شما و پیامبر یکسانید؛ چرا که پیامبر امی نیز قبل از نزول وحی، نسبت به داستان حضرت یوسف علیه السلام بی‌خبر و ناآشنا بود «مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ»

۱-۲-۵- جمع بندی: «آن دسته از اعمال یا گفتار معلم که بوسیله او طراحی شده‌اند یا

می‌شوند تا ارائه مطلب درسی را به پایان مناسب رساند، نتیجه گیری یا جمع بندی می‌گوییم». (فایضی، علی (۱۳۹۰)، روانشناسی تدریس و تعلیم برای تربیت، ص ۱۶۰) از این دست نتیجه گیری



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و ادیان سنت

و جمع بندی در بسیاری از سوره‌های قرآن کریم قابل مشاهده است. به عنوان نمونه در اواخر سوره یوسف خداوند متعال پس از نقل قصه آن حضرت، با هدف جمع بندی می‌فرماید: ...إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (یوسف/۹۰) «هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود)؛ چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!»

۱-۲-۶- برقراری انضباط در کلاس: مدیریت کلاس درس عبارت است از هنر به کار بردن دانش تخصصی و بهره‌گیری از مهارت‌های کلاس‌داری در هدایت دانش آموزان به سوی هدف‌های مطلوب و مورد نیاز دانش آموزان و جامعه. (رثوفی، محمد حسین (۱۳۸۰)، مدیریت رفتار کلاسی، مشهد، ص ۳۹) و هدف از آن، علاوه بر ایجاد نظم و آرامش در کلاس، یک محیط مثبت، شاد و موکد داشته باشیم... هدف مهم دیگر این است که شاگردان چگونگی مدیریت رفتار خود را یاد بگیرند». (مرتضوی زاده، سید حشمت‌الله (۱۳۸۷)، راهنمای تدریس (فنون و مهارتها)، ص ۱۴۶)

به گفته صاحب تفسیر نمونه شرایط اساسی یک مدیر در آیه ۲۶ سوره مبارکه قصص، از زبان یکی از دختران شعیب بیان شده است. قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِي الْأَمِينُ (قصص، ۲۶) یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)!» ایشان در این باره می‌نویسد: «در جمله کوتاهی که در آیات فوق از زبان دختر شعیب در مورد استخدام موسی آمده بود، مهم‌ترین و اصولی‌ترین شرایط مدیریت به صورت کلی و فشرده خلاصه شده بود: قدرت و امانت.



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آموزش عالی و ادیان و مذاهب

۱-۲-۷- پژوهش در عمل (Action Research): یکی از مهارت‌های ضمن تدریس را می‌توان پژوهش در عمل دانست. کلاس درس، پژوهش ویژه خود را می‌طلبد که محور اساسی آن باید تغییر و تحول در کلاس درس و فرایند یاددهی - یادگیری باشد. « پژوهش در عمل در زمره روش‌های تحقیق توصیفی است و هدف آن توصیف شرایط با پدیده‌های مربوط به نظام آموزشی است». (آقا زاده، محرم ۱۳۸۵)، راهنمای روش‌های نوین تدریس بر پایه پژوهش‌های مغز محور، ساخت‌گرایی یادگیری از طریق همیاری، فراشناخت و . . .، ص ۲۰۲) در اقدام پژوهی، با اینکه اصول و مبانی تحقیق علمی رعایت می‌شود، اما پژوهشگر در صدد تعمیم دادن یافته‌ها و نتایج تحقیق خود نیست. به عبارت دیگر؛ تعمیم پذیر بودن یا نبودن نتایج پژوهش، چندان مورد توجه نیست؛ بلکه هدف حل یا کاهش مسائل و مشکلات در یک موقعیت محلی خاص است. یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (مائده/۱۰۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ و شما را از آنچه عمل می‌کردید، آگاه می‌سازد. آیه اگر چه مسئله حسابرسی مستمر از خود را مطرح می‌کند، اما آنچه به بحث ما مربوط است؛ موضوع بررسی شرایط موجود و شناختن موانع و معایب جهت رسیدن به شرایط مطلوب است؛ که این عمل خود نوعی پژوهش در عمل تلقی می‌شود. می‌توان از این مطلب الگوبرداری کرده و در سطح کلاس از آن بهره برداری نمود.^۱

^۱. برای مطالعه بیشتر رک: مک نیف، جین؛ لوماس، پاملا؛ وایتهد، جک (۱۳۸۴)، اقدام پژوهی (طراحی، اجرا، ارزشیابی)، مترجم: آهنچیان، محمدرضا، تهران، انتشارات رشد، پنجم.



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آموزش عالی و دانشگاه

۱-۲-۸- تهیه کارنما: از دیگر مهارت‌های ضمن تدریس، استفاده از کارنما است. کارنما، یکی از فنون مؤثر در ارزشیابی میزان تسلط یادگیرندگان بر مفاهیم درسی است. در کتاب راهنمای روش‌های نوین تدریس در تعریف کارنما چنین آمده: «کارنما مجموعه‌ای از کارهای دانش آموزان است که تلاش، پیشرفت کار و پیشرفت تحصیلی او را نشان می‌دهد. کارنما پنجره‌ای است به اندیشه و ارزیابی، شیوه‌ها یا سبک‌های یادگیری دانش آموزان و نتیجه‌ای که از تفکر و یادگیری آنان حاصل می‌شود». (آقا زاده، محرم ۱۳۸۵)، ص ۲۱۴) در آیه وَ جَعَلُوا الْأُمْلَئِكَهَ الَّذِیْنَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمٰنِ اِنَّا اَوْ شَهِدُوْا خَلَقَهُمْ سَتَكْتُبُ شَهِادَتُهُمْ وَ یَسْئَلُوْنَ (زخرف/۱۹) خداوند خبر می‌دهد که گواهی‌ها و گفته‌ها در نزد خداوند ثبت می‌شود.

۱-۳- مهارت‌های بعد از تدریس: «مهارت‌های بعد از تدریس به آن دسته از فعالیت‌هایی گفته می‌شود که معلم پس از انجام تدریس بایستی به کار گیرد». (خنیفر، حسین ۱۳۸۳)، روش‌ها و فنون تدریس، صص ۱۲۱ - ۱۲۰) «ارزشیابی برای آن است که معلم از کیفیت کار خود پس از تدریس و همچنین از پیشرفت جمعی و فردی دانش آموزان آگاه گردد». (صفوی، امان الله ۱۳۸۶)، صص ۲۶۷) به عبارتی نقش ارزشیابی در امور انسانی (بر خلاف امور طبیعی) آن است که امکان حرکت اعتلایی را برای آدمی مهیا می‌سازد. بدین ترتیب، به گفته وکیلان «اساساً تدریس با پایان کار کلاس به اتمام نمی‌رسد و همانگونه که عرصه درس، ریشه در اطلاعات و یافته‌های پیشین شاگردان دارد، در نگاه نخست، مقدمه اطلاعات و آموزش‌های بعدی شاگردان نیز قرار می‌گیرد و مهم‌ترین اقدام در این مرحله ارزشیابی است». (خنیفر، حسین ۱۳۸۳)، ص ۱۸)



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آموخته‌ها و توان سنت

۱-۳-۱- ارزشیابی: آخرین حلقه از فعالیت‌های آموزشی معلم و تکمیل کننده سایر فعالیت‌های اوست. ارزشیابی بهترین راه به نمایش گذاشتن تفاوت‌ها و لیاقت‌هاست. «در رویکردهای نو به آموزش و پرورش، ارزشیابی به مثابه یکی از ابزارهای اساسی و ارزنده برای کیفیت بخشی یادگیری و معنادار کردن آموخته‌های دانش آموزان به کار گرفته می‌شود. امروز ارزشیابی در حال خروج از ملاک‌های کمی اندازه گیری پیشرفت و ورود به عرصه ملاک‌های کیفی اندازه گیری است. هر آنچه علم آموزش و پرورش غنی تر می‌شود، لزوم توجه به ماهیت یادگیری دانش آموزان و نحوه تجلی یادگیری‌های آنان در عمل بیشتر می‌شود.» (آقا زاده، محرم ۱۳۸۵)، ص ۲۱۳

۱-۳-۱-۱- اصول ارزشیابی: ارزشیابی از شاگردان اصولی دارد که تخلف از آن می‌تواند نتایج را کم اعتبار یا بی اعتبار جلوه دهد. در زیر به برخی از اصول ارزشیابی در کلاس درس اشاره می‌شود.

۱-۳-۱-۱-۱- توجه به تفاوت‌های فردی: وجود تفاوت‌های فردی از قبیل تفاوت در هوش، استعداد و تجربیات قبلی دانش آموز و تفاوت در علایق افراد نسبت به موضوعات علمی و درسی گوناگون موجب می‌شود تا دانش آموزان از موفقیت و پیشرفت تحصیلی یکسانی برخوردار نباشند؛ از این رو، روش ارزشیابی مناسب آن است که پیشرفت هر فردی با خودش مورد مقایسه قرار گیرد. وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِنَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِهِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (مائده/۴۸) و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد، ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. پس در کارهای نیک بر



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموزه‌ها و آداب سنت

یکدیگر سبقت گیرید. بازگشت [همه] شما به سوی خداست آن گاه در باره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان خواهد کرد. بنا بر این آیه، معیار آزمایش هر کس، به میزان داده‌ها و امکانات اوست. «لِيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ»

۱-۳-۱-۱-۲- تنوع در ارزشیابی: نکته دیگر استفاده از روش‌های ارزشیابی متنوع است. کاربرد روش‌های شفاهی، روش‌های متنوع کتبی و عملی متناسب با توانایی خاص، با در نظر گرفتن محدودیت‌ها در بیان شفاهی و یا کتبی، توجه دیگری در این زمینه به شمار می‌رود. در آیه: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرٍ الصَّابِرِينَ (بقره/۱۵۵) قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! مصادیق ارزشیابی انسان‌ها متنوع بیان شده است.

۱-۳-۱-۱-۳- اصلت کیفیت نه کمیت: در آیه... لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا... (هود/۷) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است؛ ارزش هر انسانی را به «حسن عمل» او مربوط می‌داند نه به کثرت و فزونی. همین مطلب حاکی از آنست که اسلام در همه جا روی «کیفیت» عمل تکیه می‌کند نه روی کثرت و کمیت عمل.

۱-۳-۱-۱-۴- سرعت عمل: در ارزشیابی، سرعت عمل یک امتیاز و ارزش محسوب می‌شود. در جریان آوردن تخت بلقیس توسط جنیان، حضرت سلیمان عليه السلام، به کسی رخصت آوردن تخت را می‌دهد که زودتر بتواند این کار را انجام دهد. «أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل/۴۰)



دوفصلنامه پژوهش‌های آموزشی در آسوزه‌خانه‌ها و مراکز

۱-۳-۱-۱-۵- مستمر بودن: با توجه به مضارع بودن فعل «لِیَبْلُوكُمْ» در آیه ... لِيَبْلُوكُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا... (هود/۷) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است. که دال بر استمرار است، می‌رساند که در الگوی قرآن، ارزشیابی به صورت مستمر در نظر گرفته می‌شود. بنابراین شیوه ارزشیابی در طول فرایند یاددهی-یادگیری، هر چه به این الگو نزدیک‌تر باشد، بهتر است.

۳-۲- انواع مهارت‌ها بر اساس شخصیت معلم: این مهارت‌ها، به مهارت‌هایی اطلاق می‌شود که معلم بدون در نظر گرفتن زمان تدریس (قبل، ضمن و بعد از تدریس) به آن‌ها نیاز دارد. به طور کلی تدریس را زمانی می‌توان موفقیت آمیز دانست که فراگیران در کمترین زمان، بیشترین یادگیری را داشته باشند و این در گرو داشتن مهارت‌هایی است که معلمان باید با کسب آن‌ها، کیفیت تدریس خویش را افزایش دهند. در این پژوهش، مهارت‌های معلمی بر اساس شخصیت معلم به سه حیطه تخصصی، شناختی، اخلاقی دسته بندی شده‌است.

۳-۲-۱- مهارت‌های تخصصی: مهارت‌های تخصصی عبارت از مجموعه توانایی‌هایی است که معلم برای ایفای صحیح وظایف مربوط به تدریس نیازمند آن‌ها می‌باشد. برای اینکه معلمان در انجام فرایند تدریس موفق باشند، باید دارای برخی مهارت‌های تخصصی باشند؛ که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۲-۱-۱- داشتن تفکر خلاق: «تفکر خلاق دارای دو مرحله است: ۱. پیش بینی آینده و پیش گیری از موارد نا مطلوب ۲. طراحی آینده و ایجاد زمینه برای دستیابی به ایده آل‌ها. سیستم و مدلی که بتواند موقعیت‌های آتی را پیش بینی و عملکرد خود را تنظیم کند تا مبتلا به بحران نشود و



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آسوزه‌خانه‌ها و مراکز علمی

رشد خود را ادامه دهد، زاینده یک تفکر خلاق است». (واسطی، عبدالحمید، ص ۱۰۷) برخی آیاتی که انسان را به تفکر خلاق دعوت می‌کند، عبارت‌اند از:

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نُّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال/۵۳) این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و خدا شنوای داناست.

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَأْمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف/۹۶) و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.

۳-۲-۱-۲- داشتن تفکر سیستمی: واسطی در تعریف شبکه می‌آورد: «یک شبکه مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف واحد در تلاش‌اند». (واسطی، عبدالحمید، ص ۸۹) علی‌علاوه بند نیز شناخت کل شبکه را، نیازمند فهم و درک اجزا و عناصر متشکله آن و روابط و کنش‌های متقابل اجزا و میان کل و اجزا ضروری می‌داند. و در اینصورت در یک شبکه، یک جزء بدون اجزاء دیگر نمی‌تواند مؤثر عمل نماید. بنابراین مقصود از این مهارت آن است که معلم باید با تلاش و سعی فراوان، علاوه بر آگاهی از عناصر موضوعات تدریس، رابطه میان آن‌ها را همچون اجزاء به هم پیوسته ای که ارتباط به هم وابسته ای دارند، بتواند تبیین نماید و در مرحله عمل آن‌ها را پیاده کند.



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و ادیان سنت

به عنوان نمونه در سوره مبارکه بقره از موضوعات گوناگونی سخن به میان آمده است؛ اما اگر به دیده تأمل و تعمق در آیات آن بنگریم، موضوع محوری و اساسی این سوره حول مفهوم تقوا است. به سخن دیگر، هر گروه از آیات به مثابه عناصری از یک سیستم می‌باشند که گویی وظیفه تشریح مفهوم تقوا را بر عهده دارند. به برخی از این عبارات اشاره می‌شود:

الف. هدایت: ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره، ۲) آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است.

ب. قصاص: وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره/۱۷۹) و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید

ج. روزه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره/۱۸۳) ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید.

۳-۲-۱-۳- طراحی الگوریتم درسی: طراحی الگوریتم یا نموداری کردن مطالب در هر علمی، کیفیت یادگیری را چندین برابر کرده و با این مهارت علاوه بر رفع سردرگمی مخاطب، سازماندهی اطلاعات پراکنده و سرعت در مراجعه و یادآوری موجب افزایش نشاط وی در یادگیری خواهد شد. اصولاً اگر می‌خواهیم یک تدریس کاربردی و موفق داشته باشیم، باید بتوانیم برای هر مطلبی از درس، یک الگوریتم طراحی کنیم. تقسیم بندی آیات قرآن کریم در قالب سوره را می‌توان نوعی الگوریتم سازی یا ساختار بندی مفاد تدریس دانست.



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب اسلام

۳-۲-۲- مهارت‌های شناختی: معلم باید قبل از تدریس نسبت به موضوع درس خود مخاطب

روش‌ها شناخت کافی داشته باشد.

۳-۲-۳- مهارت‌های اخلاقی: وقتی جامعه‌ای از معنویت، اخلاق و آداب اسلامی تهی باشد،

زوال آن حتمی و اجتناب ناپذیر است. اسلام عزیز پیام آور گرامی‌اش را به داشتن اخلاق پسندیده ستوده و فرموده وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم/۴) و مسلماً تو بر شیوه (اخلاقی) بزرگوارانه‌ای هستی و سبب موفقیت او در انجام رسالتش را اخلاق خوش و مهربانی او دانسته که فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ... (آل عمران/۱۵۹) به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند.

۳-۲-۳-۱- نیت: «اولین نکته قابل توجه در حوزه معرفتی، مسئله‌ای فراگیر و عام نسبت به

تمامی انسان‌ها و تمامی فعالیت‌های انسانی است و آن عبارت است از اخلاص در نیت در همه شؤون زندگی. دو امر تعلیم و تربیت که از مهم‌ترین فعالیت‌های بشری تلقی می‌گردند، نیز از این امر مستثنی نیستند؛ چرا که در غیر این صورت نتیجه اعمال ابتر و نارس بوده، هیچ ثمر خیری برای انجام دهنده آن متصور نخواهد بود». (الف، ف (امیدوار)(۱۳۸۶)، اخلاق تدریس، ص ۲۳-

(۲۲)

يَا قَوْمِ لَأَسْأَلَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَىٰ الَّذِي فَطَرَنِي أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ (هود/۵۱) «ای قوم من،

برای این [رسالت] پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم. پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده



وَفَضَّلْنَا مُحَمَّدًا عَبْدًا وَمُتَمِّعًا لِنَبِيِّنَا وَأَوَّلَ آدَمَ خَلْقًا

است، نیست. پس آیا نمی‌اندیشید؟ «باید گفت اخلاص کلید جذب مردم است». (اسماعیل پوردره، مهدی (۱۳۹۰)، قرآن و متولیان فرهنگی برگرفته از تفسیر نور، ص ۵۵)

۳-۲-۳-۲- شروع تدریس با نام خدا: اولین دستوری که پیامبر از جانب خدا دریافت کرد، این بود که سخنش را با نام خدا شروع کند: اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (علق/۱) بخوان به نام پروردگارت که آفرید. کار فرهنگی باید با نام خدا و برای خدا باشد... به علاوه، حضرت سلیمان عليه السلام وقتی ملکه سبا را به ایمان فرا خواند، دعوتنامه خود را با نام خدا آغاز نمود. إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (نمل/۳۰) «این آیات به ما می‌آموزند که کار فرهنگی، باید با نام خدا آغاز شود». (اسماعیل پوردره، مهدی (۱۳۹۰)، همان، ص ۵۶)

۳-۳-۲-۳- درخواست توفیق از خداوند: «اراده کارها از ماست؛ ولی توفیق از خداست؛ پس باید آخرین تلاش‌ها را بکار ببریم، اما بدانیم که موفقیت بدست خداست». (اسماعیل پوردره، مهدی، ص ۵۷) قَالَ يَا قَوْمِ... إِنَّ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ... (هود/۸۸) گفت: «ای قوم من... من قصدی جز اصلاح تا آنجا که بتوانم، ندارم، و توفیق من جز به خدا نیست...».

۳-۲-۳-۴- انابه: «توکل زمانی نتیجه بخش است که در کنار تلاش باشد و مصلح باید اهل توکل و انابه باشد». (اسماعیل پوردره، مهدی، ص ۶۱) خداوند در قرآن کریم از زبان پیامبران می-فرماید: قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِّنْ رَبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَيْتُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ... تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود/۸۷)



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و آداب سنت

۳-۲-۳-۵- توکل و توسل: «برای موفقیت در انجام وظیفه، بر هر انسان به طور عام و بر یک معلم به طور خاص فرض و لازم است که دائماً در حال ارتباط با خالق یکتا باشد و بر او توکل نموده، از او مدد گیرد و عاجزانه درخواست توفیق تأثیر گذاری نماید تا بدین صورت با یک حامی بی نظیر با قدرت به سوی مقصد پیش رود». (الف، امیدوار، ص ۲۸-۲۷) چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنْهَمُ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (نساء/۶۴) و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند. و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند.» «این آیه صریحاً می‌گوید که آمدن به سراغ پیامبر ﷺ و او را بر درگاه خدا شفیع قرار دادن، و وساطت و استغفار او برای گنهکاران مؤثر است، و موجب پذیرش توبه، و رحمت الهی است». (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۳، ص ۴۵۱)

۳-۲-۳-۶- دعا: «وقتی حضرت موسی به رسالت الهی مأمور شد، دست به دعا برداشت و چهار خواسته را از خداوند طلب نمود: سعه صدر، شرایط آماده، بیان روان و داشتن وزیر». (اسماعیل پور دره، مهدی، ص ۶۲-۶۱) قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵) وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶) وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي (۲۷) يَقْفَهُوا قَوْلِي (انشرح/۲۸) گفت: «پروردگارا، سینهم را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز و از زبانم گره بگشای سخنم را بفهمند.»

۳-۲-۳-۷- استقامت: «معلمی که در مسیر هدایتگری قرار گرفته است باید بداند وظیفه‌ای که بر عهده گرفته، وظیفه‌ای سخت و پرمشقت است؛ بنابراین برای رسیدن به موفقیت باید اقتدا به



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های قرآن و حدیث

رسول گرامی کرده، بسیار استقامت نماید؛ چنان که خداوند متعال به رسولش فرموده: فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (هود/۱۱۲) پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]، و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست». (الف، ف (امیدوار)، ص ۳۸)

۳-۲-۳-۸- حسن ظنّ به متعلّم: «یکی از صفات لازم برای یک معلم، داشتن نگاهی خوش بینانه، محبت آمیز و دور از هر گونه سوء ظنّ نسبت به متعلم ستیزه جو و لجباز خویش است. خداوند با چنین دیدی، حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام را به سراغ فرعون می‌فرستد؛ و به موسی می‌فرماید شاید فرعون طغیان گر، متذکر شده و خشوع پیدا کند: اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه/۴۴-۴۳) به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گوئید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.

۳-۲-۳-۹- پاکي و آراستگي: بر دعوتگر مکتبی واجب است که به خوبی و پاکیزگی لباس در جوّ حادّ مکتبی توجه داشته باشد و این درست نیست که به بهانه درگیر بودن در مبارزه اجتماعی از توجه به ظاهر خود غافل بماند و باید این را بداند که کردار و رفتار و وضع ظاهری او همه در نزد بعضی از مردم مقیاس و دلیلی بر شخصیت و در نتیجه بر رسالت او محسوب می‌شود. خداوند به پیامبرش نیز توصیه می‌کند که: وَ ثِيَابِكَ فَطَهِّرْ (مدثر/۴) و لباس خویشتن را پاک کن.



دفتر مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و علوم اسلامی

نتیجه

از نگاه قرآن کریم انسان مجموعه‌ای از استعداد‌های بالقوه است که برای به فعلیت در آوردن این استعدادها و توانایی‌ها، نیازمند تعلیم و تربیت است. آنچه هدف تعلیم و تربیت اسلامی است حقیقت جوئی و حصول رستگاری است و این مساله جز از طریق مهارت‌های تدریس قرآنی در کنار روش‌های تدریس حاصل نمی‌شود. از نگاه قرآن، چون رشد عقلانی به موازات رشد اخلاقی صورت می‌گیرد و به تعبیری این دو لازم و ملزوم یکدیگرند، بنابراین لازم است در کنار روش‌های تدریس، از مهارت‌های تدریس قرآنی نیز بهره برد.

منابع

قرآن کریم

- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، دار الفکر، بیروت، اول.
- اسماعیل پوردره، مهدی (۱۳۹۰)، قرآن و متولیان فرهنگی، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، دوم.
- آقا زاده، محرم (۱۳۸۵)، راهنمای روش‌های نوین تدریس (بر پایه پژوهش‌های مغز محور، ساخت گرای یادگیری از طریق همیاری، فراشناخت و . . .)، نشر آبیژ، تهران، دوم.
- آقا زاده، محرم (۱۳۷۸)، راهنمای کاربردی روش‌های نوین تدریس (برای آموزش و کار آموزی)، نشر آبیژ، تهران، اول.
- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد (۱۴۱۵ ق)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، تحقیق: شاهین، محمد علی، دار الکتب العلمیه، بیروت، اول.
- به پژوه، احمد، نقش‌های معلم، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند، شماره ۲۶۰، ۱۳۸۰، صص ۴۵ - ۳۶.
- تک فلاح، داوود (۱۳۹۰)، کاربرد مهارت‌های تدریس و روانشناسی در آموزش قرآن، تلاوت، تهران، دوم.
- حوی، سعید (۱۴۲۴ ق)، الاساس فی التفسیر، دار السلام، قاهره، ششم.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۳)، روش‌ها و فنون تدریس، نشرهاجر، قم، اول.
- رابینز، استیفن پی (۱۳۷۴)، مدیریت رفتار سازمانی، مترجمین: پارسائیان، علی؛ اعرابی، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، اول.



دفتر مطالعات پژوهشی و آموزشی در امور اسلامی و قرآنی

- رئوفی، محمد حسین (۱۳۸۰)، مدیریت رفتار کلاسی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، اول.
- زنگنه، بهرام (بی تا)، انواع مهارت‌های تدریس، انتشارات دانشگاه آزاد ایران، تهران، اول.
- شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۷)، دیدگاه‌های روان شناختی مصباح یزدی، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، دوم.
- صفوی، امان الله، روش‌ها (۱۳۸۲)، فنون و الگوهای تدریس، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، اول.
- صفوی، امان الله (۱۳۸۶)، کلیات روشها و فنون تدریس (متن کامل)، انتشارات معاصر، تهران، سیزدهم.
- الف، ف (امیدوار) (۱۳۸۶)، اخلاق تدریس، دفتر نشر معارف، قم، دوم.
- فایضی، علی (۱۳۹۰)، روانشناسی تدریس و تعلیم برای تربیت، نشر فرهنگ آوران، تهران، چاپ اول.
- قائمی، علی (۱۳۶۳)، شناخت، هدایت و تربیت، انتشارات شفق، تهران، اول.
- مرتضوی زاده، سید حشمت الله (۱۳۸۷)، راهنمای تدریس (فنون و مهارت‌ها)، نشر عابد، تهران، اول.
- مک نیف، جین؛ لوماس، پاملا؛ وایتهد، جک (۱۳۸۴)، اقدام پژوهی (طراحی، اجرا، ارزشیابی)، مترجم: آهنگیان، محمدرضا، انتشارات رشد، تهران، پنجم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، تهران، اول.
- نور محمدی، علی (۱۳۷۸)، آداب گفتگو و سخنوری، انتشارات فروزان، بی جا، اول.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۸۹)، راهنمای تدریس با اقتباس از نگرش اسلام به علم و علم آموزی، انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد، اول.
- وکیلان، منوچهر (۱۳۹۰)، روشها و فنون تدریس، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، نهم.
- هارتنی، الیزابت (۱۳۹۰)، مدیریت فشار عصبی معلمان، مترجم: هیرادفر، پریچهر، انتشارات صورتگر، ۱۳۹۰ تهران، اول.



دفتر علم و پژوهش مجلس شورای اسلامی
دوره آموزش و آشنایی با قرآن و حدیث

جاذبه قرآن با تاکید بر پاسخ به نیازهای بشر

محمد مهدی عصاریان^۱

تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش ۹۶/۱۱/۱۵

صص ۱۹۲-۱۶۷

چکیده

توجه به این نکته ضروری است که انسان همیشه در طول تاریخ به دنبال کسب پاسخ برای نیازهایش بوده است؛ گاهی این نیاز تامین معاش و امنیت خانواده است، و گاهی تعالی روحی و فکری. خداوند متعال برای هدایت انسان ها از سه عامل استفاده کرده است: الف) پیامبران را با بیان روشن و معتدل و معجزات به سوی انسان ها گسیل می‌دارد. ب) انسان ها را به مشکلات گرفتار می‌سازد تا به لحاظ روحی متوجه درگاه خدا شوند. ج) در هم شکستن بت‌ها و خدایان ساختگی تا نشان دهد که آنها در جهان تأثیری ندارند.

در خصوص نیازهای اجتماعی انسان باید به چندین نکته توجه و دقت داشته باشیم:

الف- انسان اساساً موجودی اجتماعی است. ب- برای زندگی اجتماعی، انسان نیازمند تعامل دوسویه و متقابل است. ج- جوامع ناگزیرند برای زندگی بهتر قوانینی را وضع نمایند. د- آرامش یک جامعه در گرو عمل به قوانین اجتماعی است. ه- بشر نیاز دارد تا قوانین فطری

^۱ کارشناس ارشد علوم قرآن



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت‌خانه، تهران

بر اجتماعش حاکم باشد. و- انسان الهی در جامعه تنها به خود و منافع شخصی خویش نمی اندیشد. ز- قرآن به بهترین شکل انسان اجتماعی را برای تعامل در جامعه آماده می‌سازد. این مجموعه‌ای از تمامی نیازهای بشر برای زندگی سعادت‌مند و متعالی است که در قرآن بیان شده و مسیر هدایت بدرستی برای او روشن گردیده است.

کلیدواژه: جاذبه های قرآن، نیازهای بشر، پاسخگویی قرآن

مقدمه

انسان موجودی است که به دلیل پیچیدگی‌های موجود در خلقتش نیازمند برنامه‌ای منسجم و نظام یافته برای زندگی می‌باشد.

برای هدف خلقت انسان با لحاظ طبیعت و سرشت وجود وی، سه مرتبه طولی می‌توان بر شمرد؛ یعنی انسان بر پایه توان و استعداد وجودی‌اش می‌تواند به برترین مرتبه هدف خویش دست یابد و نیز با عدم حرکت و تلاش در اولین مرحله هم گام نگذارد.

- ۱- عبادت خداوند سبحان
- ۲- عبودیت یعنی حیات انسان باید بستر احیای روح بندگی و وصول به مقام عبودی در برابر خداوند سبحان باشد که عبادت زمینه عبودیت است.
- ۳- مظهر ربوبیت و ولایت حق (رک: جواد آملی، تفسیر موضوعی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۷۵ تا ۱۷۷)



دفتر مطالعات و پژوهش‌ها
در امور اسلامی و قرآنی

قرآن به عنوان کتابی عمیق و شگرف برنامه‌ای جامع برای تمامی نیازهای انسان در بر دارد. به عبارت بهتر قرآن تمامی نیازهای انسان در هر عصر و زمانی را برای او به ارمغان آورده و او را به سوی یک زندگی سعادت‌مند راهنمایی می‌کند.

قرآن مجید مشتمل است بر هدف کامل انسانیت و آن را به کامل‌ترین وجهی بیان می‌کند. زیرا هدف انسانیت که با واقع بینی سرشته شده، جهان بینی کامل و به کار بستن اصول اخلاقی و قوانین عملی است که مناسب و لازمه همان جهان بینی باشد و قرآن مجید تشریح کامل این مقصد را به عهده دارد. (دامن پاک مقدم، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶)

خداوند بزرگ و مهربان در آغاز سخن و گفتارش خود را به رحمت و رحمانیت ستوده و از میان تمام صفات کمالش تنها این صفت را برای آغاز سخنش انتخاب نموده است، زیرا همان صفت رحمت خداوند است که موجب گردیده تا پیامبران را به سوی بشر بفرستد و قرآن را به آن‌ها نازل کند، پس بسیار بجا و سزاوار است که قرآن با رحمانیت خداوند شروع شود و این کتاب با صفت رحمت آغاز گردد. (خوبی، ۱۳۵۴، ص ۵۷۵)

قرآن کریم در آیات بسیاری عوامل و زمینه‌های صلاح یا فساد افراد و جوامع را مورد اشاره قرار داده و تابلوی بدیعی را از انسان‌ها و جوامع مختلف به تصویر کشیده است.

بی‌شک تدبیر و مطالعه در این گونه آیات می‌تواند در رهنمون ساختن امت اسلامی و آحاد آن به سوی رشد و تعالی و نجات از گرداب فساد و انحطاط نقشی موثر و کارآمد ایفا نماید. (محمد قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷)

در مجموع قرآن کتابی است انسان ساز و حاوی برنامه هدایت و سعادت بشری که محدود به زمان و قومیت خاصی نمی‌شود. قرآن را بدون شک باید جذاب‌ترین برنامه ارائه شده برای سعادت بشری دانست که هرگز بشر خود قدرت ارائه چنین برنامه‌ای را نداشته و نخواهد داشت.



دفتر مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و علوم قرآنی
انسان و اصلاح اجتماعی:

قرآن اصلاحات اجتماعی را ریشه یابی کرده است. مهم‌ترین روش‌های قرآن برای سالم سازی محیط اجتماعی از مفاسد اخلاقی، عبارتند از:

- ۱- ریشه یابی انحرافات
 - ۲- دگرگونی ارزش‌های و اعتقادات
 - ۳- اصلاح تدریجی
 - ۴- امر به معروف و نهی از منکر
 - ۵- بهره جستن از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف
 - ۶- بازگذاشتن راه صحیح و مشروع پیش از ممنوعیت‌ها
 - ۷- حفظ حریم میان زن و مرد
 - ۸- شدت عمل در برابر انحرافات
 - ۹- طرد عوامل فساد و تباهی
 - ۱۰- نشان دادن راه حق بعد از محو باطل (محمد قاسمی، پیشین، ص ۱۳۲ تا ۱۵۱)
- می‌بینیم که نیروی محیر العقول آیه‌های قرآن، با اولین برخورد، مردمان عرب را ناگاه به دو بخش تقسیم نمود؛ بخشی را جذب و بخشی را دفع نمود و آن بخش جذب شده نیز به دو دسته تقسیم شدند؛ دسته اول جذب و تسلیم و نهایت فداکاری و دسته دوم جذب منهای تسلیم و بعلاوه انکار و لجاجت و نهایت عداوت، و بخش دفع شده نیز به دو دسته تقسیم شده‌اند:
- دسته‌ای در حال گریز، چشم و گوش خود را بسته‌اند و فریاد می‌کشند: ای مردم سر و صدا کنید تا کسی نوای تلاوت آن آیه‌ها را نشنود «لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ- فصلت / ۲۶» و دسته دیگر در حال فرار و دور از صحنه به هذیان و یاوه سرایی می‌پردازند و می‌گویند تلاوت



دوفصلنامه پژوهش‌های فلسفی و فقهی در آموزه‌های امام‌زادگان و سنت

کننده آن آیه‌ها ساحر و شاعر و دیوانه و کاهن است. انسان عصر جدید را می‌تواند در دو حوزه بسیار مهم، متمایز از انسان عصر قدیم دانست:

۱- در حوزه شناخت‌ها

۲- در حوزه تکنولوژی (کلاتری، ۱۳۸۹، ص ۴۷)

در حقیقت انسان امروز به واسطه پیشرفت‌های غیر قابل مقایسه با گذشته، عنصری متفاوت شده است؛

چه در بعد فردی و چه در بعد خانوادگی و به ویژه اجتماعی.

توجه به این نکته ضروری است که انسان همیشه در طول تاریخ به دنبال کسب پاسخ برای نیازهایش بوده است؛ حال در دوره‌ای این نیازها تامین معاش و امنیت خانواده بوده است، و در دوره‌ای تعالی روحی و فکری.

انسان در عصر اولیه زندگی قطعاً به دنبال مؤلفه‌های علمی و تمدنی نبوده است و تنها زندگی راحت مادی را برای خود و خانواده‌اش جستجو می‌کرده است. اما بشر در طول تاریخ رفته رفته به سوی رشد علمی و فکری پیش رفته است.

مهمترین لحظه در جریان رشد عقلانی که موجب پیدایش شکل‌های صرفاً انسانی هوش عملی و انتزاعی می‌شود زمانی است که گفتار و فعالیت علمی به هم می‌رسند. (ویگوتسکی، ۱۳۷۸، ص ۴۱)

انسان در این مرحله می‌تواند تحت تأثیر عوامل ژنتیکی ویا محیطی قرار گرفته باشد و رفتار خود را بر اساس قوانین و سنت‌های حاکم محیطی تعریف و مدیریت کند.

خصیصه ویژه ادراک انسان (که در سنین آغازین بروز می‌کند) ادراک اشیای واقعی است. (همان، ص ۵۱) این ادراک نیز متأثر از نوع نگاه خانواده و محیطی اجتماعی خواهد بود؛ بدان گونه که نوع



دوستان عزیزان! بیایم در آموزه اولان سنت

ارتباط پدر و مادر در سنین آغازین شناخت عاطفی کودک را تحریک می‌کند و در دو انشفاق مثبت و منفی ادراک حسی کودک را جلو می‌برد.

طبیعی است که منافع بشر در هر دوره زمانی حرف اول را زده‌است و انسان کوشیده تا تنها منافع خود را تأمین کند. و باز طبیعی است که برای تأمین منافع، گاهی اخلاقیات به خطر می‌افتند و انسان پا را از دایره ارزش‌ها فراتر می‌گذارد. برخی نیز معتقدند انسان روی طبیعت اثر می‌گذارد، آن را تغییر می‌دهد و برای خود شرایط طبیعی تازه زیستی فراهم می‌سازد. (ویگوتسکی، پیشین، ص ۷۲)

عوامل سرنوشت ساز در تربیت انسان از دید قرآن عبارتند از:

۱- روش الگویی

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ..... (ممتحنه / ۴)

۲- موعظه

.....فَتَوْبُوا إِلَىٰ بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ.... (بقره / ۵۴)

۳- مهرورزی، محبت و عطوفت

يَبْنِي اذْهَبُوا فَتَحَسَّنُوا مِنْ يُوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَأْيِسُوا مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ..... (يوسف / ۸۷)

۴- عبرت آموزی

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ... (روم / ۹)

۵- تشویق و تنبیه

.....فَإِن تَابَا وَ أَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا(نساء / ۱۶)

۶- تمرین و عادت دادن یا مداومت عمل (مه‌دوی راد، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵ تا ۱۴۸)

تربیت انسان همان چیزی است که از آن به نیاز بشر تعبیر می‌کنیم.



دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و ادیان مسرت

قرآن به عنوان کتابی انسان‌ساز و نسخه شفابخش هدایت بشر به خوبی این نیاز را تشخیص داده و با زبان‌های مختلف و به کمک ابزار گوناگون تلاش نموده این مهم را به انجام رساند. آرامش قلب و اطمینان باطن، غایت و نهایت نیاز انسان است که پس از اصلاح و پس از تحقق تربیت الهی انسان به این مرحله یعنی آرامش درونی دست می‌یابد.

در همین راستا مفسران آثار آرامش قلب را اینگونه دسته بندی کرده‌اند:

از دیداد ایمان

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ... (فتح ۴)

عنایت خداوند

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي (فجر / ۲۹ و ۳۰)

اقرار به توحید

..... فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا هَا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا (كهف/ ۱۴)

انابه

..... قُلْ إِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ (رعد/ ۲۷)

پیروزی

..... وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (آل عمران/ ۱۲۶)

هدایت

قُلْ إِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ (رعد/ ۲۷)

ثبات قدم

..... وَيَذْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيَمَيِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (انفال / ۱۱)



دفتر نشر و مکتب‌خانه مجلس شورای اسلامی
دولت اسلامی ایران

قدرت

.....إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (قصص ۷) (همان، ص ۳۷۷ و ۳۸۷)

پس از بحث در خصوص هدایت و تربیت انسان به عنوان مهمترین نیاز معنوی بشر که قرآن به خوبی به آن پرداخته است، نوبت به بحث از ابعاد تربیت عبادی در انسان می رسد. تربیت عبادی اساساً چیزی است که رشدیافتگی انسان در مسیر پروردگار و تعالی به سمت بندگی می تواند نام گیرد.

ابعاد تربیت عبادی در قرآن از دیدگاه استاد رضایی اصفهانی عبارتند از؛

۱- عبادت عقلانی

..... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران/

(۱۹۱)

۲- عبادت جسمانی

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحَدِّثُ الْآخِرَةَ وَ يُرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ (زمر/۹)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (حجر/۹۸)

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (حج / ۷۷)

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ يُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ (اعراف/ ۲۰۶)

۳- عبادت اجتماعی، سیاسی

الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ ءَاتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ... (حج/ ۴۱)

وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (حج / ۲۷)

رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۹۸ و ۹۹)



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های اخلاق و انسان‌شناسی

استاد رضایی همچنين مبانی تربیت عبادی در قرآن را اینگونه تبیین کرده است؛

۱- خدامحوری نظام خلقت؛

إِنَّ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَانَ عَبْدًا (مریم / ۹۳)

۲- فقر زادی انسان؛

يَأْيُهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر / ۱۵)

۳- مدبر بودن خداوند؛

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ (روم / ۴۰)

۴- مکلف بودن انسان؛

وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (مومنون / ۶۲)

۵- هماهنگی تعالیم قرآن با فطرت؛

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا... (روم / ۳۰)

۶- مختار بودن انسان؛

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان / ۳)

۷- توجه به کرامت انسان؛

وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ... وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء / ۷۰) (رک: همان، ص ۸۸

تا ۹۱)

در مجموع این مباحث ذکر چند نکته مهم به نظر می رسد:

الف- تربیت عبادی خدا محور است.

ب- در این نظام تربیتی، جبری در کار نیست.

ج- تفکر و اندیشه در این تربیت رکن اساسی و مهمی را داراست.

د- تدبیر الهی نظام جامعی برای تربیت پیش روی بشر ترسیم می نماید.



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و ادیان سنت

در رابطه با آسیب شناسی تربیت نیز محققان نظراتی ارائه کرده‌اند؛

فرهنگ قرآن این موارد را این گونه بر می‌شمارد؛

۱- تحریف

وَ مِنْ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ (مائده/ ۴۱)

۲- تقلید کورکورانه

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا (مائده/ ۱۰۴)

۳- تکذیب خدا

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَ أَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (اعراف / ۱۷۷)

۴- حرام‌خواری

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ (مائده / ۴۲)

۵- دنیا طلبی

وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَىٰ الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ (اعراف / ۱۷۶)

۶- دوست گمراه

يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (فرقان / ۲۸)

۷- شیاطین

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ (بقره / ۳۶)

۸- هواپرستی

* وَ مَا أَبرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (يوسف / ۵۳)

(رک: هاشمی رفسنجانی، پیشین، ج ۷، ص ۴۴۸ تا ۴۵۱)



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموخته‌ها و آوان سنّت

در هر شکل قرآن کریم کتابی است که با آسیب شناسی راه‌های غلطی که ممکن است انسان به سمت آنها رفته باشد، راه درست حرکت را برای انسان بازگو می‌نماید.

قرآن راهکارهای مختلف و گوناگونی برای پاسخگویی به نیازهای انسان طرح نموده است؛

باید توجه داشت که این راهکارها در سه دسته کلی قرار می‌گیرند:

۱- راهکارهای عینی در محور نیازهای ثابت انسان؛ مانند: راهکارهای عینی بر محور نیازهای مادی (عبس/ ۲۴)، غریزه جنسی (نور/ ۳۲)

۲- راهکارهای عینی بر محور نیازهای روانی؛ مانند: نیاز به امنیت و آرامش روانی (انعام/ ۸۲)، نیاز به شادی (پایدار: نحل/ ۹۷)، (ناپایدار: رعد/ ۲۶)، نیاز به محبت و عشق (انفال/ ۶۲ و ۶۳)، نیاز به دانستن و فهمیدن (مجادله/ ۱۱)

۳- راهکارهای عینی بر اساس نیازهای روحی؛ مانند: زیبایی طلبی (اعراف/ ۳۲)، نیاز به نیکی (بقره/ ۱۷۷)، میل به جاودانگی (جمعه/ ۸)، ۳-۴ انگیزه پرستش (روم/ ۳۰) (کلانتری، ابراهیم، پیشین، ص ۴۸ تا ۶۰)

محققین همچنین به جریان زمان از یک زاویه دیگر نیز نگاه کرده‌اند:

گرچه نیازهای جسمی، روانی و روحی انسان در بستر زمان دچار تغییر و دگرگونی نمی‌شوند،

اما جریان زمان از دو جهت نیازهای جدیدی را در زندگی انسان رقم می‌زند:

۱- شیوه‌ها و اشکال جدیدی را برای پاسخگویی به نیازهای ثابت به وجود می‌آورد.

۲- موضوعات و مسائل جدیدی را می‌آفریند که سابقه نداشته‌اند. (همان، ص ۶۱)

البته این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که نیازهای انسان رابطه دو سویه و مستقیمی با

عصر زندگی او دارند و ابعاد و جزئیات گوناگون زندگی در این مقوله تأثیرگذارند. به عبارت بهتر



دفتر نشر و آموزش عالی در آئین ولایت

انسان در هر دوره زمانی شرایط منحصر به فردی را تجربه می‌کند، که این شرایط متفاوت از دوره زمانی دیگر هستند. روانشناسی انسان گرا در نشانه‌های احساس ناایمنی بدین صورت بیان شده:

- ۱- احساس طرد شدن و مورد عشق و علاقه دیگران نبودن
- ۲- احساس تنهایی
- ۳- احساس دائمی در معرض خطر بودن
- ۴- احساس عدم اتحاد
- ۵- احساس تنش و فشار درونی (شاملو، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹)

ارتباط با کمال مطلق مایه تعالی انسان است و به وجدان‌های بیدار شعور و ادراک و به حس علم جوایی و کنجکاوی انسان، نیرو می‌بخشد و موقعیت انسان را در جهان با واقع بینی کاملی روشن می‌سازد.

روانشناسی امروز، حس مذهبی را یکی از چهار حسی می‌داند که متن روانی انسان را تشکیل

می‌دهد؛

- ۱- حس علم جوایی و کنجکاوی
- ۲- حس اخلاق و نیکوکاری
- ۳- حس هنر جوایی و زیبایی خواهی
- ۴- حس خداجوایی

از نظر متفکران، مذهب ریشه عمیقی در روح و روان انسان دارد و در نهاد او تجلی می‌یابد. (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۳۲۰ تا ۳۲۲) فطرت و طبع انسان در هر دوره زمانی ثابت است، اما نوع نگاه انسان به اطرافش و نوع تعامل او با جامعه پیرامونی در هر دوره زمانی متفاوت است. البته اضافه می‌نمائیم که حس خداجوایی در انسان‌ها لزوماً با پذیرش یک دین و یا آئین مشخصی



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های قرآن و حدیث

معنا نمی‌شود و می‌تواند در چارچوب فطرت پاک الهی تعبیر گردد ولی چه بسا انسان به خطا رود و بیراهه را راه انگارد لذا تمسک به انبیاء ضروری به نظر می‌رسد.

با نگاهی اجمالی به آیات قرآن به عنوان مهم‌ترین منشور اجتماعی مسلمانان، می‌تواند دریافت که پیشرفت علمی در قرون اولیه اسلام، محصول تفکر دینی‌ای بوده‌است که در سایه عمل به این آیات حیات بخش حاصل شده‌است. (طالب تاش، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸)

قرآن برای درمان امراض نفسانی دو راه پیشنهاد می‌کند؛

۱- تقوی

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَئْفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف / ۲۰۱)

۲- تهذیب و تزکیه نفس

قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا (شمس / ۹)، قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّى (اعلی / ۱۴)، وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا

وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت/۶۹) (جوادی، پیشین، ج ۱۷، ص ۳۸۳ و ۳۸۴)

بنابر این از دیدگاه قرآن کریم تقوی و تهذیب دو عاملی هستند که اگر در اختیار انسان قرار گیرند، می‌توانند نیازهای او را در همه زمینه‌های انسانیت بر طرف ساخته و مشکلات احتمالی او که در مسیر زندگی مادی پیش آمده را مدیریت کنند.

البته نباید از نظر دور داشت که انسان با اختیار بوده و سرنوشت او در دستان خود او قرار دارد.

ریشه‌های وجدان در نهاد انسان:

تجارب و آزمون‌های فراوان، گواهی می‌دهند که در درون انسان، درک و آگاهی خاصی که انسان را از خوبی‌ها و بدی‌ها آگاه سازد، وجود دارد و این نوع درک و آگاهی را وجدانیات می‌نامند و در فلسفه اسلامی بخشی از عقل عملی به شمار می‌رود.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی

به گفته استاد انصاریان اعمال انسان در دیدگاه قرآن گاه به حقیقت‌های مختلفی تشبیه شده است: گاه تشبیه به جمادات؛ گاه تشبیه به نباتات؛ گاه تشبیه به حیوان و... (انصاریان، آثار مثبت عمل،

۱۳۸۸، ص ۲۴۹)

نفس انسان دارای حالات گوناگونی است که این حالات در اثر یک سلسله روابط و مسائل گوناگونی که انسان با آنها سر و کار پیدا می‌کند، برای نفس ساخته می‌شود. (انصاریان، نفس،

۱۳۸۸، ص ۲۱۵)

انسان اگر واقعاً اهل حرکت به سوی خدا باشد می‌تواند یک برگ را هم نردبان رسیدن به حق قرار دهد، چرا که آثار قدرت و علم حکمت و عنایت و مرحمت و عشق و لطف او در همان یک برگ قابل خواندن و مطالعه و معرفت پیدا کردن است تا چه رسد به توفیق در مطالعه وضع عالم از آسمان‌ها، زمین و کهکشان‌ها.

استاد سبحانی میان وجدان فطری و اخلاقی تفاوت قائل شده و می‌نویسد:

یک رشته اعمال مانند ازدواج با محارم در وجود انسان ریشه فطری ندارند و تنها به خاطر تذکرات پیاپی و وضع تبلیغی شرایع آسمانی در نهاد انسان زشت جلوه یافته‌اند. که این زشتی زشتی اخلاقی است، اما مسأله‌ای چون خیانت به امانت در نزد وجدان فطری انسان زشت و مذموم

است. (رک: سبحانی، جعفر، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۱۳ تا ۲۱۶)

استاد جوادی آملی به آیه شریفه وَ بَلَّوْاَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (اعراف ۱۶۸) اشاره نموده و می‌نویسد: خدای متعال بندگانش را به خوبی‌ها و بدی‌ها می‌آزماید و هدفش

بازگشت آن‌ها به سوی خداست. (جوادی آملی، تسنیم، ج ۳۰، ص ۵۸۳)



دفتر مطالعات و پژوهش‌های حقوق اساسی و حقوق اساسی

بی بهره بودن از معارف اعتقادی، دور بودن از آراستگی به اخلاق الهی و نداشتن فهم درست دینی، نمونه ای از جزای عمل بد در دنیاست. خداوند مبادی برهان فطری را در نهران انسان تعبیه فرمود. و سپس این گنجینه فطری توسط رهبران الهی در انسان شکوفا گردید. (جوادی آملی، تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۵)

قرآن کریم در آیات بسیاری عوامل و زمینه‌های صلاح یا فساد افراد و جوامع را مورد اشاره قرار داده و تابلوی بدیعی را از انسان‌ها و جوامع مختلف به تصویر کشیده‌است. قرآن تماماً به قصد هدایت و ایجاد تحول در بشر با او سخن می گوید. تمامی قصه های و وقایع تاریخی و مثل‌های قرآن کریم در همین راستا هستند.

پاسخگویی به نیازهای اجتماعی در قرآن؛

در تعریف جامعه گفته‌اند: مجموعه‌ای از افراد، که زندگی آنها به هم مربوط می‌شود، و ارتباط آنها ناشی از داشتن خواسته یا منافع مشترک بوده، و باید در تحقق آنها بکوشند. (بهشتی، ۱۳۶۰، ص ۳۴۵)

در تعالیم اسلامی می‌بینیم که از یک سو روی مسئولیت فرد نسبت به خود سازی و محیط سازی تکیه شده و از سوی دیگر روی تأثیر اجتناب ناپذیر محیط اجتماعی در شکل دادن به اندیشه، اراده، اخلاق و عمل فرد؛ تا آنجا که گویی سرنوشت انسان‌ها به مقدار زیاد به هم پیوسته است. (همان، ص ۳۵۱)

شهید بهشتی در ذیل آیه لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/ ۲۵)، عوامل و اصول ایجاد اعتدال اجتماعی را چنین تبیین می‌کنند؛ برابری انسان‌ها، عدل حقوقی، رفع تبعیض در سایه بینش توحیدی، عدل اقتصادی، آزاد اندیشی و علم آموزی،



دفتر مطهری در آئین آموزه ولایت

بهره گیری در سایه کار و فعالیت همگانی، محروم شدن عده‌ای به خاطر تجاوز در بهره‌وری، قانون عدل و مجری عادل، صلاحیت در احراز مناصب اجتماعی، احساس مسئولیت، ولایت اسلامی، خود سازی و مبارزه با فساد(همان، ص ۳۵۴ تا ۳۶۲)

لغات اجتماعی قرآن دوگونه است: بعضی از لغات اجتماعی، مربوط است به یک پدیده اجتماعی؛ مانند: ملت، شریعت، شرعه، منہاج، سنت و امثال آن. و برخی لغات دیگر عنوان اجتماعی برای همه یا گروه‌هایی از انسان‌ها به شمار می‌رود؛ مانند قوم، امت، ناس، شعوب، قبائل و... (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۳۳۴)

شهید بهشتی معیارهای اصلی اخلاق از نظر اسلام را تقرب به خدا و عزت، کرامت و ارجمندی انسان دانسته و می‌افزاید: یکی از شرایط مهم معبود آن است که او عبادت کنندگان خود را هدایت کند که این خود شرایط خاصی را در بر می‌گیرد. (همان، ص ۱۶۶).

وقتی انسان تصمیم گرفت حق را نپذیرد، خدا او را مجبور به پذیرش حق نمی‌کند. زیرا که گمراهی و هدایت اجباری، منظور خداوند نیست و خدا انسان را به طور کلی در انتخاب هدایت و ضلالت مختار قرار داده‌است. (همان، ص ۹۸)

استاد مطهری در خصوص دیدگاه قرآن نسبت به جامعه چند دسته بندی مطرح می‌نماید:

- ۱- از نظر قرآن جامعه دو قطبی است و همواره به دو قطب استضعافگر و استضعاف شده تقسیم می‌شود.
- ۲- سنت الهی بر پیروزی مستضعف بر ستمگر استوار است.
- ۳- اراده خداوند به وسیله خود مستضعفان جامعه تحقق می‌یابد.
- ۴- همواره میان پایگاه فکری و پایگاه اجتماعی و موضع طبقاتی، تطابق و هماهنگی است. (مطهری، پیشین، ص ۴۳۲ و ۴۳۳)



دفتر مطالعات و پژوهش‌ها در آموزه‌ها و آداب قرآن و سنت

هر مکتبی که بتواند سعادت بشری را دقیق، تأمین کند از قدرت بقای بیشتری برخوردار است و از این رو شریعت اسلام تا قیامت باقی خواهد ماند و مسلمانان در صورتی که به آن درست عمل کنند، از بقا و قدرت آن برخوردار خواهند شد. (بهرامپور، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۳۶)

آرامش در سایه تقویت باورهای دینی، تقویت نظام خانواده، رعایت حقوق همسایگان جهانی، راه حل قرآنی اقتصاد جهانی، مبارزه با آلودگی محیطی، جلوگیری از افزون طلبی و... برخی راه حل‌های درمانی قرآن برای رهایی بشر امروز از نگرانی هستند. (همان، ص ۱۱۶ تا ۱۲۹)

جمع بندی این مباحث این نکته را روشن می‌سازد که پیام قرآن پیام هدایت و سعادت است. خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها از سه عامل استفاده کرده است:

الف) پیامبران را با بیان روشن و معتدل و معجزات به سوی انسان‌ها گسیل می‌دارد.

ب) انسان‌ها را به مشکلات گرفتار می‌سازد تا به لحاظ روحی متوجه درگاه خدا شوند و نیز با درخواست رفع مشکلات از بت‌ها و بی اثر بودن آنان به نادرستی آئین خود پی ببرند.

ج) پیامبران نیز با معانده علنی و با بت‌ها و احیاناً در هم شکستن آنها نشان می‌دهند که بت‌ها در جهان تأثیری ندارند. (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳)

شهادت بهستی حوزه انتخاب و اراده انسان از دیدگاه قرآن را اینگونه تقسیم بندی کرده است؛

۱- فطرت و تمایل انسان؛

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ (روم / ۳۰)

۲- تعدیل تمایلات؛

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ (نساء / ۱۳۵)

۳- نقش محیط طبیعی؛

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ (توبه / ۱۲۲)



دولت‌پژوهان ایران در آموزه‌ها و آداب سنت

۳- نقش عوامل تاریخی، اجتماعی و اقتصادی؛

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ (هود/۱۱۶)

۱- نقش ضوابط و اصول در حوزه انتخاب؛

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (فاطر/۱۹)

۲- وحی الهی؛

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (نجم/۳)

۳- عمل انسان؛

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (مدثر/۳۸)

۴- خداجویی و حق طلبی؛

يَأْتِيهَا الْاِنْسَانُ اِنْكَ كَادِحٍ اِلَىٰ رَبِّكَ كَادِحًا فَمَلَّاقِيْهِ (انشقاق/۶) (رک: بهشتی، پیشین، ص ۱۵۰ تا

۱۶۲)

ایمان نور است و روشنی بخش، و به انسان در جهان بینی، و اعتقاد، و عمل، و تمام زندگی روشنایی و آگاهی می‌دهد، اما کفر ظلمت است و تاریکی، و در آن نه بینش صحیحی از کل عالم هستی است، و نه از اعتقاد درست و عمل صالح خبری.

در خصوص نیازهای اجتماعی انسان باید به چندین نکته توجه و دقت داشته باشیم:

الف- انسان اساساً موجودی اجتماعی است.

ب- برای زندگی اجتماعی، انسان نیازمند تعامل دوسویه و متقابل است.

ج- جوامع ناگزیرند برای زندگی بهتر قوانینی را وضع نمایند.

د- آرامش یک جامعه در گرو عمل به قوانین اجتماعی است.

ه- بشر نیاز دارد تا قوانین فطری بر اجتماعش حاکم باشد.



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموخته‌ها و ادیان سنت

و- انسان الهی در جامعه تنها به خود و منافع شخصی خویش نمی‌اندیشد.

ز- قرآن به بهترین شکل انسان اجتماعی را برای تعامل در جامعه آماده می‌سازد.

تقوی بزرگترین ارزش انسانی

در آیات گذشته روی سخن به مؤمنان بود، و خطاب به صورت یا *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا* و در ضمن آیات متعددی را که یک جامعه مؤمن را با خطر روبرو می‌سازد بازگو کرد و از آن نهی فرمود.

در حالی که در آیه مورد بحث مخاطب کل جامعه انسانی است و مهم‌ترین اصلی را که ضامن نظم و ثبات است بیان می‌کند، و میزان واقعی ارزش‌های انسانی را در برابر ارزش‌های کاذب و دروغین مشخص می‌سازد.

می‌فرماید: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زنی آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید" (*يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا*).

منظور از آفرینش مردم از یک مرد و زن همان بازگشت نسب انسان‌ها به آدم و حوا است، بنا بر این چون همه از ریشه واحدی هستند معنی ندارد که از نظر نسب و قبیله بر یکدیگر افتخار کنند، و اگر خداوند برای هر قبیله و طائفه‌ای ویژگی‌هایی آفریده برای حفظ نظم زندگی اجتماعی مردم است، چرا که این تفاوت‌ها سبب شناسایی است، و بدون شناسایی افراد، نظم در جامعه انسانی حکمفرما نمی‌شود، چرا که هر گاه همه یکسان و شبیه یکدیگر و همانند بودند، هرج و مرج عظیمی سراسر جامعه انسانی را فرا می‌گرفت.

برخی گفته‌اند دایره شعوب گسترده‌تر از دایره قبائل است، همانطور که شعب امروز بر یک ملت اطلاق می‌شود، که این تفسیر از همه مناسبتر به نظر می‌رسد.



دوستان عزیزان! در آموزه لا اله الا الله

به هر حال قرآن مجید بعد از آنکه بزرگترین مایه مباهات و مفاخره عصر جاهلی یعنی نسب و قبیله را از کار می‌اندازد، به سراغ معیار واقعی ارزشی رفته می‌افزاید: "گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است" (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ). خداوند پرهیزگاران را به خوبی می‌شناسد، و از درجه تقوا و خلوص نیت و پاکی و صفای آنها آگاه است، آنها را بر طبق علم خود گرامی می‌دارد و پاداش می‌دهد و مدعیان دروغین را نیز می‌شناسد و کیفر می‌دهد.

نکاتی در این خصوص حائز اهمیت است؛

۱- ارزش‌های راستین و ارزش‌های کاذب

بدون شک هر انسانی فطرتاً خواهان این است که موجود با ارزش و پر افتخاری باشد، و به همین دلیل با تمام وجودش برای کسب ارزش‌ها تلاش می‌کند.

و عجیب است که قرآن در محیطی ظهور کرد که ارزش قبیله از همه ارزش‌ها مهم‌تر محسوب می‌شد، اما این بت‌ساختگی در هم شکست، و انسان را از اسارت خون و قبیله و رنگ و نژاد و مال و مقام و ثروت آزاد ساخت، و او را برای یافتن خویش به درون جانش و صفات و الایش رهبری کرد!

۲- حقیقت تقوی

قرآن بزرگترین امتیاز را برای تقوی به عنوان تنها معیار سنجش ارزش انسان‌ها قرار داده است. در جای دیگر تقوی را بهترین زاد و توشه شمرده، می‌گوید: "و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى" (بقره/ ۱۹۷)

و در جای دیگر لباس تقوی را بهترین لباس برای انسان می‌شمرد و لباس تقوی ذلک خیر" (اعراف/ ۲۶)



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و احکام سنت

و در آیات متعددی یکی از نخستین اصول دعوت انبیاء را تقوی ذکر کرده، و بالاخره در جای دیگر اهمیت این موضوع را تا آن حد بالا برده که خدا را اهل تقوی می‌شمرد، و می‌گوید:

هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (مدرثر / ۵۶).

قرآن، "تقوی" را نور الهی می‌داند که هر جا راسخ شود، علم و دانش می‌آفریند؛

وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ (بقره / ۲۸۲).

و نیز نیکی و تقوی را قرین هم می‌شمرد، وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ.

و عدالت را قرین تقوی ذکر می‌کند: اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ.

اکنون باید دید حقیقت تقوی این سرمایه بزرگ معنوی با اینهمه امتیازات چیست؟

قرآن اشاراتی دارد که پرده از روی حقیقت تقوی بر می‌دارد: در آیات متعددی جای تقوی را

قلب "می‌شمرد، از جمله می‌فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ: "آنها که صدای خود را در برابر رسول خدا ﷺ پائین

می‌آورند و ادب می‌کنند کسانی هستند که خداوند قلوبشان را برای پذیرش تقوی آزموده-

است" (حجرات / ۳)

قرآن، "تقوی" را نقطه مقابل "فجور" ذکر کرده، چنان که در آیه ۸ سوره شمس می‌خوانیم:

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا: "خداوند انسان را آفرید و راه فجور و تقوی را به او نشان داد".

قرآن هر عملی را که از روح اخلاص و ایمان و نیت پاک سرچشمه گرفته باشد بر اساس

تقوی "می‌شمرد.

تفاسیر در خصوص این آیه نکاتی را متذکر شده‌اند (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص: ۳۲۷)

استاد سبحانی تنها در خصوص نتایج دنیوی عمل صالح موارد زیر را بر می‌شمارند:



دوستان عزیزان! در آموزه اول قرآن عزت

۱- عمل صالح و تکامل ایمان؛

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل/۹۶)

۲- عمل صالح و زندگی پاکیزه؛

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً (نحل / ۹۷)

۳- محبوبیت در دل مردم؛

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا (مریم / ۹۶)

۴- نورانیت و روشنی؛

.... لِيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (طلاق / ۱۱)

۵- مایه آمرزش گناهان؛

وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بِأَلْفِهِمْ (محمد / ۲)

۶- تبدیل سیئه به حسنه؛

إِلَّا مَن تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ... (فرقان / ۷۰) (رک:

سبحانی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۴۴ تا ۳۵۶)

در رابطه با نیازهای انسان باید ابتدا بررسی نمود که چه منابع و امکاناتی در اختیار او قرار گرفته اند.

در این خصوص چند نکته مهم وجود دارد:

۱- نعمت های بی شمار الهی براحتمی قابل مشاهده و درک هستند.

۲- دیدن نعمت ها ملاک نیست، بلکه فهم و درک خلقت آنها مهم است.

۳- درک و تشخیص درست انسان درباره خالق هر نعمت از اهمیت بالایی

برخوردار است.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آوران حضرت

- ۴- اگر انسان تعمق نداشته باشد، براحتی از کنار نعمت‌ها عبور خواهد کرد.
- ۵- بسیاری نعمت‌هایی که در پیرامونمان، به کسانی غیر از خالق اصلی شان نسبت می‌دهیم.

آنچه به ما در یافتن راه درست زندگی و دریافت حقیقت و معنای واقعی نیازهای بشر کمک می‌کند آن است که به جایگاه انسان به عنوان اشرف مخلوقات واقف باشیم و در این راه از شناخت خالق خویش باز نمانیم.

وقتی انسان جایگاه خویش درعالم هستی را به درستی بشناسد، آنگاه خود به دنبال برنامه برای زندگی خواهد رفت.

نکته مهم دیگری که نباید از آن غافل بود آن است که قرآن کریم به عنوان نسخه پاسخگوی نیازهای بشر، کتابی نیست که هر مشکلی را به او عرضه کنیم و این کتاب خود به تنهایی همه مسائل را حل و فصل نماید. درک درست انسان از معرف قرآن و مطالعه عمیق و همراه با تدبر این صحیفه نورانی، می‌تواند راه را برای انسان هموار کرده و افق روشنی از هدایت را پیش روی او بگستراند.

نتیجه

آنچه در خصوص نیازهای بشر باید مد نظر قرار داد آن است که این نیازها در حوزه مادی نامحدود می‌باشد. بشر اساساً در بعد مادی خود دچار حرص و زیاده خواهی است و نمی‌تواند این زیاده خواهی را مخفی کند. اما آن نیازی که قرآن به آن پاسخ می‌دهد از جنس مادی و دنیایی نیست. اگرچه قرآن کریم می‌فرماید که خداوند نیازهای مادی انسان را نیز فراموش نمی‌کند، اما قرآن به عنوان یک برنامه جامع و تمام عیار برای سعادت بشری به شمار رفته و نیازهای معنوی او را در نظر می‌گیرد.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت اسلامی ایران

از مهم‌ترین امتیازات اسلام آن است که با دید همه‌سویگر آنچه را که به همه ابعاد انسان تکامل می‌بخشد می‌آموزد و از هر چه ناهماهنگی یا وقفه در کمال و رشد همه‌جانبه او ایجاد کند، جلوگیری می‌کند، به همین جهت اخلاق اسلامی نقش سازنده دارد و مایه سلامت بخشی روان آدمی است. این منطق که دین ماهیتاً یکی بیش نیست بر اساس این جهان بینی از انسان و جامعه است که انسان نوع واحد است؛ همچنانکه جامعه انسانی از آن نظر که یک واقعیت عینی است نوع واحد است نه انواع. (همان، ص ۳۴۱)

قرآن کریم کتاب سرگذشت‌ها نیست بلکه کتابی است که بر اساس یافته‌های صحیح می‌تواند تبیین‌کننده نظام‌های مختلف در عرصه زندگی بشری باشد. (مؤدب، ۱۳۹۲، ص ۶۱)

قرآن برای تمامی مسائلی که به نوعی چالش‌های اساسی اجتماعی محسوب می‌شوند، طرح و برنامه کلان و بیان عمومی دارد.

هدف قرآن دگرگون کردن انسان و جامعه و هدایت وی به سمت تلاش و حرکت و راه راست است. یکی از هدف‌های مهم قرآن، تأمین سعادت دنیوی همه افراد جامعه در کنار راهنمایی آنان به سعادت اخروی است. متفکران حوزه تفسیر اجتماعی معتقدند، قرآن نمی‌تواند خاستگاه‌های اصیل انسانی را نادیده بگیرد و مقوله‌های پیشرفت، بهره‌برداری از نعمت‌ها، لذت‌ها، تفریح و شادی را برای انسان ضروری نشمارد. (همان، ص ۷۷) قرآن آنجا که افرادی را به عنوان اسوه ذکر می‌کند، توجهی به شخصیت دنیایی آنها ندارد، بلکه شخصیت اخلاقی و انسانی را در نظر می‌گیرد. (همان، ص ۳۵۶)

در مجموع تمامی نیازهای بشر برای زندگی سعادت‌مند و متعالی در قرآن بیان شده و مسیر هدایت بدرستی برای او روشن گردیده.



دفتر مطالعات پژوهشی و فرهنگی در آئین اسلام و احکام سنت

انسان متعالی با بهره گیری از تمامی ظرفیت‌های فطری و الهی درون خود می‌کوشد تا راه صحیح نیل به سعادت را از قرآن کشف کند و از آن برای رسیدن به مقصود بهره گیرد. این کشف مسیر نیازمند نورانیتی است که انسان‌های پاک نهاد در اختیار دارند؛ انسان‌هایی که نورانیت فطرت خویش را با سیاهی ظلم به نفس و تاریکی جهالت‌ها خاموش نساخته‌اند.

منابع

قرآن کریم

طباطبایی، سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه‌ی مدرسین، چ پنجم، ۱۴۱۷ ق
جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، قم، اسراء، چ ۲، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۷۵ تا ۱۷۷
----- تفسیر تسنیم، قم، اسراء، چ اول، ۱۳۹۲

دامن پاک مقدم، ناهید، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران، نشر تاریخ و فرهنگ، چ اول، ۱۳۸۰
خوبی، ابولقاسم البیان، بیان در علوم و مسائل قرآن، ترجمه نجمی و هریسی، قم، مهر استوار، ۱۳۵۴ ش، ص ۵۷۵
ویگوتسکی، یوسیمو نوویچ، ترجمه بهروز عزیدفتری، ذهن و جامعه، تهران، فاطمی، چ دوم، ۱۳۷۸، ص ۴۱
شاملو، سعید، بهداشت روانی، تهران، رشد، چ ۱۲، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹
سیحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ اول، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۳۲۰ تا ۳۲۲
بهشتی، سید محمد حسین و دیگران، شناخت اسلام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۶۰، ص ۳۴۵
مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا، چاپ ۵، ۱۳۶۸، ص ۳۳۴
بهرامپور، ابوالفضل، تفسیر نسیم حیات، تهران، انتشارات آوای قرآن، چ دوم، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۲۴۳

مقالات

رجبی، محمود، تبیین جامعه شناختی برخی از سنت‌های اجتماعی قرآن، قرآن شناخت، شماره ۷، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۳۳
مؤدب، سید رضا؛ روحانی زاده، مجتبی، تفسیر اجتماعی قرآن، قرآن و علم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۲، ص ۶۱
کلانتری، ابراهیم، راهکارهای پاسخگویی قرآن به نیازهای انسان معاصر، مطالعات تفسیری، شماره ۲، سال اول، تابستان ۱۳۸۹، ص ۴۷



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی

مهدوی راد، محمد علی؛ زرسازان، عاطفه، روش تربیت انسان در سیره انبیاء، پژوهش دین، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۴۵ تا ۱۴۸

محمد قاسمی، حمید، اصلاح و افساد در آموزه های قرآنی، مطالعات قرآن و حدیث، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۲۷
رضایی اصفهانی، محمد علی؛ نجفی جزه ای، حمید، تربیت عبادی از منظر قرآن کریم، قرآن و علم، شماره ۱۴، سال هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۹۸ و ۹۹



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
موسسه پژوهش و انتشارات

بررسی پیوند انعطاف‌پذیری احکام و جامعیت قرآن

مجتبی نم‌نبات^۱

تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش ۹۶/۱۲/۱۵

صص ۲۱۱-۱۹۳

چکیده

انعطاف‌پذیری به معنای سازگاری، شایستگی و هماهنگی با هر محیطی است. قطعاً یک قانون جاودانه اگر بخواهد که بر تمام صورت‌های زندگی احاطه یابد و راه حل مشکلات را ارائه دهد باید دارای تحرک باشد و از خشکی و جامدی و انعطاف‌ناپذیری به دور باشد. نگارنده در این مقاله سعی کرده‌است با بررسی و واکاوی نمونه‌های احکام در قرآن مانند احکام نماز، وضو، روزه، حج، جهاد و ... و تغییر در شرایط و عوامل مختلف به انعطاف‌پذیری احکام دین مبین اسلام برسیم. پس از بیان این نمونه‌ها سعی محقق بر آن بوده است که به بررسی عوامل و علل انعطاف در احکام بپردازد، در این باره موارد زیر: عسر و حرج، اکراه، تقیه، اضطرار، قاعده لاضرر، پیشرفت اسلام، توبه مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: قرآن، حدیث، علوم قرآن، جامعیت قرآن، انعطاف‌پذیری

m.namnabat^{۱۱}@gmail.com کارشناس ارشد علوم قرآن.



قرآن دریای بیکران معرفت است که هر کس به اندازه‌ی وسع خود و به میزان تشنگی و نیازش می‌تواند از آن بهره‌گیرد که این خود نیز از معجزات این کتاب آسمانی است که به زبان خاکیان سخن می‌گوید و هدایت‌گر تمامی اقشار و توده‌های مردم است و نه مختص به یک قشر یا حرفه-ی خاص.

شکی نیست که قرآن، جامع قوانین و دستورات و برنامه‌هایی است که برای سعادت بشر ضروری هستند. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء/۹)؛ قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید. علامه طباطبایی از این امور به ریشه‌های اصلی اسلام یاد کرده، و آن را در سه اصل بیان می‌دارد:

۱. اصول عقائد اسلامی که نوعی از آن اصول سه‌گانه دین است: توحید، نبوت و معاد و نوعی عقاید متفرع بر آنها مانند لوح و قلم و قضا و قدر و ملائکه و...
۲. اخلاق پسندیده.

۳. احکام شرعی و قوانین عملی که قرآن کریم کلیات آنها را بیان فرموده و تفصیلات و جزئیات آنها را به بیان پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اگذار نموده است و پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز به موجب حدیث ثقلین که همه‌ی فرق اسلامی به نحو تواتر نقل نموده‌اند، بیان اهل بیت خود را قائم مقام و جایگزین بیان خود قرار داده‌است. (طباطبائی، قرآن در اسلام، ۱۵) این مقاله می‌کوشد تا در این حوزه یعنی مقررات شرعی یکی از ملاک‌های جامعیت را که انعطاف‌پذیری است با بهره‌گیری از آیات و روایات مبرهن نماید.



قلمرو قرآن

تاریخ اسلام نشان می‌دهد که قرآن در عرصه‌های مختلف زندگی مسلمانان ظهور و نفوذ داشته است. بخشی از این عرصه‌ها عبارت است از: ۱. معنوی و روحی ۲. عملی و اجتماعی ۳. علمی و نظری (کریم پور قراملکی، قلمرو قرآن، ۳۵ / ۲۷۵) که به نظر میرسد بعد اخیر، پرسش درباره «جامعیت قرآن» را در اذهان مسلمانان پدید آورده است.

جامعیت در لغت به معنی «فراگیری، وضع یا کیفیت جامع بودن» (صدری، فرهنگ فارسی امروز، ۳۹۰/۱) و در برخی دیگر از منابع به معنی «شمول و فراگیری» (سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین) آمده است. و در اصطلاح جامعیت به معنای فراگیری و شمول است، حال این شمول چه در عرصه‌ی آموزه‌های دینی باشد و چه توسعه داشته باشد و امور غیر دینی را نیز شامل باشد.

در نگاه بعضی جامعیت به معنای وجود همه چیز در قرآن است در حالی که عدم ورود قرآن در پاره‌ای از مسائل خود به معنای جامعیت آن می‌باشد. استاد مطهری می‌گوید: جامعیت اسلام ایجاب می‌کند که اساساً در بسیاری از این امور دستور نداشته باشد، نه این که هیچ دستوری نداشته باشد. بلکه دستورش این است که مردم آزاد باشند (مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ۲۶۵/۱)

یکی از ابعاد جامعیت قرآن انعطاف پذیری در حوزه تکالیف شرعی است. منعطف شدن احکام به این معناست که چیزی قابلیت خم پذیری و هماهنگی با هر محیطی را دارا باشد (دهخدا، لغت نامه، ۳۵۶۵/۳) لذا انعطاف پذیری به معنای تمایل به سازگاری است. گفتیم انعطاف پذیری در احکام یکی از ملاک‌های جامعیت به شمار می‌آید. به نظر می‌رسد احکام اسلام از این منظر جامع و کامل است که انعطاف دارد یعنی در مرحله‌ی اجرا، مخاطبان خود را دچار مشکل نمی‌سازد و احکام را باتوجه به واقعیات و خصوصیات مناسب با شرایط و احوال انسان، صادر می‌کند. این نوع از انعطاف در آیات ذیل مشاهده می‌شود.



دوفصلنامه پژوهش‌های فقهی و حقوقی در آئین اسلام

۱- تبدیل نماز چهار رکعتی به دو رکعتی در حالت خوف و سفر

«وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا» (نساء/۱۰۱)؛ و چون در زمین سفر کردید، اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده‌اند به شما آزار برسانند، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید.

۲- تغییر در حالت انجام نماز در هنگام ترس

«فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره/۲۳۹)؛ پس اگر بیم داشتید، پیاده یا سواره [نماز کنید] و چون ایمن شدید، خدا را یاد کنید که آنچه نمی‌دانستید به شما آموخت.

۳- تبدیل نماز ایستاده به نشسته و خوابیده

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (نساء/۱۰۳)؛ و چون نماز را به جای آوردید، خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده، یاد کنید. پس چون آسوده‌خاطر شدید، نماز را [به طور کامل] به پا دارید، زیرا نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است. امام علی علیه السلام درباره این آیه فرمودند: یعنی شخص سالم ایستاده، مریض نشسته و کسی که نشسته نمی‌تواند، خوابیده نماز بخواند. (حر عاملی، وسایل الشیعه، ۴۸۸/۵)

در این آیات نمونه‌هایی از انعطاف در نماز گفته شده؛ که اولاً اهمیت نماز را بیان کرده - که در هر شرایطی و حتی در سخت‌ترین موقعیت‌ها نماز ترک نشود و در حال اضطراب مانند جنگ و یا در سفر و یا بیماری در نماز تخفیف داده شده و نماز را به صورت شکسته باید خواند.



دو فصلنامه پژوهش‌های فقهی و حقوقی در آموزه‌های قرآنی و حدیثی

۴- انعطاف در آیه روزه (رفع حکم وجوب روزه)

«أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۱۸۴)؛ [روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است]. [ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]، و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است. و هر کس به میل خود، بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است، و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است.

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «افطار در سفر و نماز شکسته از هدایای الهی است. کسی که توجه به آن نکند هدیه الهی را رد کرده است.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۰/۱۷۷)

۵- انعطاف در آیه وضو (تبدیل حکم وضو و غسل به تیمم)

«...وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَليُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (مائده/۶)؛ و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید، و از آن به صورت و دست‌هایتان بکشید. خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بدارید.

در پایان این آیه، علت طهارت‌های سه گانه را ذکر می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که این احکام برای آن نیست که شما را به زحمت اندازیم. این قسمت از آیه در فقه اسلامی بعنوان دلیل قاعده «لا حرج» مورد استناد فقها می‌باشد.



دو فصلنامه پژوهشی با عنوان «آموزه‌ها و آوان سنّت

۶- انعطاف در احکام حج

«وَأْتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أُمِيتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره/۱۹۶)؛ و برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید، و اگر [به علت موانعی] بازداشته شدید، آنچه از قربانی میسر است [قربانی کنید] و تا قربانی به قربانگاه نرسیده سر خود را متراشید و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد] به کفاره [آن، باید] روزه‌ای بدارد، یا صدقه‌ای دهد، یا قربانی بکند و چون ایمنی یافتید، پس هر کس از [اعمال] عمره به حج پرداخت، [باید] آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]، و آن کس که [قربانی] نیافت [باید] در هنگام حج، سه روز روزه [بدارد] و چون برگشتید هفت [روز دیگر روزه بدارید] این ده [روز] تمام است. این [حج تمتع] برای کسی است که اهل مسجد الحرام [مکه] باشد و از خدا بترسید، و بدانید که خدا سخت کیفر است. این آیه شریفه در حقیقت جامع‌ترین آیه قرآن کریم در خصوص مناسک حج می‌باشد

۷- عدم وجوب جهاد برای ضعیفان و ناتوانان

لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه/۹۱)؛ بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند- در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند- هیچ گناهی نیست، [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست، و خدا آمرزنده مهربان است.



دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی و اسلامی در آموخته‌ها و آوان سنّت

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کاری را که انسان نتواند انجام دهد، تکلیف ندارد و سپس این آیه را

تلاوت فرمودند. (کلینی، کافی، ۱/۱۶۵)

۸- جواز ازدواج موقت

«فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء/۲۴)؛ و زنانی را که مُتعه کرده‌اید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید.

در ادامه آیات خداوند به آسان‌گیری و ضعف انسان اشاره می‌کند: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء/۲۸)؛ خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند و [می‌داند که] انسان، ناتوان آفریده شده‌است. که این یکی از مصادیق انعطاف‌پذیری احکام در بحث ازدواج می‌باشد.

۹- عدم لزوم حجاب برای زنان از کار افتاده‌ای که امیدی به ازدواج ندارند

«وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَ أَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور/۶۰)؛ و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند و عفت و ورزیدن برای آنها بهتر است، و خدا شنوای داناست.

در این آیه برای زنان سال‌خورده‌ای که به ازدواج امید ندارند نیز آسان گرفته شده‌است و از پوشش کامل معاف شده‌اند. (طبرسی، مجمع‌البیان، ۷/۲۴۳) و امام صادق (ع) درباره این آیه فرمودند: مراد کنار گذاشتن روسری و روپوش است نه برهنگی. (کلینی، کافی، ۵/۵۲۲)

۱۰- آیات جواز مأكولات حرام به جهت اضطرار

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لغيرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره/۱۷۳)؛ [خداوند،] تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و آداب سنت

را که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام گردانیده است. [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.

اگر کسی برای حفظ جان خود هیچ غذایی نداشته باشد، انسان می‌تواند به همان اندازه‌ای استفاده کند که خود را از مرگ نجات دهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر انسان عمداً در حال اضطرار از خوردنی‌های ممنوع نخورد و بمیرد، کافر مرده است. (حویزی، نورالثقلین، ۱/۱۳۰)

۱۱- قراءت قرآن در حد توان

«فَأَقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمّل/۲۰)؛ آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید. در این آیه انعطاف در انعطاف رخ داده است یعنی هم قرائت قرآن مستحب تلقی شده است و هم در عمل مستحبی که تأکید فراوانی به آن شده، تخفیف داده شده است.

۱۲- انعطاف و نرمش در تبلیغ دین

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانانتر، و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] دانانتر است. اسلام، دین منطق و گفتگو است و حتی شیوه تبلیغی‌اش بر محور تحمل و مدارا و احترام است.

۱۳- انعطاف در حکم قتل عمد

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدْوٍ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره/۱۷۸) ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آداب سنت

کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد)، باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [= قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد؛ (و در آن، مسامحه نکند). این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت.

در این آیه امت پیامبر اسلام را مخیر کرده بین قصاص و عفو و بین گرفتن دیه، تا در رفاه باشند که در ادیان قبلی وجود نداشته است.

۱۴- دست برداشتن از حرمت مجامعت در ماه رمضان

«أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ...» (بقره/ ۱۸۷)؛ در شب‌های روزه، همخوابگی با زنانان بر شما حلال گردیده است... در این آیه به مسلمانان اجازه داده شد که در تمام طول شب‌های ماه رمضان، غذا بخورند و با همسران خود آمیزش جنسی داشته باشند. (طبرسی، مجمع البیان، ۵۰۴/۲)

۱۵- جواز نجوا با پیامبر با اعطاء صدقه

آیه نجوا: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَيْكُمْ صَدَقَةٌ...» (مجادله/ ۱۲-۱۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه با پیامبر گفتگوی محرمانه می‌کنید، پیش از گفتگوی محرمانه‌ی خود صدقه‌ای تقدیم بدارید... خدا با لطف خود حکم و جوب صدقه را برداشت تا مردم راحت‌تر بتوانند با پیامبر ﷺ گفتگو کنند که خداوند در این آیه به مسلمانان تخفیف داده است. در روایات آمده تنها کسی که به آیه فوق عمل کرد امام علی عليه السلام بود که یک دینار داشت و آن را با ده درهم عوض کرد و هر گاه می‌خواست به ملاقات پیامبر ﷺ برود یک درهم صدقه می‌داد. عبدالله



دوستان! هرگز در این راه آموزه اولاد ان سنت

بن عمر، این فضیلت علی علیه السلام را در کنار همسری حضرت زهرا علیها السلام و پرچم‌داری خبیر، از بزرگ‌ترین فضایل او می‌شمرد. (سیوطی، درالمتثور، ۱۸۵/۶)

۱۶- جواز نجوای مؤمنان در موارد خاص

«لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء / ۱۱۴) در بسیاری از سخنان درگوشی (و جلسات محرمانه) آنها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که (به این وسیله)، امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند؛ و هر کس برای خشنودی پروردگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

۱۷- کفارۀ تخییری به جای تعیینی

خداوند در آیه ۸۹ مائده به جای تعیین یک کفارۀ برای قسم، انسان را میان چند کفارۀ مخیر گذاشته‌است. همچنین در بقیه آیات کفارۀ خداوند انسان را در چند مورد اختیار گذاشته‌است. از جمله: کفارۀ صید برای محرم، کفارۀ ظهار و کفارۀ قتل خطایی.

۱۸- عدم مؤاخذه در انجام کاری ناشایست به اشتباه

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ..» (احزاب / ۵)؛ بر شما در آنچه که به خطا انجام داده‌اید، گناهی نیست... ارتکاب بسیاری از کارها اگر به غیر عمد باشد، هیچ گونه مؤاخذه و پیامدی ندارد و یا پیامد آن اندک و سبک است. (کلینی، کافی، ۴۶۲/۲)

۱۹- عدم مؤاخذه در صورت عدم ابلاغ

«وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء / ۱۵)؛ و ما تا پیامبری برنینگیزیم، به عذاب نمی‌پردازیم. خداوند در آیه بر ناآگاهان آسان گرفته‌است که این تخفیفی از خداوند مهربان است که به دلیل نداشتن آگاهی عذاب از انسان برداشته می‌شود.



اسباب انعطاف

قرآن کریم عواملی که موجب تغییر حکم اولیه و تبدیل آن به حکم توأم با انعطاف در احکام می‌شود، بیان فرموده‌است برخی از این عوامل عبارت است از:

۱. عسر و حرج

یکی از عوامل انعطاف پذیری در احکام اسلام عسر و حرج می‌باشد. هر دو واژه عسر و حرج به معنای ضیق و مشقت است. (فراهدی، العین، ۳/۷۷) و در اصطلاح آن است که آن سختی و مشقتی که عقل تکلیف به آن را قبیح نداند مثل تکلیف مالایطاق. و از نظر فقه معنای عدم حرج در دین، عدم جعل احکامی است که مکلفین از ناحیه‌ی آنها به تنگنا بیفتند. این معنا در کتاب‌های تفسیری عامه و خاصه آمده‌است. (بجنوردی، قواعد الفقهیه، ۱/۲۵۳)

در قرآن آیات فراوانی به نفی عسر و حرج اشاره دارد به عنوان مثال: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج/۷۸)؛ و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید، اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. که در این آیه به صراحت حرج در دین را نفی شده است.

علامه حرج را بر دو گونه تقسیم می‌کند: ۱. حرجی است که در ملاک حکم و مصلحت مطلوب از آن حکم پیدا می‌شود، که در این صورت حکم ذاتا حرجی صادر می‌شود، چون حکم تابع ملاک و معیار خودش است، وقتی ملاک حرجی شد قهرا حکم هم حرجی می‌شود، لذا حرج با فایده می‌شود، ۲. حرجی است که در ملاک حکم نیست و قهرا خود حکم هم در اصل حرجی نبوده، ولی حرجی بودن از خارج و به علل اتفاقی بر آن عارض شده در نتیجه بعضی از افراد حکم



دوستان عزیزان! در آموزه لا اوتان سنت

مذکور حرجی شده که در چنین فرضی حکم در خصوص آن افراد ساقط می‌شود، و در غیر آن افراد به اعتبار خود باقی است، لذا فایده حکم از بین می‌رود در نتیجه بین احکام دینی به هیچ وجه حکمی حرجی و تحمیلی وجود ندارد، و به همین جهت حکم حرج را نفی کرده، نه خود حرج را. (طباطبایی، المیزان، ۲۳۰/۵)

در روایات نیز فراوان به نفی عسر و حرج اشاره شده است به عنوان مثال: پیامبر ﷺ فرمود: «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»؛ من بر دینی ساده و آسان مبعوث شده‌ام و هر که با روش من مخالفت کند، از من نیست. (مجلسی، بحار، ۲۶۴/۲۲)

کاربرد عدم عسر و حرج در فقه بسیار می‌باشد و هر جا که حکمی سخت گیرانه می‌باشد یا حکمی متضمن عسر و حرج باشد آن حکم بطور موقت برداشته می‌شود و حکمی دیگر جایگزین آن می‌شود که این عاملی مهم برای منعطف شدن احکام در اسلام است.

۲. اکراه

اکراه در لغت به معنای ناپسند داشتن (مصطفوی، تحقیق، ۴۹/۱۰) و در اصطلاح، عبارت است از وادار کردن انسان با تهدید به انجام دادن یا ترک کاری که از آن ناخرسند است. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۱/۳۲) اکراه با مفاهیمی دیگر همچون اضطرار و اجبار از آن جهت که در هر سه، انسان وادار به انجام یا ترک کاری می‌شود مشترک است؛ اما تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند.

قرآن از اکراه با واژه‌ها و تعبیرهایی گوناگون یاد کرده است که در بیشتر موارد معنای لغوی آن قصد شده است. به عنوان مثال: «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (بقره/ ۲۱۶)؛ بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است. در برخی آیات به معنای اصطلاحی آن آمده است؛ مانند: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ...» (نحل/ ۱۰۶)؛ هر کس پس



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آموزه لاوان سنت

از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد...

پس اگر شخصی در معرض تهدید قرار گرفت، انجام حرام یا ترک واجب برای وی مباح می‌شود و حکم تکلیفی برداشته می‌شود. لذا اکراه نیز یکی از عوامل انعطاف در احکام می‌باشد.

۳. تقیه

یکی دیگر از عواملی که باعث انعطاف در احکام می‌شود تقیه می‌باشد. تقیه خود نگهداری از اظهار درون از سوی افرادی که دارای عقاید محکم هستند برای رسیدن به هدف های بزرگ است و لذا نشانه ضعف و ترس نبوده، بلکه یک نوع تاکتیک برای حفظ عقائد است که در فرهنگ اسلامی شیعی از جایگاه والایی برخوردار است و یکی از اصول مورد تأیید قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است.

در مصباح آمده است: تقیه به معنای حفظ و نگهداری چیزی از اذیت و آزار دیگران است (فیومی، المصباح المنیر، ۷۶/۲) و همچنین نگهداری خود است از ضرر غیر بواسطه موافقت کردن با آن در قول یا فعل که مخالف با حق است و گاه واجب و گاه حرام و گاه مستحب و گاه مکروه. سجاد، فرهنگ معارف اسلامی، واژه تقیه) در قرآن به صراحت به تقیه اشاره شده است: «أَلَّا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَهُ وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران/۲۸)؛ مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کنید و خداوند، شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند، و بازگشت [همه] به سوی خداست. و در روایات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «لا إيمان لمن لا تقیه له و يقول:



وَفَصَلْنَا لَكُمْ فِي هَذِهِ السُّورَةِ الْوَأُولَىٰ مِنْهُنَّ

قال الله: «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً»؛ کسی که تقیه نمی‌کند، ایمان ندارد، و می‌فرمود: خداوند فرموده-

است: «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۶۶/۱)

پیامبر اسلام ﷺ نیز در چند سال اول بعثت، دعوت خود را مخفیانه انجام می‌داد و همچنین ابوطالب، عموی پیامبر ﷺ نیز در تقیه بوده‌است. فقهای شیعه، تقیه را به چهار نوع تقسیم کرده‌اند: «اکراهیه، خوفیه، کتمانیه و مداراتی» (خرمشاهی، قرآن پژوهی، ۸۲۶) تقیه مداراتی در مناسک و اعمال حج و دیگر واجب‌ها و مستحب‌هایی که حاجیان انجام می‌دهند بسیار کاربرد دارد.

۴. اضطرار

اضطرار از جمله مواردی است که موجب تغییر حکم می‌شود و قرآن کریم به دنبال بیان غذاهای حرام و ممنوع بدان اشاره کرده‌است. این واژه در لغت به معنای احتیاج پیدا کردن به چیزی و ناچار شدن به آن چیز است. (ابن منظور، لسان العرب، ماده ضرر) و در معنای فقهی عبارت است از اینکه شخصی را وادار کنند کاری را انجام دهد که به جا آوردنش حرام است یا ترک کردنش واجب، در هر دو صورت، حکم تکلیفی به دلیل اضطرار برداشته می‌شود. (سبحانی، تهذیب الاصول، ۲/۲۳۴). دامنه اضطرار در فقه گسترده‌است ولی فقها اضطرار را بیشتر در بحث اطعمه و اشربه آورده‌اند. البته اجرای قاعده اضطرار شرایطی دارد: ۱. امتنانی بودن، ۲. رافعیت به اندازه رفع ضرورت، ۳. غیر اختیاری بودن، ۴. رعایت تدریج و ترتیب در انجام محرمات. بعضی مدلول قاعده را رخصت و بعضی عزیمت می‌دانند. (عبداللهی، قاعده اضطرار، ۴۲/۶۳)

در آیه قرآن اضطرار به صورت کلی بیان شده‌است: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَ إِنَّا كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ» (انعام/۱۱۹)؛ شما را چه می‌شود که از آنچه (در ذبح) نام خداوند بر آن برده شده- است نمی‌خورید در حالی که آنچه را بر شما حرام کرده جز آنچه از (خوردن) آن، ناگزیر شده-



دو فصلنامه پژوهش‌های فقهی و حقوقی در آموزه‌های قرآن و حدیث

باشید برایتان روشن ساخته‌است و بی‌گمان بسیاری با هوا و هوس‌هایشان به نادانی (مردم را) گمراه می‌کنند و به راستی پروردگار تو خود به (حال) تجاوزکاران دانانتر است.

و در روایات از پیامبر ﷺ نقل شده‌است: «رفع من امتی تسعة... و ما اضطرّوا الیه...»؛ یعنی، از امت من نه چیز برداشته شده‌است... و آنچه بدان ناچارند... که طبق این روایت در همه موارد اضطرار، تکلیف برداشته می‌شود. لذا اضطرار در جمیع احکام جاری می‌شود. (مجلسی، بحار، ۴۴۳/۲۲)

۵. قاعده لاضرر

یکی دیگر از عوامل انعطاف در احکام، قاعده لاضرر می‌باشد. این قاعده به این معناست که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده‌است. در قرآن آیات زیادی به این قاعده اشاره کرده از جمله: «وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا» (بقره / ۲۳۱)؛ و آنان را برای [آزار و] زیان رساندن [به ایشان] نگاه مدارید تا [به حقوقشان] تعدی کنید.

روایت سمره بن جندب معروف‌ترین حدیثی که به آن استدلال شده‌است. سمره بن جندب در باغی درخت خرمایی داشت که در آستانه آن باغ منزل یکی از انصار قرار داشت. سمره بدون اجازه گرفتن از صاحب خانه بطرف نخل خود آمد و رفت می‌کرد و این مسأله ناراحتی شخص انصاری را فراهم می‌آورد. روزی به او گفت تو بی‌خبر به منزل ما می‌آیی، بهتر است قبلاً اجازه بگیری. سمره در پاسخ گفت: این راه من بطرف درختی که دارم می‌باشد و از تو نیز اجازه نمی‌گیرم! شخص انصاری از سمره به پیغمبر ﷺ، شکایت برد. پیغمبر ﷺ به احضار سمره دستور فرمود و وقتی حاضر شد به او فرمود این مرد از تو شکایت کرده و می‌گوید تو بر او و خانواده‌اش بدون اذن وارد می‌شوی. در زمان ورود از او اجازه بگیر! سمره می‌گوید: آیا من در راه خود به سوی درختم از دیگری اجازه بگیرم؟ پیغمبر ﷺ می‌فرماید از آن درخت صرف نظر کن تا برای تو



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت‌خانه، تهران، آبان ۱۳۸۵

درختی در جایی دیگر باشد. ولی سمره همچنان از قبول آن سرباز می‌زند! پیغمبر ﷺ به او می‌فرماید: از این درخت صرف نظر کن و در عوض درختی در بهشت بگیر! سمره باز هم بر امتناع خود اصرار می‌ورزد. در این هنگام پیغمبر ﷺ به او فرموده: «انک رجل مضارّ و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» و دستور می‌دهد آن درخت را در آورند و جلوی سمره بیندازند و به او می‌گوید: «این درخت را بگیر و برو و هر جا می‌خواهی آن را بنشان.» (کلینی، پیشین، ۲۹۴/۵) لذا ضرر زدن به دیگران حرام و غیر مشروع است که نشانه انعطاف در احکام اسلام می‌باشد.

۶. پیشرفت اسلام

آئین مقدس اسلام که از مکه آغاز شده و در اندک زمانی به دورترین نقاط جهان راه یافت. اسلام به هیچ وجه خود را در محدوده تعصبات ملی و قومی و نژادی محصور نکرده است بلکه با آنها مبارزه کرده است و این پیشرفت به خاطر محتوای عالی و انسانی و جهانی آن و نیز انعطاف در دستورات با توجه به ظرف زمانی، مکانی و نیز مخاطب بود. عامل گرایش ملت‌ها به اسلام، مساوات اسلامی و مزایایی چون مزایای اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی می‌باشد. تعلیمات اسلامی از طرفی معقول و خرد پسند است و از طرف دیگر فطری و قابل فهم که این تعلیمات یک نیروی کشش و جاذبه خاصی دارد که به موجب همان جاذبه، ملل مختلف را تحت نفوذ خود قرار داده است. از عوامل مؤثر در پیشرفت اسلام عبارت است از: سازگاری با فطرت آدمی، سادگی و آسانی احکام، توجه به واقعیت‌های جامعه، حمایت از محرومان، جنگ با سران شرک، عفو و بخشش از گذشته افراد، پذیرفتن اظهار اسلام، ابلاغ و اجرای تدریجی احکام و نقش پیامبر ﷺ در پیشرفت اسلام که با اخلاق کریمه‌ی خود توانست دل‌ها را به سوی اسلام جذب کند و برخورد بزرگوارانه‌ی آن حضرت، دوستان را به سوی اسلام جذب و دشمنانش را خجالت زده کند.



۷. توبه

شیطان و هوای نفس انسان را به سوی انحراف سوق می‌دهند و توبه به عنوان یک پناهگاه و دژ محکم برای در امان بودن از سقوط و انحطاط کامل و بازگشت به خدا محسوب می‌شود. توبه آثار و برکات زیادی دارد از جمله اینکه محبوب پروردگار خواهد بود؛ باعث تنزل برکات آسمانی می‌شود؛ زندگی خوش نصیب انسان خواهد شد؛ دخول در بهشت و رستگاری را در پی دارد و باعث می‌شود که گناهان به حسنات تبدیل شود. و هزاران آثار و برکات دیگر این همه نشان از انعطاف بسیار قوی و زیبای اسلام در برابر گناهکاران است. بنابراین توبه هم می‌تواند یکی از عوامل انعطاف در اسلام باشد.

نتیجه

جامعیت قرآن و جاوید ماندن دین و توجه به همه جوانب مادی و روحی و فردی و اجتماعی مهم‌ترین رکن دین است. دین ثابت و جامع باید انعطاف پذیر باشد تا بتواند نیازهای همه اعصارها را جوابگو باشد و باتوجه به خصوصیات انسان قانونی را به گونه‌ای وضع کند که فراز و نشیب‌های زندگی انسان‌ها را از جمله فقر، بیماری، جنگ، ناامنی، اضطراب و سختی‌ها را در نظر گرفته و مناسب با شرایط و احوال انسان باشد و احکام را به شیوه‌ای عرضه بدارد که شرایط مختلف را بپذیرد. بطوری که نه مکلف را دچار مشکل کند و نه قانون را پایمال سازد.

معتقدیم که خداوند کریم، در جعل قوانین آسانی را بر بندگانش را ترجیح داده و تکلیف به چیزی که توان آن را ندارند، ننموده‌است: «خداوند راحتی شما را می‌خواهد نه زحمت شما را» (بقره/۱۸۴)

بر همین اساس احکام دینی که در قرآن بیان شده همه دارای استثنائاتی هستند که برخی از آنها چنانچه اشاره رفت در قرآن کریم و بعضی دیگر در روایات اسلامی به تفصیل بیان شده‌است. طبعاً



دوستان عزیزان! در آموزه لا اله الا الله

اینگونه انعطاف به جهت موقعیت انسان بوده و چون به صراحت تبیین گشته است راه بر کسانی که بخواهند خودسرانه به بیان استثناء بپردازند، بسته است.

منابع

قرآن کریم

- بحنوردی سید محمد حسن، القواعد الفقہیہ (ج۷)، به کوشش مهریزی، قم، هادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- حر عاملی محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعہ إلى تحصیل مسائل الشریعہ (ج۳۰)، قم، مؤسسہ آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- خرمشاهی بهاء الدین، قرآن پژوهی، تهران، مرکز نشر فرهنگی مشرق، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- دهخدا علی اکبر، لغت نامه (ج۱۵)، مؤسسہ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ق.
- سبحانی جعفر، تهذیب الاصول، تقریرات بحث امام خمینی، قم، انتشارات دار الفکر، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.
- سجادی سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، انتشارات کومش، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
- سیاح احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ج۲) (عربی بفارسی)، تهران، اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- سیوطی جلال الدین، الدرالمثور فی تفسیر المأثور (ج۶)، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- صدری افشار غلامحسین و...، فرهنگ فارسی امروز، تهران، نشر کلمه، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن (ج۲۰)، قم، دفتر نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- طباطبائی سید محمدحسین، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۷۹ ش.
- طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج۱۰)، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- عبداللهی علی بیگ حمیده، قاعده اضطرار (الضرورات تبيح المحذورات)، مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، ش ۶۳، بهار ۱۳۸۳ ش، ۴۲ ص.
- عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، نور الثقلین (ج۵)، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
- عیاشی محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی (ج۲)، به تصحیح محلاتی، تهران، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ ق.
- فراهیدی خلیل بن احمد، کتاب العین (ج۹)، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- فیومی ابن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر (ج۲)، قم، موسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- کریم پورقراملکی علی، قلمرو قرآن، مجله پژوهش های قرآنی، ش ۳۵-۳۶، ۱۳۸۲ ش، ۲۲ ص.



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌ها و آداب قرآن و سنت

- کریمی مصطفی، جامعیت قرآن کریم، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ش.
- کلینی محمد بن یعقوب، الکافی (۸ج)، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع) (۱۱ج)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مصطفوی حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم (۱۴ج)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- مطهری مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان (۲ج)، قم، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
- نجفی محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (۴۳ج)، به کوشش عباس قوچانی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۶ش.

راهنمای اشتراک

بهای اشتراک سالانه ۲۰۰/۰۰۰ ریال و تک‌شماره ۱۰۰/۰۰۰ ریال است. خواهشمند است مبلغ حق اشتراک را به کارت شماره ۹۲۲۱ ۰۰۴۰ ۹۹۷۷ ۶۰۳۷ بنام «دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» واریز و تصویر آن را به آدرس الکترونیکی نشریه faslname@quransonnat.net ارسال فرمائید.

اینجانب:..... شغل:..... تحصیلات:.....
مایلم مجله «دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» را از نیم سال:..... سال:..... دریافت نمایم.

آدرس: استان:..... شهر:..... خیابان:..... کوچه:.....
کدپستی:..... صندوق پستی:..... تلفن منزل /
محل کار:..... تلفن همراه:..... پست الکترونیکی:.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مجلة نفس سنوية العلمية

دراسات حديثه في تعاليم القرآن و السنة

السنة الاولى ، العدد الاول / الربيع و الصيف ١٣٩٧ش - ١٤٣٩ق

الصاحب الامتياز و المدير المسئول: على الغضنفرى

رئيس التحرير: آية الله احمد عابدى

لجنة التحرير و الهيئة الاستشارية

آيات العظام و حجج الاسلام السادة: عبدالكريم بى آزار شيرازى، سيد اسمعيل حسيني مقدم، حسين رحيم زاده خراسانى، داوود كميجانى، امرالله گيوى، سيد مرتضى موسى خراسانى، سيد محمد تقيب، محمد حسين واثقى.
السيدات: خديجه احمدى بيغش، اكرم اسمعيلى، خديجه جلالى، ناجحه سعيدى، فريبه صدارت، طاهره سادات طباطبائى، راضيه عراقى، قدسيه على اوسط، زينب قاسمپور، راضيه كاظمى، فاطمه كاظم زاده، نرگس كريم زده، فاطمه محرمى، سهيلا ميرزاضائى، نيره نصرالله، اعظم نيكيخت، زينت نوروزى، معصومه يوسفى.

المتقح: كوكب صابرى

الخبير التنفيذى: مريم جعفرىان

المنضد: حميد حيدرى

عنوان: www.qazamfari.net

البريد الالكترونيكى: faslname@quransonnat.net

الطباعة: چاپ نسيم